



سید الشهدای انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم



سیدالشهدای انقلاب



نظام موضوعات سخنرانی های عمومی حرم مطهر

تدوین: واحد هیئت اندیشه ورز معاونت
تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

پدیدآورندگان:

دکتر عبدالرضا آتشین صدف

حجت الاسلام سید محمد ضیائی

حجت الاسلام سید هادی ضیائی

ارزیاب محتوایی: حجت الاسلام علی ابهری

صفحه آرای و طراحی جلد: میثم زاهد مقدم

سال چاپ: ۱۴۰۵

تعداد صفحات: ۱۳۶ صفحه

قطع کتاب: رقعی



فهرست

ماهیت مردم سالاری دینی.....	۷۱
ولایت و مردم سالاری دینی.....	۷۴
نقش متقابل رهبری و مردم.....	۷۹
شاخصه های جامعه ولایی.....	۸۳
جایگاه و نقش مردم در حکومت اسلامی.....	۸۷
سنن الهی در تغییر و تحول امتها.....	۹۱
معیارهای شناخت جبهه حق و باطل.....	۹۵
مبارزه با مستکبران از منظر قرآن.....	۹۸
جلوه های استکبارستیزی در صحیفه سجادیه.....	۱۰۲
ضرورت تاب آوری در مقابل تحریم و فشار دشمن.....	۱۰۵
ترس و انزهام از دشمن در منظر قرآن و نهج البلاغه.....	۱۱۰
دفاع از وطن.....	۱۱۴
نصرت الهی در قرآن.....	۱۱۷
تفاوت ها و پیامدهای مقاومت و تسلیم.....	۱۲۰
ضرورت مقاومت تا ظهور.....	۱۲۳
کمک به جبهه مقاومت.....	۱۲۶
جایگاه شهدا در قرآن.....	۱۳۰
جهاد تبیین در مقابله با جنگ رسانه ای دشمن.....	۱۳۳

مقدمه.....	۱۰
بخش اول سیره و گفتمان امام خامنه ای شهید.....	۱۳
سیره اخلاقی و سلوک معنوی امام خامنه ای شهید.....	۱۵
حیات علمی امام خامنه ای شهید.....	۲۱
انس با قرآن در سیره امام خامنه ای شهید.....	۲۵
ایمان به وعده های الهی در سیره امام خامنه ای شهید.....	۲۸
سبک رهبری سیاسی امام خامنه ای شهید.....	۳۱
افول قدرت های غربی در نگرش امام خامنه ای شهید.....	۳۵
جایگاه امام خامنه ای شهید در جهان.....	۳۸
خط تمایز حق و باطل در اندیشه امام خامنه ای شهید.....	۴۲
صلح امام حسن علیه السلام در نگرش امام خامنه ای شهید.....	۴۵
مبارزه دائمی خستگی ناپذیر امام رضا علیه السلام در اندیشه امام خامنه ای شهید.....	۴۹
بعثت ملت در نگرش امام خامنه ای شهید.....	۵۳
نصرت الهی در اندیشه امام خامنه ای شهید.....	۵۸
دکترین انتظار در اندیشه امام خامنه ای شهید.....	۶۱
سبک زندگی منتظرانه در اندیشه امام خامنه ای شهید.....	۶۴
بخش دوم مقاومت و انقلاب اسلامی.....	۶۷
جمهوری و نقش مردم در اسلام.....	۶۸

مهم‌ترین پایگاه‌های نشر معارف اسلام ناب و تبیین گفتمان ولایت بوده است. زائرانی که با دلی آماده و روحی تشنه به این حریم امن پناه می‌آورند، نیازمند زلال معرفتی هستند که پیونددهنده معنویت فردی با بصیرت اجتماعی و سیاسی باشد.

مجموعه پیش رو، با درک این ضرورت و به منظور پاسداشت مکتب آن رهبر شهید، تدوین یافته است. در این مجموعه، تلاش شده تا مفاهیم و آموزه‌های کلیدی از سیره و اندیشه ایشان در قالبی منسجم ارائه گردد. بر همین اساس، این مجموعه برای استفاده‌ی خطبای اندیشور حرم مطهر امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام در دو بخش کلی سامان یافته است که عبارتند از:

نخست؛ سیره و گفتمان امام خامنه‌ای شهید

دوم؛ مقاومت و انقلاب اسلامی

در ذیل هر یک از این بخش‌ها، موضوعات با ساختاری منظم شامل: «پیام اصلی»، «پرسش‌ها و گره‌های ذهنی مخاطب»، «تبیین موضوع»، «مستندات (آیات، روایات و بیانات امام خامنه‌ای)» و «منابع مطالعاتی برای مخاطب» تدوین گردیده است.

محورهای موضوعی و محتوایی این مجموعه، ابعاد گوناگونی از مکتب قائد شهید امت و دکتترین انقلاب اسلامی را در عرصه‌هایی همچون سیره اخلاقی و سلوک معنوی، سیره سیاسی، حیات علمی و برخی از معارف دینی از منظر ایشان، به تصویر می‌کشد. در این منظومه، مردم‌سالاری دینی و نقش کلیدی مردم در حفظ ایران اسلامی (بعثت ملت) جایگاهی ویژه دارد و شاخصه‌های «جامعه ولایی» زنده و مسئولیت‌پذیر تبیین می‌گردد. همچنین، منطق مقاومت، استکبارستیزی، تاب‌آوری ملی و غلبه بر دشمن با تکیه بر سنت‌های الهی، به عنوان بخشی از منظومه گفتمانی امام شهید ایران تبیین شده‌اند.

آنچه پیش روی مبلغین و خطبای ارجمند حرم امام هشتم قرار گرفته، تلاشی است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»

مقدمه

تاریخ پرفراز و نشیب انقلاب اسلامی، در چهار دهه اخیر وام‌دار رهبر حکیمی است که همواره کشتی امت را در طوفان فتنه‌ها به ساحل بصیرت هدایت نمود. امام خامنه‌ای شهید، عالمی سیاستمدار، فقیهی زمان‌شناس و پدری دلسوز برای ملت، امت و جبهه مقاومت بود که منزلت و جایگاه والای ایشان، نه تنها در جایگاه زعامت و ولایت، بلکه در سیره عملی، زهد، تقوا و انس با قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) ریشه داشت.

ماجرای تلخ و جانکاه شهادت ایشان، اگرچه ثلمه‌ای جبران‌ناپذیر بر پیکره جهان اسلام وارد ساخت و غمی سنگین بر دل‌های امت و آزادگان جهان نشاند، اما قطره قطره خون آن مرد الهی، درخت تنومند مقاومت و بیداری اسلامی را آبیاری کرد. امروز، گرچه از فیض حضور ظاهری ایشان محرومیم، اما منظومه فکری، مکتب درس‌آموز و گفتمان تمدن‌ساز آن رهبر حکیم، بیش از پیش زنده و در تار و پود جامعه اسلامی جاری است.

حرم مطهر و منبرهای وعظ و خطابه در این حریم نورانی، همواره یکی از

برای زنده نگاه داشتن یک مکتب؛ مکتبی که اکنون رسالتِ تبیین آن به لسان گویای شما سپرده شده است. امروز که بار امانتِ روشنگری بیش از پیش احساس می‌شود، منبرهای این حریم قدسی باید قرارگاهی برای بازتولید آن حماسه و دمیدن روح امید، مقاومت و مسئولیت‌پذیری در جان زائران باشد. رسالت امروز ماست که با تکیه بر این منظومه فکری، کاری کنیم تا زائر پس از وداع با این آستان نورانی، خود به پرچمداری در مسیر روشن تمدن‌سازی بدل شود؛ تا این جریان زلالِ بیداری و مقاومت، از جوار مضجع منور رضوی و مهمان تازه‌اش جان تازه‌ای بگیرد و در امتداد خون مطهر شهدا و امام شهیدشان، پرخروش‌تر از همیشه به صبح صادقِ ظهور متصل گردد.

بخش اول

سیره و گفتمان امام خامنه‌ای شهید

موضوع: سیره اخلاقی و سلوک معنوی امام خامنه‌ای شهید

پیام: امام خامنه‌ای مصداق عینی خطبه متقین

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- چگونه کسی همچون امام خامنه‌ای که در اوج قدرت و بالاترین مقام کشوری به بزرگی ایران است در زندگی شخصی خود از امکانات مادی بهره نبرد و مانند شاهان پیشین ایران زندگی نکرد؟
- با توجه به اینکه ماهیت سیاست و حکومت و قدرت با امور معنوی سازگار به نظر نمی‌رسد چطور ممکن است کسی همچون امام خامنه‌ای توانسته در عین سیاستمداری و حکومت داری به عبادت‌های شبانه و دعا و تضرع بپردازد؟

تبیین موضوع و پیام:

شخصیت حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای از ابعاد گوناگون شایسته تأمل و بررسی است. مطالعه زندگی، خاطرات و روایت‌هایی که از سوی نزدیکان و

همراهان ایشان نقل شده، نشان می‌دهد که در کنار مسئولیت‌های گسترده علمی، فرهنگی و سیاسی، نوعی سلوک اخلاقی و معنوی در رفتار، گفتار و سبک زندگی ایشان جریان داشته است. این سلوک را نمی‌توان صرفاً به عنوان مجموعه‌ای از رفتارهای فردی یا عادت‌های شخصی تلقی کرد، بلکه باید آن را برخاسته از یک منظومه تربیتی و معرفتی دانست که ریشه در تربیت دینی، انس عمیق با قرآن کریم و معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، و نیز تجربه سال‌ها مجاهدت، مبارزه و حضور در میدان‌های مختلف اجتماعی و انقلابی دارد.

روایت‌ها و خاطراتی که از سوی علما، شاگردان، یاران و نزدیکان ایشان بیان شده، جلوه‌های گوناگونی از این منش اخلاقی را آشکار می‌سازد. در این نقل‌ها، از ساده‌زیستی و قناعت در زندگی شخصی سخن گفته شده است؛ شیوه‌ای از زندگی که در آن، پرهیز از تجمل و توجه به زندگی طبقات مختلف جامعه به روشنی دیده می‌شود. همچنین تواضع و فروتنی در برخورد با مردم، بخصوص کودکان، احترام به مخاطبان و پرهیز از تکلف در معاشرت، از ویژگی‌هایی است که در بسیاری از این روایت‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

خوش خلقی، سعه‌صدر و بردباری در تعامل با دیگران، توجه به شنیدن دیدگاه‌های مختلف و اهتمام به تکریم افراد، از دیگر ویژگی‌هایی است که در خاطرات نقل شده به چشم می‌خورد. افزون بر این، توجه به مسائل مردم، به‌ویژه محرومان و اقشار نیازمند جامعه، همواره از دغدغه‌های جدی ایشان بوده و در رفتار و تصمیم‌های مختلف نمود یافته است.

در کنار این جلوه‌های اخلاق اجتماعی، بُعد معنوی زندگی ایشان نیز در بسیاری از نقل‌ها مورد اشاره قرار گرفته است. اهتمام به عبادت، مراقبت بر نماز با حضور قلب، توجه به تهجد و شب‌زنده‌داری، و انس با قرآن کریم از جمله ویژگی‌هایی است که بسیاری از همراهان و نزدیکان در مقاطع مختلف زندگی ایشان بر آن تأکید کرده‌اند. این جنبه از زندگی ایشان، نشان می‌دهد که فعالیت‌های گسترده اجتماعی و مسئولیت‌های سنگین اجرایی، مانعی برای توجه به سلوک معنوی و

ارتباط با خداوند نبوده، بلکه این دو بُعد در کنار یکدیگر و در پیوندی عمیق با هم شکل گرفته‌اند.

مجموعه این ویژگی‌ها، تصویری از شخصیتی را ترسیم می‌کند که در آن اخلاق فردی، مسئولیت اجتماعی و معنویت در هم تنیده شده و هر یک دیگری را تکمیل می‌کند.

مستندات:

سوره مبارکه حشر/۹: وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ

سوره مبارکه ذاریات/۱۷-۱۸: كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

سوره مبارکه فرقان/۶۳-۶۵: وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

امیرالمومنین علی (علیه‌السلام): قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمَوْلَاهُ نَوْفٍ الشَّامِيِّ وَهُوَ مَعَهُ فِي السَّطْعِ يَا نَوْفُ أَرَامِقُ أَمْ تَبْهَانُ قَالَ تَبْهَانُ أَرُمُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ هَلْ تَدْرِي مَنِ شِيعَتِي قَالَ لَا وَاللَّهِ قَالَ شِيعَتِي الذُّبُلُ الشَّفَاؤُ الْخُمْصُ الْبُطُونُ الَّذِينَ تُعْرِفُ الرَّهْبَانِيَّةُ وَالرَّبَّانِيَّةُ فِي وُجُوهِهِمْ زُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ أَشَدُّ بِالنَّهَارِ الَّذِينَ إِذَا جَنَّهُمُ اللَّيْلُ لَتَزُرُّوهُ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ وَازْتَدَوْا عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَصَفُّوا أَقْدَامَهُمْ وَافْتَرَشُوا جِبَاهَهُمْ تَجْرِي دُمُوعُهُمْ عَلَى خُدُودِهِمْ يَجَاؤُونَ إِلَى اللَّهِ فِي فَكَاكٍ رَقَابِهِمْ وَأَمَّا النَّهَارُ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءِ كِرَامٍ نَجَبَاءُ أَبْرَارٍ أَتْقِيَاءُ يَا نَوْفُ شِيعَتِي الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَالْمَاءَ طِيبًا وَالْقُرْآنَ شَعَارًا إِنْ شَهِدُوا لَمْ يَعْرِفُوا وَإِنْ غَابُوا لَمْ يُفْتَقِدُوا شِيعَتِي مَنْ لَمْ يَهْرَ هَرِيرَ الْكَلْبِ وَلَا يَطْمَعُ طَمَعَ الْغُرَابِ وَلَمْ يَسْأَلِ النَّاسَ وَلَوْ مَاتَ جُوعًا إِنْ رَأَى مُؤْمِنًا أَكْرَمَهُ وَإِنْ رَأَى فَاسِقًا هَجَرَهُ هَوْلَاءُ وَاللَّهِ يَا نَوْفُ شِيعَتِي سُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ وَقُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ وَحَوَائِجُهُمْ خَفِيفَةٌ وَأَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ اخْتَلَفَتْ بِهِمُ الْأَبْدَانُ وَلَمْ تَخْتَلَفْ قُلُوبُهُمْ قَالَ قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ إِنْ أَطْلُبُ هَوْلَاءَ فَقَالَ لِي فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ يَا نَوْفُ يَجِيءُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَخِذًا بِحُجْرَةِ رَبِّهِ جَلَّتْ

أَسْمَاؤُهُ يَعْني يَحْمِلُ الدِّينَ وَ حُجْرَةُ الدِّينِ وَأَنَا أَخَذْتُ بِحُجْرَتِهِ وَأَهْلُ بَيْتِي آخِذُونَ بِحُجْرَتِي وَ شِيعَتُنَا آخِذُونَ بِحُجْرَتِنَا فَإِلَى أَيْنَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ قَالَهَا ثَلَاثاً. (کنز الفوائد، ج ۱، ص ۸۷) امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حالی که همراه غلام خود نوف شامی بر بام بود، به او فرمود: «ای نوف، خوابی یا بیداری؟» نوف عرض کرد: «بیدارم و به شما می نگرم، ای امیرالمؤمنین.» حضرت فرمود: «آیا می دانی شیعیان من چه کسانی هستند؟» گفتم: «نه، به خدا سوگند.» فرمود: شیعیان من کسانی اند که لب‌هایی خشکیده و شکم‌هایی فرو رفته دارند و آثار عبادت و ربوبیت الهی در چهره‌هایشان آشکار است؛ شب‌ها عبادت‌اند و روزها شیران میدان. آنان وقتی شب فرا می‌رسد، کمر همت به عبادت می‌بندند، جامه‌های خود را بر تن می‌گیرند، قدم‌ها را در صف نماز استوار می‌سازند و پیشانی‌های خویش را بر زمین می‌نهند. اشک‌هایشان بر گونه‌ها جاری است و با ناله و تضرع از خدا می‌خواهند که آنان را از بند عذاب‌هایی بخشد. اما در روز، بردبار، دانا، بزرگوار، نجیب، نیکوکار و پرهیزکارند. ای نوف، شیعیان من کسانی اند که زمین را بستر خود قرار داده‌اند، آب را مایه پاکیزگی خود دانسته‌اند و قرآن را نشان و شعار زندگی خویش ساخته‌اند؛ اگر در جمعی حاضر شوند، شناخته نمی‌شوند و اگر غایب باشند، کسی سراغشان را نمی‌گیرد. آنان نه چون سگ پارس می‌کنند و نه چون کلاغ آزمندند و از مردم چیزی درخواست نمی‌کنند، هرچند از گرسنگی جان دهند. اگر مؤمنی را ببینند، او را گرامی می‌دارند و اگر فاسقی را ببینند، از او کناره می‌گیرند. به خدا سوگند، ای نوف، شیعیان من کسانی اند که مردم از شر آنان در امان‌اند، دل‌هایشان اندوهگین، نیازهایشان اندک و نفس‌هایشان پاکدامن است؛ بدن‌هایشان از هم جداست، اما دل‌هایشان اختلافی با یکدیگر ندارد. نوف می‌گوید: عرض کردم: «ای امیرالمؤمنین، فدایت شوم، اینان را کجا باید جست؟» فرمود: «در گوشه و کنار زمین.» ای نوف، در روز قیامت پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی می‌آید که به دامن پروردگار خود چنگ زده است، یعنی به دین خدا تمسک بسته است؛ و من به دامن او چنگ می‌زنم، اهل بیت من به دامن

من، و شیعیان ما به دامن ما چنگ می‌زنند. پس به کجا خواهند رفت؟ به سوی بهشت، به پروردگار کعبه سوگند؛ و این سخن را سه بار تکرار فرمود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام: قَالُمُتَّقُونَ فِيهَا أَهْلُ الْقَضَائِلِ مَنْطِقُهُمْ الصَّوَابُ وَ مَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ وَ مَشِيَّتُهُمُ التَّوَاضُّعُ غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ... مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَالَّذِي نَزَلَتْ فِي الرِّجَاءِ لَوْلَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ لَهُمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ شَوْقاً إِلَى الثَّوَابِ وَ خَوْفاً مِنَ الْعِقَابِ عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ فَهُمْ ... وَ أَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ وَ حَاجَتُهُمْ خَفِيفَةٌ وَ أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ ... أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُّونَهَا تَرْتِيلاً يُحَرِّزُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَانِهِمْ ... وَأَمَّا النَّهَارُ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءَ أَبْرَارٍ أَتْقِيَاءَ قَدْ بَرَّاهُمُ الْخَوْفُ بَرِّي الْقِدَاحِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَحْسِبُهُمْ مَرَضَى وَ مَا بِالْقَوْمِ مَرَضٌ ... (نهج البلاغه، خطبه همام) پروا پیشگان در این دنیا اهل فضیلت‌اند؛ گفتارشان درست و سنجیده است و پوشششان میانه‌روانه و ساده، و راه رفتنشان همراه با فروتنی. دیدگان خود را از آنچه خدا بر آنان حرام کرده فرو می‌بندند ... و در بلا و سختی همان‌گونه‌اند که در آسایش و رفاه. اگر آن اجل معینی که خدا برایشان مقرر کرده نبود، روح‌هایشان از شدت شوق به پاداش و بیم از کفر حتی یک چشم بر هم زدن در بدن‌هایشان قرار نمی‌گرفت. آفریننده در جان‌هایشان چنان بزرگ است که هر چه جز اوست در چشمشان کوچک می‌نماید؛ پس آنان ... بدن‌هایی لاغر دارند، نیازهایشان اندک است و نفس‌هایشان پاکدامن و خویشتن‌دار. اما شب‌ها پاهای خویش را به صف می‌کنند و بخش‌بخش قرآن را می‌خوانند، آن را با ترتیل و دقت تلاوت می‌کنند، دل‌های خود را با آن اندوهگین می‌سازند و درمان دردهایشان را از آن می‌جویند ... و اما در روز، بردبار، دانا، نیکوکار و پرهیزگارند؛ ترس از خدا آنان را همچون تیر تراش خورده باریک و نحیف ساخته است، به‌گونه‌ای که هر کس به آنان بنگرد، می‌پندارد بیمارند، حال آنکه این گروه هیچ بیماری ندارند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِمَاماً لِيَخْلُقَهُ فَرَضَ عَلَيَّ التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ مَلْبَسِي كَضَعَفَاءِ النَّاسِ كَيُتَقَدَّرَ الْفَقِيرُ بِفَقْرِي وَ لَا يُطْغِي

الْغَنِيِّ غِنَاءً. (الکافی، ج ۱، ص ۴۱۰) خداوند مرا پیشوای آفریدگان خود قرار داده است؛ از این رو بر من واجب ساخته است که در زندگی شخصی‌ام، در خوراک، نوشیدنی و پوشاکم اندازه‌داری و ساده‌زیستی پیش گیرم و همچون ناتوانان و محرومان جامعه زندگی کنم، تا فقیر به فقر من اقتدا کند و ثروتمند نیز به سبب دارایی خود دچار سرکشی و طغیان نشود.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

خاطرات زندگی اخلاقی و سلوک معنوی امام خامنه‌ای (رضوان الله تعالی علیه) مقاله ابعاد شخصیتی امام خامنه‌ای از لینک زیر جستجو کنید:

<https://spoh.ir>

موضوع: حیات علمی امام خامنه‌ای شهید

پیام: جامعیت امام خامنه‌ای در علوم دینی و تسلط به علوم نوین

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- جلوه‌های جامعیت امام خامنه‌ای شهید در علوم دینی و دانش‌های عصری کدام است؟

تبیین موضوع و پیام:

در میان چهره‌های اثرگذار معاصر، کمتر شخصیتی را می‌توان یافت که هم‌زمان در عرصه‌های گوناگون علم، اندیشه و مدیریت اجتماعی حضوری چنین عمیق و گسترده داشته باشد. حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای شهید از جمله شخصیت‌هایی است که پیش از آنکه به عنوان یک رهبر سیاسی شناخته شوند، در جایگاه یک عالم دینی، متفکر و نظریه‌پرداز برجسته در حوزه معارف اسلامی

مطرح بودند.

شخصیت علمی ایشان را نمی‌توان صرفاً در چارچوب طی کردن مراحل متعارف تحصیل در حوزه‌های علمیه یا دستیابی به مرتبه اجتهاد خلاصه کرد. آنچه هویت علمی ایشان را شکل می‌دهد، منظومه‌ای گسترده از معرفت دینی و اندیشه اسلامی است که در بستر سنت ریشه‌دار علمی حوزه‌ها و در تعامل با مسائل فکری و اجتماعی جهان معاصر پدید آمده و تکوین یافته است.

از یک سو، پایه‌های این شخصیت علمی در سنت دیرپای علوم اسلامی استوار بود؛ سنتی که در آن، فقاہت، اجتهاد و فهم عمیق متون دینی جایگاهی محوری دارد و در پرتو شاگردی در محضر استادان برجسته حوزه‌های علمیه نجف، مشهد و قم بالید. از سوی دیگر، از ویژگی‌های برجسته در ساحت علمی امام شهید، توجه هم‌زمان به طیفی گسترده از حوزه‌های معرفتی بود؛ از تفسیر و تاریخ و اندیشه اسلامی گرفته تا ادبیات، فرهنگ و مسائل اجتماعی و حتی دانش‌های نوین همچون دانش هسته‌ای. این گستره مطالعاتی، افق اندیشه ایشان را از محدوده یک رشته علمی فراتر برده و به آن ابعاد چندسویه بخشید.

حاصل پیوند این دو ساحت، شکل‌گیری نگاهی منظومه‌ای در اندیشه امام خامنه‌ای شهید است؛ نگاهی که در آن معارف اسلامی نه به صورت مباحثی پراکنده و منفصل، بلکه در قالب دستگاهی فکری و منسجم با محوریت توحید فهم می‌شود. در چنین چارچوبی، حوزه‌های گوناگون معرفت دینی - از اعتقادات و اخلاق تا مسائل اجتماعی و سیاسی - در ارتباطی معنادار با یکدیگر قرار می‌گیرند و همین انسجام، به اندیشه ایشان توان و ظرفیت ویژه‌ای برای تبیین مسائل جامعه اسلامی بخشید.

مستندات:

سوره مبارکه مجادله/۱۱: يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

سوره مبارکه فاطر/۲۸: إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

سوره مبارکه توبه/۱۲۲: فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

سوره مبارکه بقره/۲۶۹: يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرٌ

امیرالمومنین علی (علیه السلام): فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ قُوَّةً فِي دِينٍ وَ حُزْماً فِي لَيْنٍ وَ إِيمَاناً فِي يَقِينٍ وَ حِرْصاً فِي عِلْمٍ وَ عِلْماً فِي حِلْمٍ ... مَرْجَ الْحِلْمِ بِالْعِلْمِ وَ الْقَوْلُ بِالْعَمَلِ (نهج البلاغه، خطبه همام) پس از نشانه‌های یکی از آنان این است که می‌بینی او در دین استوار و نیرومند است، در عین نرمی دارای قاطعیت است، ایمانش همراه با یقین است، در طلب دانش کوشاست و علمش با بردباری همراه است ... بردباری را با دانش و گفتار را با عمل درآمیخته است.

آیت الله مصباح یزدی: من اگر بخواهم درباره شخص ایشان و ویژگی‌هایی که خدای متعال به ایشان عطا فرموده و امتیازاتی که به ایشان لطف کرده صحبت کنم، حقش را نمی‌توانم ادا کنم، ولی در چندجمله کوتاه عرض بکنم که ایشان فقاہت را توأم با تقوا، تیز هوشی و فراست را توأم با بردباری و سعه صدر؛ مدیریت را همراه با تعبد و پابندی به اصول و مبادی اسلامی، فکر روشن و ثاقب و درخشان را با دوراندیشی و تشخیص مصالح دراز مدت امت اسلامی، حزم و احتیاط را توأم با شجاعت و شهامت، بهره‌مندی از علوم مختلف اسلامی را با ذوق و گرایشهای هنری اصیل، اعتماد به نفس را همراه توکل بر خدای متعال، تلاش و جدیت و نظم و برنامه ریزی را توأم با توسل به ولی عصر (عج) و ائمه اطهار و در یک کلمه همه‌ی شرایط و مزایای مدیریت را با روح عبادت و بندگی و اخلاص جمع می‌کند. (زندگی نامه مقام معظم رهبری، ص ۲۴۵)

حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی (رحمة الله علیه): حضرت امام بارها از جنابعالی به عنوان مجتهدی مسلم و بهترین فرد برای رهبری نام برده اند. انتخاب شایسته و بسیار خدا پسندانه حضرتعالی باعث شادی تمام دوستداران

اسلام و انقلاب اسلامی در جهان گردید. حضرت تعالی از چهره های درخشان انقلاب اسلامی ایران بوده و همواره مورد تأیید و تکریم امام عزیزمان بوده اید. (زندگی نامه مقام معظم رهبری، ص ۲۴۷)

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

خاطرات زندگی اخلاقی و سلوک معنوی امام خامنه ای (رضوان الله تعالی علیه) مقاله ابعاد شخصیتی امام خامنه ای از لینک زیر جستجو کنید:

<https://spoh.ir>

موضوع: انس با قرآن در سیره امام خامنه ای شهید

سؤالات اساسی و چالش های فکری مخاطب:

- قرآن و انس با آن در سیره امام شهید چه جایگاهی دارد؟

تبیین موضوع و پیام:

امام شهیدامت:

متأسفانه بسیاری در دنیای اسلام با قرآن انس ندارند. این شکایت رسول مکرم به خدای متعال که «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»، امروز در بسیاری از بخش های دنیای اسلام تحقق دارد و یک واقعیت تلخی است. (۱۴۰۲/۱۲/۳)

انس با قرآن در زندگی امام خامنه ای شهید نه یک شعار سیاسی، بلکه یک پیوند عمیق و تاریخی است که ریشه های آن به دهه های پیش از پیروزی انقلاب بازمی گردد. در دورانی که رژیم پهلوی تلاش می کرد با ترویج فرهنگ غربی، دین

را به حاشیه براند و قرآن را تنها در مجالس تحریم و مساجد دورافتاده محصور کند، ایشان با برگزاری جلسات تفسیر قرآن در مشهد، راهبرد متفاوتی را در پیش گرفتند. آن روزها، شرکت در جلسات تفسیر، خودش یک کنش انقلابی و سیاسی بود؛ چرا که تبیین آیات قرآن با نگاهی اجتماعی و سیاسی، لرزه بر اندام دستگاه امنیتی وقت می انداخت.

این پیوند عمیق، پس از پیروزی انقلاب و در دوران رهبری نیز با قوت بیشتری ادامه یافت. اگر به فهرست دیدارهای ثابت و سالانه آقای شهید نگاه کنیم، دیدار با قاریان، حافظان و اساتید قرآنی در نخستین روز ماه مبارک رمضان، یکی از قدیمی ترین و استوارترین این برنامه هاست. این دیدارها برای ایشان نه یک ملاقات تشریفاتی، بلکه جلسه ای برای رصد وضعیت قرآنی کشور و تشویق نخبگان قرآنی است. در این جلسات، رهبر انقلاب نه در جایگاه یک مقام سیاسی، بلکه به عنوان یک استاد متخصص قرآن ظاهر می شوند؛ درباره ظرایف تلاوت، رعایت اصول تجوید، انتقال معنا و نحوه تأثیرگذاری بر مخاطب نکات فنی و دقیق مطرح می کنند که نشان دهنده تسلط ایشان بر علوم قرآنی است.

یکی از وجوه بارز قرآن محوری در شخصیت ایشان، پرهیز از تشریفات مرسوم در برگزاری این جلسات است. برخلاف بسیاری از محافل رسمی که با دکورهای گران قیمت و تشریفات پروتکل محور همراه است، در جلسات انس با قرآن ایشان، فضا به گونه ای است که قاریان جوان و نوجوان بدون دغدغه و با صمیمیت در محضر ایشان تلاوت می کنند. بارها دیده شده که پس از تلاوت یک قاری جوان، رهبر انقلاب شخصاً از او تشویق می کنند، نکات لازم را با مهربانی به او گوشزد می کنند و حتی گاهی در پایان جلسه، برای احترام به جایگاه قرآن، شخصاً به قاریان نزدیک شده و با آنان به گرمی گفت و گو می کنند. این رفتار دور از تکلف، برای کسانی که از نزدیک شاهد آن بوده اند، درس بزرگی از نحوه تعامل با خادمان قرآن است.

مستندات

سوره مبارکه بقره / ۱۲۱: الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ

يُؤْمِنُونَ بِهِ

سوره مبارکه فرقان / ۳۰: وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

سوره مبارکه زمر / ۲۳: اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ

امیرالمومنین (علیه السلام) ما جالس هذا القرآن أحد الأقام عنه بزيادة أو نقصان؛ زياد في هدى أو نقصان من عمى نهج البلاغه خطبه ۱۷۶ هیچ کس با این قرآن همنشین نشد، مگر آن که چون از نزد آن برخاست با فرونی و کاستی همراه بود؛ فرونی در هدایت، و کاستی از کوردلی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): حَمَلَةُ الْقُرْآنِ عُرْفَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ (کافی، ج ۲، ص ۶۰۶) حاملان قرآن معروف ترین اهالی بهشت هستند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): إِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كُثِرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ اتَّسَعَ أَهْلُهُ وَ أَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا (کافی، ج ۲، ص ۶۱۰) خانه ای که در آن قرآن فراوان خوانده شود، خیر آن بسیار گردد و به اهل آن وسعت داده شود و برای آسمانیان بدرخشد چنان که ستارگان آسمان برای زمینیان می درخشند.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

امام خامنه ای، انس با قرآن در کلام رهبری، تهران: حافظان مهدی، ۱۳۸۸.

مسیر حرکت انقلاب اسلامی به کار گرفته‌اند. محور اصلی این نگاه، آیه شریفه «إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» (یونس/ ۵۵) است که امام خامنه‌ای بارها بر آن تأکید فرموده‌اند. از نگاه ایشان، وعده‌های الهی دارای مراتبی هستند؛ تحقق وعده‌های کوچکتر، نشانه و نویدی برای تحقق وعده‌های بزرگتر است. ایشان در این باره به داستان قرآن درباره حضرت موسی(ع) استناد می‌کنند که خداوند به مادر موسی دو وعده داد: بازگرداندن موسی به او و قرار دادن او در زمره پیامبران (إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ). وقتی وعده اول (بازگشت موسی) محقق شد، این تحقق، نشانه‌ای بود برای ایمان به وعده دوم (رسالت) که بزرگتر و مستلزم رنج و مجاهدت بیشتری بود: «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَىٰ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ». امام خامنه‌ای این الگورا برای امت اسلام نیز جاری دانسته و می‌فرمایند وعده اول الهی برای شما تحقق پیدا کرده؛ یعنی «كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ شما یک فتنه قلیله‌ای هستید که توانسته‌اید بر فتنه کثیره غلبه کنید. پس وعده دیگر نیز قابل تحقق است.

امام خامنه‌ای با استناد به آیه «وَلْيَتَصَرَّنَ اللَّهُ مَن يَتَصَرَّه» (حج/ ۴۰)، نصرت الهی را وعده‌ای قطعی برای کسانی می‌داند که خدا را یاری کنند. یکی از مهم‌ترین وعده‌های الهی که ایشان بر آن تأکید نموده‌اند، وعده استخلاف و وراثت صالحان در زمین است. ایشان با اشاره به هشت سال دفاع مقدس تأکید دارند که علیرغم صف‌آرایی تمامی قدرت‌ها در برابر ایران اسلامی، وعده‌های الهی تحقق یافت و ملت بزرگ ایران در نتیجه صبر و استقامت خود به پیروزی بزرگ دست یافت. امام خامنه‌ای در عین حال، تحقق وعده‌های الهی را مشروط به «نیت خدایی»، «ایمان»، «عمل صالح» و «صبر و استقامت» می‌دانند. همچنین با استناد به آیه «وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوْقِنُونَ» (روم/ ۶۰)، مؤمنان را از تزلزل در برابر منفی‌بافی کسانی که به وعده الهی یقین ندارند، برحذر می‌دارند.

به این ترتیب، سیره امام خامنه‌ای در باب ایمان به وعده‌های الهی، نمونه‌ای عالی از تلفیق «باور قلبی» و «عمل عینی» است؛ باوری که نه فقط در سخن، که در میدان عمل و در بحرانی‌ترین لحظات تاریخی، صادقانه و خستگی‌ناپذیر دنبال شده است.

موضوع: ایمان به وعده‌های الهی در سیره امام خامنه‌ای شهید

پیام: ایمان به وعده‌های الهی؛ رمز استقامت و پیروزی

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- ایمان به وعده‌های الهی چه نقشی در سیره عملی و بیانات امام خامنه‌ای شهید داشته است؟
- مهم‌ترین وعده‌های الهی که امام خامنه‌ای شهید در بیانات خود بر آنها تأکید کرده‌اند کدامند؟
- شرط تحقق وعده‌های الهی از نگاه امام خامنه‌ای شهید چیست؟

تبیین موضوع و پیام:

ایمان به وعده‌های الهی، یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های سیره عملی و اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای شهید است. ایشان همواره با تکیه بر آیات قرآن و سنت الهی، وعده‌های خداوند را به عنوان یک «واقعیت حتمی» و «سنت تغییرناپذیر الهی» در

ایشان با تکیه بر وعده‌های الهی، ملت ایران را به مقاومت، خودباوری و تلاش مجاهدانه فرا خوانده و تحقق وعده‌های الهی را در گرو عمل جدی و همت جمعی می‌دانند.

مستندات:

سوره حج/۴۰: «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ»

سوره بقره/۲۴۹: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»

سوره اعراف/۱۲۸: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ»

امام خامنه‌ای: ما شک نداریم که "إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ؛ وعده‌ی الهی حق است. وَ لَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يَوْقِنُونَ؛ این‌هایی که به وعده‌ی الهی یقین ندارند، با منفی‌بافی‌های خودشان شما را باید متزلزل نکنند، سست نکنند." (۱۴۰۲/۸/۱۰)

امام خامنه‌ای شهید: همه‌ی ما بدانیم که تا در راه خدا و برای خدا کار می‌کنیم، حرکت می‌کنیم، حرف می‌زنیم، خدا به ما کمک خواهد کرد؛ این وعده‌ی الهی است: إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛ وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ. (۱۴۰۲/۶/۲۹)

امیرالمومنین (علیه السلام): وَ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ لَا تَعَاجِلُوا الْأَمْرَ قَبْلَ بُلُوغِهِ فَتَنْدَمُوا وَ لَا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَتَقْسُوا قُلُوبُكُمْ (تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۵، ص ۲۴۴) وَ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ پیش از فرا رسیدن کار شتاب نکنید که پشیمان می‌شوید. و پایان کار را طولانی نبینید که دل‌هایتان سخت می‌گردد.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

[امام] خامنه‌ای، سید علی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: صهبا، ۱۳۷۴.

جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن (سنن الهی)، قم: اسراء، ۱۳۸۵.

موضوع: سبک رهبری سیاسی امام خامنه‌ای شهید

پیام: حکومت بر مبنای حکمت، عدالت و جامع نگری

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- مهمترین ویژگی‌ها و شاخص‌های رهبری سیاسی امام خامنه‌ای شهید چه بود؟

تبیین موضوع و پیام:

برای فهم سبک رهبری سیاسی امام خامنه‌ای شهید، باید به مبانی فکری و نوع نگاه ایشان به سیاست توجه کرد. در نگرش ایشان، سیاست بخشی از مسئولیت هدایت جامعه و پاسداری از هویت و استقلال آن به شمار می‌آید. از همین رو، بسیاری از مواضع و تصمیم‌های سیاسی ایشان را باید در چارچوب نگاهی راهبردی و مبتنی بر اصول فکری انقلاب اسلامی تحلیل کرد.

نشانه‌های این رویکرد را می‌توان در تأکید مکرر ایشان بر مفاهیمی چون «استقلال سیاسی و فرهنگی» و «هویت اسلامی - ایرانی» مشاهده کرد. در تبیین

مفهوم استقلال نیز آن را محدود به حوزه سیاسی ندانستند، بلکه استقلال فکری، فرهنگی و اقتصادی را نیز از ارکان آن برمی‌شمردند. همچنین در بیانات مختلفشان، سیاست به عنوان ادامه مسیر آرمان‌های انقلاب و ابزاری برای تحقق ارزش‌هایی مانند عدالت، عزت ملی و دفاع از ملت‌های تحت فشار معرفی شده است. بررسی تجربه چند دهه زعامت ایشان نشان می‌دهد که این سبک رهبری بر چند ویژگی مهم استوار است.

توجه به تحلیل دقیق شرایط پیش از تصمیم‌گیری به گونه‌ای که مسائل سیاسی تنها در سطح رخداد‌های روزمره دیده نمی‌شود، بلکه در بستر روندهای عمیق‌تر داخلی و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نتیجه، بسیاری از تصمیم‌ها با نگاه به افق‌های بلندمدت و پیامدهای گسترده آن اتخاذ می‌گردید. نمونه‌هایی از این نگاه را می‌توان در تأکید ایشان بر شناخت روندهای جهانی و تحولات منطقه‌ای مشاهده کرد؛ از جمله تحلیل‌هایی درباره شکل‌گیری نظم جدید جهانی، افول قدرت‌های مسلط و تحولات غرب آسیا. همچنین توجه به اسناد کلان مانند سیاست‌های کلی نظام یا سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور نیز همین رویکرد بلندمدت در هدایت کلان کشور است.

تلاش برای حفظ تعادل میان اصول و واقعیت‌های عملی اداره کشور. در این چارچوب، اصول انقلاب اسلامی به عنوان چارچوب‌های ثابت مورد تأکید قرار می‌گیرد، اما در شیوه تحقق آن‌ها شرایط واقعی جامعه و محیط سیاسی نیز در نظر گرفته می‌شود. نمونه‌ای از این رویکرد را می‌توان در موضوع مذاکرات هسته‌ای مشاهده کرد؛ جایی که در عین تأکید بر حقوق هسته‌ای کشور و بی‌اعتمادی به قدرت‌های غربی، از روند مذاکرات حمایت می‌فرمود و در عین حال خطوط قرمز مشخصی برای آن تعیین می‌نمود.

نگاه منظومه‌ای به مسائل کشور. در این نگاه، حوزه‌های مختلف اداره جامعه -از فرهنگ و اقتصاد تا سیاست و امنیت- اجزای به‌هم‌پیوسته یک مجموعه تلقی می‌شوند. طرح مفاهیمی مانند «پیشرفت همه‌جانبه»، «الگوی اسلامی - ایرانی

پیشرفت» و تأکید بر نقش فرهنگ در حل مسائل اقتصادی، نشانه‌هایی از همین نگاه شبکه‌ای به اداره کشور است.

مستندات:

سوره مبارکه حدید/۲۵: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

سوره مبارکه حج/۴۱: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

سوره مبارکه بقره/۲۶۹: يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا

امیرالمومنین علی (علیه السلام): وَ اللَّهُ مَا مُعَاوِيَةُ بِأَذْهَى مِنِّي وَلَكِنَّهُ يَغْدِرُ وَيَفْجُرُ وَ لَوْ لَا كِرَاهِيَةُ الْغَدْرِ لَكُنْتُ مِنْ أَذْهَى النَّاسِ وَلَكِنْ كُلُّ غَدْرَةٍ فُجْرَةٌ وَ كُلُّ فُجْرَةٍ كُفْرَةٌ وَ لِكُلِّ غَادِرٍ لَوْاءٌ يَعْرِفُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اللَّهُ مَا أُسْتَعْفِلُ بِالْمَكِيدَةِ وَ لَا أُسْتَعْمَرُ بِالشَّدِيدَةِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲) به خدا سوگند، معاویه از من زیرک‌تر و سیاستمدارتر نیست؛ اما او پیمان‌شکنی می‌کند و گناه می‌ورزد. اگر نیرنگ و پیمان‌شکنی ناپسند نبود، من از زیرک‌ترین مردم بودم. اما هر پیمان‌شکنی‌ای نوعی گناهکاری است، و هر گناهکاری‌ای به کفر می‌انجامد. برای هر پیمان‌شکن در روز قیامت پرچمی خواهد بود که با آن شناخته می‌شود. به خدا سوگند، من با نیرنگ غافلگیر نمی‌شوم و در سختی‌ها و شداید ناتوان و درمانده نمی‌گردم.

امیرالمومنین علی (علیه السلام): اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا اِتِّمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْحُطَامِ وَ لَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَ نَظْهَرِ الْأَضْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامَ الْمَعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَوَّلُ مَنْ أَنْابَ وَ سَمِعَ وَ أَجَابَ لَمْ يَسْبِقْنِي إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِالصَّلَاةِ. وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلَى الْفُرُوجِ وَ الدَّمَاءِ وَ الْمَغَانِمِ وَ الْأَحْكَامِ وَ إِمَامَةَ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلُ فَتَكُونَ فِي أَمْوَالِهِمْ نَهْمَتُهُ وَ لَا الْجَاهِلُ فَيُضِلُّهُمْ

بِجَهْلِهِ وَلَا أَلْجَافِي فَيَقْطَعُهُمْ بِجَفَائِهِ وَلَا أَلْجَائِفُ لِلدُّوْلِ فَيَتَّخِذَ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ وَلَا الْمُرْتَشِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبَ بِالْحُقُوقِ وَيَقِفَ بِهَا دُونَ الْمَقَاطِعِ وَلَا الْمُعْطَلُ لِلْسُّنَّةِ فَيُهْلِكَ الْأُمَّةَ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۵) خداوند! تو خود می‌دانی آنچه از جانب ما [از پذیرش حکومت] رخ داد، نه برای رقابت در به دست آوردن قدرت بود و نه برای جستجوی چیزی از افزونی‌های مال دنیا؛ بلکه برای آن بود که نشانه‌های دینت را به جایگاه اصلی خود بازگردانیم و اصلاح را در سرزمین‌های تو آشکار سازیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امان باشند و حدود تعطیل‌شده‌ات برپا شود. خداوند! من اولین کسی هستم که [به سوی تو] بازگشت و [سخنت را] شنید و اجابت کرد. هیچ‌کس جز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در نماز [و ایمان آوردن] بر من پیشی نگرفت. و شما نیک می‌دانید که شایسته نیست حاکم بر ناموس‌ها و خون‌ها و غنیمت‌ها و احکام [اسلامی] و پیشوای مسلمانان،

بخیل باشد، که حرص و طمع او در اموال مردم ظاهر گردد.

جاهل باشد، که مردم را به جهل خود گمراه کند.

ستمگر و سنگدل باشد، که با خشونت خود مردم را از خود براند.

ستمکار در تقسیم دولت‌ها [و ثروت‌ها] باشد، که گروهی را بر گروهی دیگر ترجیح دهد.

رشوه بگیر در حکم باشد، که حقوق را پایمال کند و از رسیدن آن به صاحبانش جلوگیری نماید.

یا سنت [پیامبر] را تعطیل کند، که امت را به هلاکت اندازد.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

[امام] خامنه‌ای، سیدعلی، انسان ۲۵۰ ساله (حلقه سوم)، قم: موسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی،

[امام] خامنه‌ای، سیدعلی، تبیین نظریه نظام انقلابی، تهران: نخبگان،

موضوع: افول قدرت‌های غربی در نگرش امام خامنه‌ای شهید

پیام: امریکا محکوم به سقوط است!

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- نشانه‌ها و شاخصه‌های افول غرب و امریکا از منظر امام خامنه‌ای شهید چیست؟

تبیین موضوع و پیام:

امام شهید امت:

آمریکا رو به افول است؛ همه این را بدانند... عوامل افول آمریکا هم مربوط به امروز و دیروز نیست که حالا یکی بخواهد بیاید علاجش کند؛ مربوط به طول تاریخ [است]. عامل این وضعیتی که آمریکایی‌ها دچارش شدند، عامل بلندمدت است؛ اینها در طول تاریخ وضعیتی را به وجود آوردند که نتیجه‌اش همین است و به این آسانی‌ها علاج‌شدنی نیست. این سنت الهی است، اینها محکومند به اینکه ساقط بشوند، محکومند به اینکه افول کنند، زایل بشوند از صحنه‌ی قدرت جهانی. (۹۷/۸/۱۲)

در نگرش امام خامنه‌ای شهید، افول قدرت‌های غربی، به‌ویژه آمریکا، یک واقعیت عینی و تاریخی است که نشانه‌های آن در عرصه‌های گوناگون داخلی و بین‌المللی آشکار شده است. این افول را می‌توان در چند محور اصلی مشاهده کرد.

نخست، کاهش توان سلطه‌گری آمریکا در جهان و منطقه است. آمریکا در گذشته می‌توانست با کودتا، اشغال نظامی، فشار سیاسی و مداخله مستقیم، دولت‌ها را تغییر دهد و اراده خود را تحمیل کند؛ اما امروز نه در افغانستان، نه در عراق، نه در سوریه و نه در دیگر نقاط، به اهداف خود نرسیده است. خروج تحقیرآمیز از افغانستان و ناکامی در پروژه‌های منطقه‌ای، نشانه‌ی روشن این ناتوانی است.

دوم، بحران‌های درونی غرب است. دوقطبی‌های شدید سیاسی، آشفتگی اجتماعی، ضعف مدیریتی، مشکلات اقتصادی و بحران‌های اخلاقی، پایه‌های اقتدار آمریکا را متزلزل کرده است. رخدادهای سیاسی سال‌های اخیر در آمریکا، از جمله بحران‌های انتخاباتی و شکاف عمیق در حاکمیت، نشان می‌دهد که این کشور با فرسایش از درون مواجه است.

سوم، شکست در حفظ نظم تک‌قطبی است. جهان امروز در حال عبور از دوره‌ی سیطره‌ی بلامنازع آمریکا به سوی نظمی جدید است. کاهش نقش دلار در مبادلات جهانی، فاصله گرفتن برخی دولت‌ها از سیاست‌های واشنگتن، و شکل‌گیری گرایش‌های مستقل در مناطق مختلف جهان، همگی نشانه‌های این تحول‌اند.

در این نگاه، افول غرب به معنای پایان هیاهوی رسانه‌ای یا قطع کامل روابط کشورها با آمریکا نیست، بلکه به معنای کاهش قدرت تحمیل، نفوذ و اراده‌سازی غرب در معادلات جهانی است. بنابراین، در نگرش امام خامنه‌ای شهید افول قدرت‌های غربی یک روند تدریجی اما واقعی است که آینده‌ی نظم جهانی را دگرگون خواهد کرد.

مستندات:

سوره مبارکه انعام / ۴۴: فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ

سوره مبارکه اعراف / ۱۳۷: وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا^۱ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا^۲ وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ

سوره مبارکه قصص / ۳۹ و ۴۰: وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ^۳ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ

امیرالمومنین (علیه السلام): فَأَعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَمَ الْمُسْتَكْبِرِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ بَأْسِ اللَّهِ وَ صَوْلَاتِهِ وَ وَقَائِعِهِ وَ مَثَلَاتِهِ، وَ اتَّعَظُوا بِمَنَاقِبِ خُدُودِهِمْ وَ مَصَارِعِ جُنُوبِهِمْ، وَ اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ لَوَاقِحِ الْكِبَرِ كَمَا تَسْتَعِيدُونَ مِنْ طَوَارِقِ الدَّهْرِ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)

از آنچه به امت‌های مستکبر پیشین از عذاب الهی و کیفرها و مجازاتهای او رسید عبرت بگیرید و از قبرهای آنها و خوابگاهشان در زیر خاک پند آموزید و به خدا از آثار شوم کبر پناه برید، آن گونه که از بلاها و مشکلات روزگار به او پناه می‌برید. امام خامنه‌ای شهید: گفتیم آمریکا در حال ضعیف شدن است، یا قدرت‌های غربی، قدرت‌های استکباری در حال ضعیف شدند. این یک شعار نیست، این یک واقعیت است و حرفی است که خود آنها می‌زنند؛ خود آنها می‌گویند شاخص‌های اقتدار آمریکا در دنیا رو به تنزل است. مثل چه شاخص‌هایی؟ مثل اقتصاد؛ یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتدار آمریکا اقتصاد قوی آمریکا بود که می‌گویند رو به تنزل است. (۱۴۰۲/۲/۰۶)

امام خامنه‌ای شهید: یکی مسئله‌ی امکان دخالت در دولت‌ها بود؛ آمریکا در دولت‌های گوناگون دخالت می‌کرد، امروز این حالت رو به افول است؛ اروپایی‌ها یک جور، دیگران یک جور. می‌شنوید دیگر؛ در مطبوعات و در خبرهای رادیوتلوویزیون و خبرهای دنیا می‌شنوید؛ اعتراف می‌کنند. یکی از شاخص‌های اقتدار در آمریکا توانایی تغییر دادن دولت‌ها و کشورها بود. توجه کنید! اینها مهم است. (۱۴۰۱/۸/۱۱)

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

وودوارد، باب، ترس؛ ترامپ در کاخ سفید، مترجم: کیوان سپهری، تهران: نخل، ۱۳۹۷.

فکری و اعتقادی» و آرمان‌های انقلاب اسلامی استوار است. همان‌گونه که یک مقام ارشد ایرانی بیان کرده، نفوذ ایران در جهان، به ویژه در کشورهای اسلامی و منطقه، ریشه در ایدئولوژی انقلاب اسلامی دارد.

بسیاری از نهادهای معتبر بین‌المللی نیز به این جایگاه اذعان دارند. مؤسسه کارنگی در گزارشی، آیت‌الله خامنه‌ای را «قدرتمندترین رهبر جهان» معرفی کرد. اندیشکده‌های آمریکایی همچون امریکن اینترپرایز، ایشان را «بزرگترین ابرحریف» آمریکا توصیف کرده‌اند که «نقشه راه را به خوبی می‌شناسد و از حمایت عمیق مردمی برخوردار است». شبکه سی‌ان‌ان نیز مراسم تشییع ایشان را بازتاب‌دهنده «جایگاه نیرومند سیاسی و نمادین» او در ایران و بخش‌هایی از جهان دانست.

با این حال، این جایگاه جهانی، در عرصه‌های مختلف و با چالش‌هایی همراه بوده است. رسانه‌هایی مانند بی‌بی‌سی، تصویری متفاوت از ایشان ارائه داده‌اند و برخی تحلیل‌گران غربی به سرکوب اعتراضات داخلی اشاره کرده‌اند. اما با وجود این نگاه‌های دوگانه، تأثیرگذاری عملی ایشان بر تحولات منطقه و جهان، امری انکارناپذیر است.

امام خامنه‌ای شهید با رهبری مقتدرانه و مقاومت طولانی‌مدت خود، سیاست خارجی ایران را از وابستگی‌های تاریخی رها کنید و با تزریق روحیه خودباوری، «عقلانیتی انقلابی» را بنیان نهاد. این نگاه، اساس نظریه «مقاومت» در برابر سلطه‌گری را شکل داد؛ نظریه‌ای که به اعتقاد تحلیل‌گران، «سلطه‌ی درک‌شده» آمریکا و اسرائیل را در هم شکست.

اوج این جایگاه جهانی، در پی شهادت ایشان به دست آمریکا و اسرائیل، به شکلی بی‌سابقه نمایان شد. حضور هیئت‌هایی از بیش از ۹۰ کشور در مراسم تشییع، از جمله مقاماتی از چین، روسیه، ترکیه، عربستان سعودی، قطر، عمان، پاکستان، تاجیکستان و ارمنستان، نشان از جایگاه بین‌المللی ایشان داشت. برگزاری بخشی از این مراسم در شهرهای مقدس نجف و کربلا در عراق، پیامی صریح مبنی بر تداوم نفوذ ایران در سراسر جهان تشیع بود. یک ناظر پاکستانی، این تشییع را «آغاز نمادین یک نظم

موضوع: جایگاه امام خامنه‌ای شهید در جهان

پیام: منزلت والای امام خامنه‌ای شهید در جهان به دلیل ایمان و عمل صالح اوست

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- نقش و تأثیر ایشان بر معادلات منطقه‌ای و جهانی چیست؟
- چگونه رهبری ایشان به ارتقای جایگاه ایران در جهان انجامید؟
- نگاه ملت‌ها و اندیشمندان جهان اسلام به امام خامنه‌ای چیست؟

تبیین موضوع و پیام:

جایگاه امام خامنه‌ای در جهان، فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران و حتی فراتر از قلمرو جهان تشیع، به عنوان یک شخصیت تأثیرگذار در معادلات قدرت جهانی و یکی از اثرگذارترین رهبران معاصر جهان اسلام شناخته می‌شود. این جایگاه، بر پایه «قدرت

بین‌المللی دگرگون‌شده» توصیف کرد.

مستندات:

[جایگاه امام خامنه‌ای و فرزندش پس از عمری مجاهدت امامت امت بود]

سوره مبارکه بقره/ ۱۲۴: وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ

إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ

[عشق امت اسلام به امام خامنه‌ای نتیجه ایمان و عمل صالح اوست]

سوره مبارکه آل مریم/ ۹۶: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

[منزلت امام خامنه‌ای در جهان به خاطر ایمان و عمل صالح او]

سوره مبارکه طه/ ۷۵: وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ

[جایگاه امامت امام خامنه‌ای به دلیل ایمان و عمل صالح او]

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا

اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ

بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

امام صادق (ع): قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ أَصْبَحْتُ

وَاللَّهِ يَا عَلِيُّ عَنْكَ رَاضِيًا وَأَصْبَحَ وَاللَّهِ رَبُّكَ عَنْكَ رَاضِيًا وَأَصْبَحَ كُلُّ مُؤْمِنٍ وَ

مُؤْمِنَةٍ عَنْكَ رَاضِيَةٍ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ نَعَيْتَ إِلَيَّ

نَفْسَكَ فَيَا أَيَّتَ نَفْسِي الْمُتَوَفَّاهُ قَبْلَ نَفْسِكَ قَالَ أَبِي اللَّهُ فِي عِلْمِهِ إِلَّا مَا يُرِيدُ

قَالَ فَادْعُ اللَّهَ لِي بِدَعَوَاتٍ يُصْبِنُنِي بَعْدَ وَفَاتِكَ قَالَ يَا عَلِيُّ ادْعُ لِنَفْسِكَ بِمَا تُحِبُّ

وَتَرْضَى حَتَّى أَوْمِنَ فَإِنْ تَأْمِنَنِي لَكَ لَا يُرَدُّ قَالَ فَدَعَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) اللَّهُمَّ ثَبِّتْ

مَوَدَّتِي فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) آمِينَ

فَقَالَ يَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ادْعُ فَدَعَا بِتَشْيِيتِ مَوَدَّتِهِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ إِلَى

يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى دَعَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كُلَّمَا دَعَا دَعَاةً قَالَ النَّبِيُّ (ص) آمِينَ فَهَبَطَ جَبْرَائِيلُ

فَقَالَ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ... فَقَالَ النَّبِيُّ

الْمُتَّقُونَ عَلَىٰ بَنِ أَبِي طَالِبٍ وَ شِيعَتُهُ. (تفسير اهل بیت علیهم السلام ج ۹، ص ۱۵۴)

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «نزد رسول خدا (ص) آمدم. فرمود: ای علی! به خدا

سوگند از تو راضی شدم و به خدا سوگند، پروردگات از تو راضی شد و هر زن

و مرد مؤمنی از تو راضی شدند تا قیامت برپا شود. عرض کردم: «ای رسول

خدا! از مرگ خود به من خبر دادی؛ پس ای کاش جان من، قبل از جان تو گرفته

شود. فرمود: خداوند در علمش از غیر آنچه خود می‌خواهد ابا دارد. گفتم: پس

با دعاهایی به درگاه خدا برایم دعا کن که بعد از وفات تو مرا حفظ می‌کند.

فرمود: ای علی! برای خودت به آنچه دوست داری و می‌پسندی دعا کن تا آمین

بگویم؛ چون آمین گفتن من برای تو ردّ نمی‌شود. امیرالمؤمنین (ع) دعا کرد:

خدایا! دوستی مرا تا روز قیامت در قلب زنان و مردان مؤمن ثابت بگردان. سپس

رسول خدا (ص) آمین گفت و فرمود: «ای امیرالمؤمنین! دعا کن؛ پس برای تثبیت

محبتش در قلب زنان و مردان مؤمن تا روز قیامت دعا کرد تا اینکه سه بار دعا

کرد؛ هر بار که دعا کرد پیامبر (ص) آمین گفت؛ سپس جبرئیل فرود آمد و گفت:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا. پیامبر (ص) فرمود:

پرهیزگاران علی بن ابی طالب و شیعیان او هستند.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

اشیری، سعید، دوران جدید عالم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.

خسروپناه دزفولی، عبدالحسین، نظریه نظام انقلابی، تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، ۱۴۰۰.

شناخت درست، نیازمند معیارهای روشن و قابل اعتماد است.

ایشان کتاب و سنت را اصلی‌ترین معیار تشخیص حق از باطل دانسته و تأکید می‌کردند که هر آنچه مطابق شرع باشد، حق و هرچه برخلاف آن باشد، باطل است. در این نگاه، شخصیت‌ها و چهره‌های شناخته‌شده، ملاک نهایی نیستند؛ زیرا ممکن است افراد موجه نیز دچار خطا شوند. بنابراین، معیار باید بر مبنای اصول دینی باشد، نه جایگاه اشخاص.

امام خامنه‌ای شهید تقابل حق و باطل را جریانی مستمر می‌دانستند که تا قیامت ادامه دارد. ایشان این رویارویی را در قالب دو جبهه حسینی و یزیدی تفسیر نمودند؛ یکی نماد ایستادگی در برابر ظلم و دیگری نماینده ستم و انحراف. با این حال، تأکید داشتند که در این نبرد، پیروزی نهایی از آن حق است، هرچند جبهه حق در این مسیر هزینه می‌پردازد. ایشان دفاع مقدس هشت ساله را یکی از نمونه‌های قابل مشاهده این پیروزی معرفی نموده‌اند.

مستندات:

سوره مبارکه اسراء/ ۸۱: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»

سوره مبارکه انبیاء/ ۱۸: «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ»

سوره مبارکه بقره/ ۴۲: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

نهج‌البلاغه، خطبه ۵۰: اشاره به خلط حق و باطل و سختی تشخیص آن

امام خامنه‌ای شهید: تشخیص حق از باطل، یکی از آن مسائلی است که در طول تاریخ بشر و تاریخ نبوت‌ها، نقطه‌ای دشوار زندگی انسان‌ها به حساب می‌آمده است.

(۱۳۶۸/۷/۱۲)

امام خامنه‌ای شهید: ملت مسلمان ایران و نظام اسلامی، پرچمدار جبهه حق است و در یک صف‌بندی دائمی در مقابل جبهه باطل قرار دارد. جبهه حق در تلاش است که دنیا را با اخلاق صحیح انسانی بسازد و اجازه نمی‌دهد که عده‌ای زورگو، پرتوقع و فرصت‌طلب، بر زندگی جمع دیگری از انسانها حکمرانی کنند. در جبهه حق، هیچ فرقی بین نژادهای انسانی نیست، همه بنده خدا و تابع فرمان او هستند و در خدمت

موضوع: خط تمایز حق و باطل در اندیشه امام خامنه‌ای شهید

پیام: ملاک تشخیص حق، شریعت است نه افراد!

سوالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- مرز و خط تمایز حق و باطل در اندیشه امام خامنه‌ای شهید چیست؟
- وظیفه مؤمنان در مواجهه با جنگ حق و باطل چیست؟

تبیین موضوع و پیام:

تشخیص حق از باطل از مسائل مهم و در عین حال دشوار در تاریخ بشر و تاریخ نبوت‌هاست. از نگاه امام خامنه‌ای شهید، دلیل این دشواری آن است که باطل معمولاً به صورت آشکار و جدا از حق ظاهر نمی‌شود، بلکه با بخشی از حقیقت درهم می‌آمیزد و همین امر، راه تشخیص را پیچیده می‌کند. به همین سبب، انسان برای

به انسانیت، حرکت می‌کنند و اگر جبهه حق، راه را در مقابل خود باز ببیند، نه فقط زندگی انسان را، بلکه محیط حیات روی زمین را زیبا و آباد خواهد کرد. (۱۳۷۴/۷/۲۵)

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

الهامی نیا، علی اصغر، ویژگی‌های اخلاقی دو جبهه حق و باطل در کربلا، تهران: حکومت اسلامی، ۱۳۸۱.
اشتری ماهنی، معصومه، ملاک‌های شناخت حق و باطل در قرآن و نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات پشتیبان، ۱۳۹۸.

موضوع: صلح امام حسن علیه السلام در نگرش امام خامنه‌ای شهید

پیام: پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- چرا امام حسن مجتبی علیه السلام مثل برادرش امام حسین علیه السلام قیام نکرد و ننگید؟
- دستاوردهای صلح امام حسن علیه السلام برای نهضت تشیع چه بود؟

تبیین موضوع و پیام:

صلح امام حسن مجتبی علیه السلام یکی از سرنوشت‌سازترین رخدادهای تاریخ اسلام است؛ رخدادی که نه تنها سرنوشت یک دوره تاریخی، بلکه آینده اسلام و جریان اهل‌بیت علیهم السلام را رقم زد. این حادثه در شرایطی رخ داد که جریان قدرت طلب بنی‌امیه به رهبری معاویه، پس از سال‌ها نفوذ و گسترش، توانسته بود بخش مهمی از جامعه اسلامی را تحت تأثیر خود قرار دهد و حکومت اسلامی را از مسیر اصیل آن به سوی سلطنت سوق دهد. در چنین فضایی، امام حسن علیه السلام با

وضعیتی مواجه بود که ادامه جنگ نمی‌توانست به پیروزی جبهه حق منجر شود و حتی موجودیت آن را نیز در معرض نابودی قرار می‌داد.

امام مجتبی (علیه السلام) تا آخرین مرحله برای مقابله با معاویه و حفظ حکومت حق تلاش کرد، اما ضعف بصیرت عمومی، دنیاگرایی خواص، نفوذ گسترده تبلیغات اموی، خریدن شخصیت‌های اثرگذار با پول و قدرت، و سست شدن ارزش‌های دینی در جامعه، شرایطی پدید آورده بود که جبهه حق از پشتوانه لازم برای ادامه نبرد برخوردار نبود. از این‌رو، پذیرش صلح نه نشانه ضعف، بلکه تصمیمی مبتنی بر واقع‌بینی، تدبیر و حفظ مصالح عالی اسلام بود.

در نگرش امام خامنه‌ای شهید، مهم‌ترین دستاورد این صلح، حفظ اسلام اصیل و جلوگیری از نابودی کامل جریان اهل بیت (علیهم السلام) بود. اگر جنگ ادامه می‌یافت و امام حسن (علیه السلام) و یاران برجسته ایشان از میان می‌رفتند، معاویه می‌توانست خود را تنها نماینده اسلام معرفی کند و هیچ نیرویی برای پاسداری از حقیقت دین باقی نماند. اما صلح موجب شد اسلام ناب از حکومت اموی جدا شود و در قالب یک جریان فکری، فرهنگی و اعتقادی به حیات خود ادامه دهد. همین جریان بعدها در قیام عاشورا، تلاش‌های ائمه اطهار (علیهم السلام) و تداوم مکتب اهل بیت (علیهم السلام) تجلی یافت. از همین رو، رهبر شهید ایران از این رخداد به عنوان «پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ» یاد می‌کنند.

از این منظر، اگرچه در ظاهر قدرت سیاسی به دست معاویه افتاد، اما در مقیاس تاریخی، پیروز واقعی امام حسن (علیه السلام) بود؛ زیرا سلطنت اموی از میان رفت، اما اندیشه و گفتمان اهل بیت (علیهم السلام) باقی ماند و مسیر تاریخ اسلام را تحت تأثیر خود قرار داد. بنابراین صلح امام حسن (علیه السلام) را باید یک پیروزی راهبردی و تاریخی برای حفظ اسلام ناب دانست.

مستندات:

امام خامنه‌ای شهید: امام حسن (علیه السلام) در برابر این اعتراض‌ها و ملامت‌ها جمله‌ای

را خطاب به آنان می‌گفتند که شاید در سخنان آن حضرت از همه جملات رساتر و بهتر باشد و آن جمله این است: وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّه فِتْنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (سوره مبارکه انبیا/ ۱۱۱) چه میدانی و از کجا میدانی، شاید این، یک آزمونی برای شما است؟ و شاید یک متاع و بهره‌ای است برای معاویه تا زمانی محدود.

سوره مبارکه محمد/ ۳۵: فَلَا تَهْنُؤُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَزَكَّكُمْ أَعْمَالُكُمْ

سوره مبارکه نساء/ ۹۰: فَإِنْ اغْتَرَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا

امام حسن (علیه السلام): إِنَّ مُعَاوِيَةَ نَارَ عَنَى حَقًّا هُوَ لِي فَتَرَكْتُهُ لِصَلَاحِ الْأُمَّةِ وَحَقِّنْ دِمَائِهِمْ (بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۰) معاویه در حقی که از آن من بود با من ستیز کرد و من برای صلاح امت و جلوگیری از ریختن خونشان آن را واگذاردم.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در فرمان استانداری مصر به مالک اشتر: لَا تَدْفَعَنَّ صَلَاحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَلِلَّهِ فِيهِ رِضَى؛ فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَاً لِبُحْدُوكِ، وَرَاحَةً مِنْ هُمُومِكِ، وَأَمْنًا لِلْبِلَادِكِ، وَلَكِنْ الْحَذَرُ كُلُّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ؛ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارَبَ لِيَتَغَفَّلَ، فَخُذْ بِالْحَزْمِ، وَاتَّهِمْ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ. (نهج البلاغة، نامه ۵۳) اگر دشمن تو را به صلح فرا خواند و خشنودی خدا در آن بود آن را رد مکن؛ زیرا صلح مایه آسایش سپاهیان تو و راحتی خودت از اندوهها و درد سرهایت و امنیت سرزمین توست. اما پس از صلح، از دشمن خود سخت برحذر و هشیار باش؛ زیرا گاه دشمن خود را نزدیک می‌سازد، تا غافلگیر کند؛ پس محتاط و دور اندیش باش و به دشمن خوش بین مباش.

امام صادق (علیه السلام): إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَمَّا طُعِنَ وَ اخْتَلَفَ النَّاسُ عَلَيْهِ سَلَّمَ الْأَمْرَ لِمُعَاوِيَةَ، فَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ الشَّيْعَةُ «عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مُذِلَّ الْمُؤْمِنِينَ!» فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَنَا بِمُذِلِّ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَكِنِّي مُعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ، إِنِّي لَمَّا رَأَيْتُكُمْ لَيْسَ بِكُمْ عَلَيْهِمْ قُوَّةٌ سَلَّمْتُ الْأَمْرَ لِأَبْقَى أَنَا وَأَنْتُمْ بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ، كَمَا عَابَ الْعَالِمُ السَّفِيَّةَ لِيَبْقَى لِأَصْحَابِهَا، وَكَذَلِكَ نَفْسِي وَأَنْتُمْ لِيَبْقَى بَيْنَهُمْ. (بحار الأنوار، ج ۷۸،

ص ۲۸۷) حسن بن علی علیهما السلام پس از آن که به جان‌ش سوء قصد شد و پیروانش از در ناسازگاری با وی در آمدند، کار را به معاویه وا گذاشت. آنگاه شیعیانش به آن حضرت چنین سلام کردند: «سلام بر تو ای خوار کننده مؤمنان». حضرت فرمود: من خوار کننده مؤمنان نیستم، بلکه عزّت بخش مؤمنانم. وقتی دیدم شما در برابر دشمن قدرتی ندارید، کار را به او وا گذاشتم تا من و شما در میان آنان باقی بمانیم؛ همچنان که آن عالم (خضر) کشتی را سوراخ کرد تا برای صاحبانش باقی بماند، و اینچنین [است حکایت] من و شما تا در میان آنها باقی بمانیم.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

مطهری، مرتضی، صلح امام حسن علیه السلام، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۲.
خامنه‌ای، سیدعلی، صلح امام حسن علیه السلام پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی

موضوع: مبارزه دائمی خستگی‌ناپذیر امام رضا علیه السلام در اندیشه امام خامنه‌ای شهید
پیام: مبارزه‌ی دائمی خستگی‌ناپذیر

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- ابعاد مبارزه امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام کدام است؟
- شیوه‌های مبارزه حضرت چه بود؟

تبیین موضوع و پیام:

پس از شهادت امام کاظم علیه السلام، فضای اختناق هارونی چنان سنگین بود که «از شمشیر هارون خون می‌چکید». در چنین شرایطی، هنر بزرگ امام رضا علیه السلام حفظ «درخت تشیع» از طوفان سرکوب بود؛ نه با کناره‌گیری، بلکه با ادامه مبارزه در شکلی متناسب با اقتضائات زمان. این مبارزه، بیش و پیش از آنکه نظامی باشد،

مبارزه‌ای فکری، اعتقادی و شبکه‌ای بود؛ تقویت هسته‌های شیعی، تعمیق مبانی امامت، و جلوگیری از پراکندگی نیروهای مؤمن.

اوج این نبرد پنهان، ماجرای ولایت‌عهدی مأمون است. امام خامنه‌ای این حادثه را یک «میدان رویارویی پیچیده سیاسی» می‌دانند که در آن، مأمون با طرحی چندلایه قصد داشت نهضت شیعی را از درون تهی کند: سلب مظلومیت و قداست از جریان علوی، مشروعیت‌بخشی به خلافت عباسی، و تبدیل امام به توجیه‌گر دستگاه قدرت. اما در مقابل، امام رضا (ع) با تدبیری الهی همان صحنه را به سکوی افشاگری و تبیین تبدیل کردند.

نخست، با اعلام نارضایتی آشکار از سفر و پذیرش اجباری ولایت‌عهدی، چهره واقعی ماجرا را برای افکار عمومی روشن ساختند و نشان دادند که این انتخاب، نه از سر میل به قدرت، بلکه تحت تهدید بوده است. این موضع‌گیری، مقایسه‌ای معنادار میان زهد علوی و قدرت‌طلبی عباسی در ذهن جامعه پدید آورد.

دوم، با شرط عدم دخالت در امور حکومتی در عین برخورداری از جایگاه رسمی، به معترضی درون ساختار تبدیل شدند؛ نه فرمانی صادر کردند، نه مسئولیتی پذیرفتند و نه عملکرد حکومت را توجیه نمودند. این «مبارزه منفی فعال» به تعبیر رهبر انقلاب، یکی از ظریف‌ترین اشکال مقاومت سیاسی در تاریخ اسلام است. سوم، امام از تربیون خلافت برای نشر معارف امامت بهره بردند. مناظرات علمی گسترده، بیان حدیث سلسله‌الذهب در نیشابور، نگارش متون اعتقادی و احیای فضایل اهل بیت در خطبه‌ها، همگی نشانه آن است که ولایت‌عهدی به فرصتی برای شکستن حصار تقيه و رساندن پیام تشیع به گستره جهان اسلام بدل شد. به این ترتیب، آنچه مأمون ابزار مهار می‌پنداشت، به موتور گسترش اندیشه شیعی تبدیل گردید.

بر این اساس سیره امام رضا (ع) در نگاه امام خامنه‌ای شهید، نمونه‌ای ممتاز از جهاد مستمر، هوشمندانه و خستگی‌ناپذیر در عرصه سیاست، فرهنگ و اعتقاد است؛ مبارزه‌ای که بدون شمشیر آشکار، بنیان‌های مشروعیت یک خلافت را به

چالش کشید و جریان امامت را وارد مرحله‌ای نوین ساخت.

مستندات:

سوره مبارکه فصلت/۳۰: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...

سوره مبارکه صف/۱۱: تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ...

سوره مبارکه فرقان/۵۲: فَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا

امام خامنه‌ای شهید: پیام زندگی علی بن موسی الرضا (ع) چیست؟ ما که نباید فقط به مرقد امام علی بن موسی الرضا اظهار ارادت کنیم؛ او امام ماست، زندگی او برای ما درس است، از زندگی او باید درس بگیریم؛ زندگی او برای ما یک پیامی دارد، آن پیام چیست؟ من آن پیام را در یک کلمه خلاصه می‌کنم. بدانید پیام زندگی پرماجرای علی بن موسی الرضا علیه الصلوة والسلام به ما عبارت است از مبارزه دائمی خستگی‌ناپذیر. (بیانات در جمع مردم مشهد در آستان مقدس رضوی ۳/۹/۱۳۶۳)

[شجاعت امام رضا (ع) در اعلام امامت و اعتماد به وعده الهی]

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا فِي أَيَّامِ هَارُونَ إِنَّكَ قَدْ شَهَرْتَ نَفْسَكَ بِهَذَا الْأَمْرِ وَجَلَسْتَ مَجْلِسَ أَبِيكَ وَسَيْفُ هَارُونَ يَقَطُرُ الدَّمَ فَقَالَ جَرَّأَنِي عَلَى هَذَا مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ أَخَذَ ابُوجَهْلٍ مِنْ رَأْسِي شَعْرَةً فَاشْهَدُوا أَنِّي لَسْتُ بِنَبِيِّ وَأَنَا أَقُولُ لَكُمْ إِنَّ أَخَذَ هَارُونَ مِنْ رَأْسِي شَعْرَةً فَاشْهَدُوا أَنِّي لَسْتُ بِإِمَامٍ (كافی، ج ۸، ص ۲۵۷)؛ محمد بن سنان گوید به ابوالحسن رضا در دوران حکومت هارون گفتیم: راستی شما خود را به امامت شهره کردی و به جای پدرت نشستنی بالینکه از شمشیر هارون خون می‌چکد؟ (و اگر بداند که شما پس از پدرت امام شیعیان هستی تو را خواهد کشت)؟ در پاسخ فرمود: آنچه مرا بر این کار دلیر ساخته و جرئت داده، گفتار رسول خدا درباره ابوجهل است که فرمود: اگر ابوجهل یک مو از سر من کم کرد، همه بدانید که من پیغمبر نیستم و من هم برای شما می‌گویم اگر هارون یک مو از سر من کم کرد، همه گواه باشید که من امام نیستم.

[شرط امام رضا علیه السلام برای پذیرش ولا یتعهدی و حفظ استقلال ایشان]

امام رضا علیه السلام: قَالَ لِي الْمَأْمُونُ يَا أَبَا الْحَسَنِ لَوْ كَتَبْتَ إِلَى بَعْضِ مَنْ يُطِيعُكَ فِي هَذِهِ التَّوَاحِجِ الَّتِي قَدْ فَسَدَتْ عَلَيْنَا قَالَ قُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنْ وَفَّيْتُ لِي وَفَّيْتُ لَكَ إِنَّمَا دَخَلْتُ فِي هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي دَخَلْتُ فِيهِ عَلَى أَنْ لَا أَمُرَّ وَلَا أَنْهَى وَلَا أُؤَلِّي وَلَا أَعَزِّلَ وَمَا زَادَنِي هَذَا الْأَمْرُ الَّذِي دَخَلْتُ فِيهِ فِي النِّعْمَةِ عِنْدِي شَيْئاً وَلَقَدْ كُنْتُ بِالْمَدِينَةِ وَكِتَابِي يُنْفَذُ فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَقَدْ كُنْتُ أَزْكُبُ حِمَارِي وَأَمُرُّ فِي سِكَكِ الْمَدِينَةِ وَمَا بَهَا أَعَزُّ مِنِّي وَمَا كَانَ بِهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ يَسْأَلُنِي حَاجَةً يُمَكِّنُنِي قَضَاؤَهَا لَهُ إِلَّا قَضَيْتُهَا لَهُ قَالَ فَقَالَ لِي أَفِي لَكَ (كافی، ج ۸، ص ۱۵۱)؛ مأمون به من گفت: «ای ابا الحسن! کاش به برخی کسانی که در این نواحی از تو فرمان میبرند و بر ما شوریدehاند، نامه‌ای مینوشتی.» امام فرمود: «به او گفتم اگر تو به من وفاداری کنی من هم به تو وفاداری میکنم. همانا من در این امر [ولا یتعهدی] در آمدم به شرط آنکه نه فرمانی دهم و نه نهی کنم، نه حاکمی گمارم و نه برکنار کنم. امری که بدان وارد شدم هیچ نعمتی بر من نیفزود. من در مدینه بودم و نامه‌ام در شرق و غرب نفوذ داشت، مرکبم را سوار میشدم و در راه‌های مدینه آمدم و شد میکردم و در آنجا هیچ کس عزیزتر از من نبود و هیچ کس از آن‌ها خواهشی از من نمیکرد مگر اینکه در صورت امکان آن را برمی‌آوردم.» امام فرمود: «سپس مأمون به من گفت: به قولی که به تو دادم وفا میکنم.»

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

نجفی، موسی، تمدن رضوی، اصفهان: انتشارات آرما، ۱۳۹۷.

عطاری کرمانی، عباس، خورشید مشرق؛ امام رضا علیه السلام، تهران: انتشارات آسیم، ۱۳۸۶.

موضوع: بعثت ملت در نگرش امام خامنه‌ای شهید

پیام: بعثت ملت؛ رستاخیز الهی و رمز تداوم انقلاب

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- «بعثت ملت» در اندیشه امام خامنه‌ای شهید به چه معناست؟
- مهم‌ترین مصادیق تاریخی بعثت ملت ایران از نگاه ایشان کدامند؟
- نسبت میان بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بعثت ملت‌ها در نگرش امام خامنه‌ای چیست؟
- شرط تحقق بعثت ملت و موانع آن از منظر ایشان کدام است؟

تبیین موضوع و پیام:

«بعثت» در فرهنگ اسلامی، سرآغاز جریانی است که تمامی تاریخ بشر را درنوردیده و هر زمان که ظلم و جهل بر جامعه‌ای چیره شده، این «روح بعثت»

بوده که مردمان را به بیداری و قیام برای حق فرا خوانده است. از نگاه امام خامنه‌ای شهید، «بعثت نبی اکرم ﷺ یک حرکت عملی بود تا بشر را از یک سوبه سرمنزل کمال فردی، روحی و معنوی، و از سوی دیگر به تعالی زندگی اجتماعی و اصلاح وضع جوامع برساند». این حرکت، هنگامی که از سطح فردی به سطح کلان اجتماعی تعمیم می‌یابد، به «بعثت امت» تعبیر می‌شود؛ یعنی برانگیخته شدن آگاهانه و جمعی یک ملت برای قیام در مسیر حق، عدالت، استقلال و تمدن‌سازی.

امام خامنه‌ای شهید بعثت ملت‌ها را، ادامه‌ی طبیعی و مکمل بعثت پیامبران معرفی فرمود. درست همان‌گونه که پیامبر اکرم ﷺ با رسالتش، نظام جاهلیت مبتنی بر شرک، تبعیض و بی‌عدالتی را به چالش کشید و بنیاد جامعه‌ای توحیدی و عادلانه را پی‌ریزی کرد، یک ملت نیز زمانی به‌درستی «مبعوث» می‌شود که از خواب غفلت و روزمرگی بیدار شود، به درک درستی از زمانه و دشمن برسد و با بصیرت، در مقابل طاغوت و مستکبران بایستد. رهبر شهید امت در این باره می‌فرماید:

«امروز امت اسلامی باید احساس بعثت بکند؛ خود را مبعوث بداند؛ آگاهانه و با بصیرت حرکت و اقدام کند» (۱۳۸۷/۵/۹)

بنابراین، «بعثت ملت» از دیدگاه ایشان، یک اراده‌ی جمعی هوشمندانه است که در بستر ایمان به خدا، اعتماد به نفس ملی، و تکیه بر توانایی‌های درونی شکل می‌گیرد. این بعثت، نه با فرمان بیرونی، که با «خواستن» و «توانستن» ملت محقق می‌شود و زمینه‌ساز تغییرات بنیادین در ساختار قدرت و نظم جهانی می‌گردد.

ایشان در طول چهار دهه‌ی رهبری خود، بارها به مصادیق عینی «بعثت ملت ایران» اشاره کرده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف) انقلاب اسلامی (۱۳۵۷): از نگاه رهبر شهید، این انقلاب، «خیزشی عظیم» بود که ملتی مظلوم و تحت‌استعمار را از قیود استبداد داخلی و وابستگی خارجی رهانید و آن را به صحنه‌ی تاریخ بازگرداند. مردم با تکیه بر ایمان دینی و رهبری

امام خمینی (ره)، یک «جمهوری» برپا کردند که نه شرقی بود و نه غربی، و این همان «استقلال خواهی» و «عدالت‌طلبی» ذاتی بعثت بود.

ب) دفاع مقدس (۱۳۵۹-۱۳۶۷): امام خامنه‌ای شهید درباره‌ی این دوره می‌فرماید که دفاع مقدس «آزمایشگاه بعثت یک ملت» بود؛ جایی که معنویت، شجاعت، ایثار، و اتحاد ملی به منصفی ظهور رسید و توطئه‌ی بین‌المللی برای نابودی انقلاب را ناکام گذاشت.

ج) پس از شهادت: امام خامنه‌ای چند روز پیش از شهادتش با نبوغ الهی خود، وعده دادند که اگر حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد. ایشان فرمودند: «به توفیق الهی اگر چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابله با حوادث، و کار را مردم تمام خواهند کرد» (بیانات ۱۴۰۴/۱۱/۱۲).

و آنچنان که دیدیم، پس از این واقعه‌ی جانسوز، مردم ایران با حضور شبانه‌روزی و میلیونی خود در میادین، بدون هر گونه فراخوانی، به خیابان‌ها آمدند و حماسه‌ای بی‌نظیر خلق کردند. این حضور، یک قیام کاملاً آگاهانه با ابعاد سیاسی، اجتماعی، معنوی و تمدنی بود که معادلات جهانی را بر هم زد.

مستندات:

[دعوت به قیام]

سوره مبارکه سبا/۴۶: قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ ثَمَرِ النَّخْلِ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

سوره مبارکه نساء/۷۵: وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

سوره مبارکه رعد /۱۱: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

امیرالمؤمنین ۸: أَرْسَلَهُ عَلَىٰ حِينِ فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ وَطُولِ هَجْعَةٍ مِنَ الْأُمَمِ وَاعْتِزَامِ مِنَ الْفِتَنِ وَانْتِشَارِ مِنَ الْأُمُورِ وَتَلَطُّ مِنَ الْحُرُوبِ وَالدُّنْيَا كَاسِفَةُ النُّورِ، ظَاهِرَةُ الْغُرُورِ عَلَىٰ حِينِ اصْفِرَارِ مِنَ وَرَقِهَا وَإِبْطَاسِ مِنَ ثَمَرِهَا؛ (نهج البلاغه، خطبه ۸۹) خداوند او را در

زمانی فرستاد که روزگاری بود پیامبری برانگیخته نشده بود و مردم در خوابی طولانی به سر می بردند و فتنه ها بالا گرفته و کارها پریشان شده بود، و آتش جنگ ها شعله می کشید، و دنیا بی فروغ و پر از مکر و فریب گشته، برگ های درخت زندگی به زردی گراییده و از به بار نشستن آن قطع امید شده بود.

[امام خامنه ای شهید درباره حدیث فوق فرمود]:

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مورد آن دوران جاهلیتی که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در آنجا بعثت خودشان را آغاز کردند، میفرماید: وَ الدُّنْيَا كَاسِفَةُ النُّورِ ظَاهِرَةُ الْغُرُورِ؛ دنیا ظلمانی بود، رشد و آگاهی و بینایی در مردم نبود. قَدْ دَرَسَتْ مَنَاوُ الْهُدَى؛ هدایت‌هایی که پیغمبران آورده بودند و مشعل‌های هدایت و مناره‌های هدایتی که در مقابل مردم و سر راه مردم قرار داده بودند، کهنه شده بود، دستکاری شده بود، خراب شده بود، تحریف شده بود. وَ ظَهَرَتْ أَعْلَامُ الرَّدَى؛ نشانه‌های انحطاط و سقوط بشریت، خودش را نشان می‌داد. صحبت از دنیا است: وَ الدُّنْيَا كَاسِفَةُ النُّورِ؛ بحث محیط عربی و جزیره العرب نیست؛ یعنی تمدن ایرانی آن روز و تمدن رومی آن روز و تمدن‌های بزرگ دیگری که در دنیا وجود داشتند.

امام خامنه ای شهید: امروز امت اسلامی باید احساس بعثت بکند؛ خود را مبعوث بداند؛ آگاهانه و با بصیرت حرکت و اقدام کند؛ بر علم خود اضافه کند، بر توانایی‌های خود اضافه کند، بر انسجام ملی و انسجام بین‌الملل اسلامی خود اضافه کند. (۱۳۸۷/۵/۹)

رهبر معظم انقلاب (حفظه الله تعالی): به تعبیر رهبر شهید اعلی‌الله مقامه الشریف، آن دست قدرتمندی که توانست اقیانوس عظیم ملت را به تلاطم در بیاورد، شخصیت فولادین، دل مطمئن و زبان ذوالفقارگونه امام بزرگوار و خمینی عظیم بود که توانست میلیون‌ها انسان را وارد میدان کند، در میدان نگه دارد و جهت حرکت را به آنها تعلیم بدهد. و صد البته نمونه دیگر این قسم تأثیر، از آن خود خامنه ای عزیز است که قدم در مسیر سلف صالح خود گذاشت و قریب به چهار دهه رهبری انقلاب و نظام اسلامی، با اعتماد به جوانان و تعمیق و ارتقاء

سطح بینش و نگرش مردم، جامعه را به چنان سطحی از آمادگی رساند که پس از واقعه عظیم شهادتش، نصابی تازه از بعثت ملت ایران شکل گرفت. (۱۴۰۵/۳/۱۴)

امیرالمؤمنین (علیه السلام): أَلَا وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَ الصَّبْرِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳)؛ این پرچم را جز اهل بصیرت و صبر برندارند.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

کوهکن، محمدرضا، بعثت امت؛ نقشه‌راه کنشگری جهانی مردم ایران در منظومه فکری رهبر شهید، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۴.

صرفاً شعاری یا ذهنی نیست، بلکه سنتی الهی و مستمر است که در طول تاریخ شامل حال بندگان مؤمن و مجاهد شده است. به همین دلیل، فهم تحولات سیاسی و اجتماعی بدون توجه به این اصل، از نظر ایشان کامل نخواهد بود.

امام خامنه‌ای شهید با استناد به آیات قرآن، نصرت الهی را وعده‌ای قطعی دانسته‌اند اما معتقدند تحقق آن به شرایطی وابسته است؛ ایمان، مجاهدت، صبر و استقامت از مهم‌ترین شروط تحقق آن است. به بیان دیگر، نصرت الهی زمانی تحقق می‌یابد که یک ملت یا یک جریان، در راه خدا ایستادگی کند و وظیفه خود را در دفاع از حق انجام دهد. بنابراین، این وعده الهی مطلق و بی‌قید و شرط نیست، بلکه با عمل و پایداری انسان‌ها ارتباط مستقیم دارد.

در این چارچوب، ایشان دفاع مقدس را یکی از نمونه‌های روشن تحقق نصرت الهی در تاریخ معاصر عنوان نموده و فرمود ملت ایران در شرایطی که با فشارها و دشمنی‌های گسترده روبه‌رو بود، به سبب صبر، مقاومت و تکیه بر ایمان دینی توانست به پیروزی دست یابد.

رهبر شهید امت همچنین بیداری اسلامی و مقاومت در منطقه، به‌ویژه در فلسطین، را در همین چارچوب تفسیر نموده‌اند. از منظر ایشان، این تحولات را می‌توان نشانه‌هایی از یاری الهی دانست؛ به شرط آنکه ملت‌ها و جریان‌های اسلامی بر ایمان، مجاهدت و حسن ظن به وعده‌های خداوند پایدار بمانند.

مستندات:

سوره مبارکه حج / ۴۰: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ»

سوره مبارکه محمد / ۷: «إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»

سوره مبارکه حج / ۳۹: «إِذْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَهُمْ جُلُومٌ مِّنَ اللَّهِ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»

سوره مبارکه آل عمران / ۱۳۹: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ»

امام خامنه‌ای شهید: لازمه نصرت الهی، مجاهدت و بجا آوردن حق جهاد است.
(۱۳۹۰/۱۱/۱۱)

موضوع: نصرت الهی در اندیشه امام خامنه‌ای شهید

پیام: وعده نصرت الهی قطعی اما مشروط به مجاهدت و استقامت

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- تفسیر امام شهید امت از نصرت الهی در قرآن چیست؟
- شرط تحقق نصرت الهی از منظر ایشان چیست؟
- مهم‌ترین مصادیق تحقق نصرت الهی در تاریخ انقلاب اسلامی از نگاه امام خامنه‌ای شهید کدامند؟
- نسبت میان نصرت الهی و مجاهدت و استقامت چیست؟

تبیین موضوع و پیام:

نصرت الهی در اندیشه امام خامنه‌ای شهید یکی از مفاهیم اصلی قرآنی در تحلیل سرنوشت ملت‌ها و جریان‌های تاریخی است. از نگاه ایشان، این نصرت یک وعده

امام خامنه‌ای شهید: وقتی که ما ایمان به خدا را در مسائل عینی، در مسئله‌ی مبارزه با استکبار مطرح میکنیم، معنای ویژه‌ای دارد. ایمان به خدا در این مقام به معنای ایمان به وعده‌های الهی است. خدای متعال در قرآن وعده‌هایی داده است که این وعده‌ها تخلف‌ناپذیر است. وعده داده است «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛ وعده داده است که «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»؛ وعده داده است که «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»؛ وعده داده است که «وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ»؛ اگر خدا را نصرت کنید خدا به شما ثبات قدم خواهد داد و شما را نصرت خواهد کرد؛ آنچه به سود مردم است، ماندگار است، ماندنی است و کف‌های روی آب، رفتنی است و ناحق و باطل همان کف روی آب است و حق یعنی حقیقت اسلام، عبارت است از آنچه خواهد ماند؛ اینها وعده‌های الهی است؛ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ؛ خدا وعده‌های خودش را تخلف نخواهد کرد. (۱۴۰۲/۳/۱۴)

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

شریفی، فاطمه، نصرت الهی و شرایط آن در قرآن و حدیث، تهران: انتشارات ماهرنک، ۱۳۸۴.
کریمی، مهران، در آغوش نیل، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۵.

موضوع: دکترین انتظار در اندیشه امام خامنه‌ای شهید

پیام: انتظار، یعنی آماده باش!

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

ابعاد و شاخص‌های انتظار فعال در اندیشه امام خامنه‌ای شهید کدام است؟

تبیین موضوع و پیام:

مفهوم «انتظار فرج» از مفاهیم بنیادین در اندیشه‌ی شیعی است که همواره نقش مهمی در شکل‌دهی به افق امید و حرکت در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان داشته است. این مفهوم تنها ناظر به آینده‌ای دور نیست، بلکه نوعی نگاه به مسیر تاریخ و سرنوشت انسان را نیز در بر دارد. از این رو اندیشمندان اسلامی کوشیده‌اند انتظار را فراتر از یک حالت احساسی یا صرفاً اعتقادی تبیین کنند و آن را به‌عنوان عاملی برای امید، پویایی و اصلاح اجتماعی معرفی نمایند. در این میان، امام خامنه‌ای شهید با رویکردی تمدنی، مفهوم انتظار را در پیوند با مسائل جهان معاصر و نیازهای واقعی بشر تفسیر

فرموده است.

در نگرش امام شهید، انتظار فرج مفهومی فعال و حرکت آفرین است و به معنای چشم‌به‌راهی منفعلانه برای ظهور نیست. انتظار بیانگر امید آگاهانه به گشوده شدن گره‌های بزرگ زندگی بشر و رهایی انسان از ساختارهای ناعادلانه‌ی حاکم بر جهان است. سلطه‌ی قدرت‌های بزرگ، گسترش فرهنگ مادی، تبعیض‌های گسترده و رنج مستضعفان از مهم‌ترین جلوه‌های این وضعیت به شمار می‌آید. در این میان، عدالت به‌عنوان محور اساسی مهدویت مطرح می‌شود؛ چنان‌که در روایات تأکید شده است که زمین به دست آن حضرت از قسط و عدل سرشار خواهد شد. از این رو، انتظار با تلاش برای اصلاح جامعه، مقابله با ظلم و تقویت ارزش‌های الهی پیوندی مستقیم دارد و روح امید و مسئولیت‌پذیری را در مسیر تحقق جامعه‌ای توحیدی و عادلانه زنده نگه می‌دارد.

مستندات:

سوره مبارکه قصص / ۵: وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

سوره مبارکه توبه / ۳۳: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

سوره مبارکه نور / ۵۵: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...

امام صادق (ع) مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰)؛ هر کس دوست دارد که از یاران قائم باشد، باید در حال انتظار به سر ببرد و به ورع (پرهیزکاری) و اخلاق نیکو عمل کند، درحالی‌که منتظر است. پس اگر پیش از قیام قائم از دنیا برود و قائم پس از او قیام کند، برای او اجری مانند اجر کسی خواهد بود که زمان قیام را درک

کرده است.

امام خامنه‌ای شهید: معنای انتظار فرج به عنوان عبارة آخرای انتظار ظهور، این است که مؤمن به اسلام، مؤمن به مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) وضعیتی را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر می‌شناسد. واقع قضیه هم همین است. منتظر است که این فروبستگی کار بشر، این گرفتاری عمومی انسانیت گشایش پیدا بکند. مسئله، مسئله‌ی گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان (عج) برای اینکه فرج برای همه‌ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور می‌کند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه‌ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده‌ی بشر را نجات بدهد. ... انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسان‌ها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است. (۲۷/۰۵/۱۳۸۷)

امام خامنه‌ای شهید: انتظار فرج، انتظار دست قاهر قدرتمند الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسانها سیطره‌ی ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بنده‌ی واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود... انتظار معنایش این است. انتظار حرکت است؛ انتظار سکون نیست؛ انتظار رها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار حرکت است. انتظار آمادگی است... . انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (عج) برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن. آن انقلاب بزرگ تاریخی برای آن هدف انجام خواهد گرفت. و او عبارت است از ایجاد عدل و داد، زندگی انسانی، زندگی الهی، عبودیت خدا؛ این معنای انتظار فرج است. (۲۷/۰۵/۱۳۸۷)

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

[امام] خامنه‌ای، سیدعلی، نگاهی به نظریه انتظار در نگاه آیت الله العظمی خامنه‌ای، تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.

سکون و انفعال سازگار نیست. انتظار به معنای امید آگاهانه به گشایش در گره‌های بزرگ زندگی بشر و حرکت در مسیر تحقق عدالت، معنویت و کرامت انسانی است. بر همین اساس، انسان منتظر نمی‌تواند نسبت به بی‌عدالتی، تبعیض، سلطه‌گری و رنج مستضعفان بی‌تفاوت باشد. انسان منتظر کسی است که در زندگی شخصی خود اهل صداقت، مسئولیت‌پذیری، رعایت حق دیگران و تقویت معنویت است و در عرصه‌ی اجتماعی نیز برای گسترش عدالت، حمایت از محرومان و مقابله با فساد می‌کوشد. در منظومه‌گفتمانی امام شهید، انتظار به معنای ساختن زمینه‌های ظهور است: زمینه‌ی رشد اخلاقی، عدالت اجتماعی، و تحقق جامعه‌ای سالم و توحیدی. به بیان دیگر، سبک زندگی منتظرانه تلاشی مستمر و مدام برای نزدیک کردن امروز انسان به آینده‌ی موعود است؛ آینده‌ای که رهایی بشریت از ظلم، گسترش قسط و عدل و شکوفایی کرامت انسانی در آن معنا می‌یابد.

مستندات:

سوره مبارکه نور/۵۵: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ...

سوره مبارکه نحل/۹۰: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

امام صادق (ع) ۸: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِأَوْرَعٍ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰)؛ هر کس دوست دارد که از یاران قائم باشد، باید در حال انتظار به سر ببرد و به ورع (پرهیزکاری) و اخلاق نیکو عمل کند، درحالی‌که منتظر است. پس اگر پیش از قیام قائم از دنیا برود و قائم پس از او قیام کند، برای او اجری مانند اجر کسی خواهد بود که زمان قیام را درک کرده است.

امام خامنه‌ای شهید: این انتظار، مستلزم صلاح و عمل است؛ باید خودمان را اصلاح کنیم، باید اهل عمل به آن چیزی باشیم که دل آن بزرگوار را شاد میکند. اگر

موضوع: سبک زندگی منتظرانه در اندیشه امام خامنه‌ای شهید

پیام: سبک زندگی منتظرانه یعنی عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

ابعاد و شاخصه‌های سبک زندگی منتظرانه در اندیشه امام شهید کدام است؟

تبیین موضوع و پیام:

مفهوم «سبک زندگی منتظرانه» ناظر به نوعی شیوه‌ی زیست فردی و اجتماعی است که از باور به آینده‌ی روشن و تحقق عدالت جهانی الهام می‌گیرد. در این چارچوب، انتظار تنها یک اعتقاد ذهنی یا حالت عاطفی نسبت به ظهور امام مهدی (عج) نیست، بلکه الگویی برای تنظیم رفتار، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های زندگی انسان به شمار می‌آید.

در این اندیشه امام خامنه‌ای شهید، انتظار مفهومی پویا و مسئولیت‌آفرین است و با

بخواهیم این جور عمل بکنیم و این صلاح و اصلاح را برای خودمان فراهم بکنیم، طبعاً نمیتوانیم به عمل فردی اکتفا کنیم. در محیط جامعه، در محیط کشور، در محیط جهانی هم وظایفی هست که باید انجام بدهیم؛ این وظایف چه هستند؟ این همان چیزی است که نیاز دارد به بصیرت، نیاز دارد به معرفت، نیاز دارد به نگرش جهانی، نیاز دارد به روشن بینی؛ این آن چیزی است که شما جوان عزیز فعال امروز به آن موظفید. (۲۰/۰۲/۱۳۹۶)

امام خامنه‌ای شهید: بزرگترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان (عج) این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت میکردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده‌ی دفاع از ارزش‌ها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته‌ی اسلام است، می‌تواند ادعا کند که اگر امام زمان (عج) بیاید، پشت سر آن حضرت در میدان‌های خطر قدم خواهد گذاشت. اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را می‌بازند و زانوانشان سست می‌شود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر می‌اندازد، انجام دهند؛ اینها چطور می‌توانند منتظر امام زمان (عج) به حساب آیند؟ کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد. (۳۰/۰۷/۱۳۸۱)

امام خامنه‌ای شهید: ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود (ارواح‌فاده) زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. (۳۰/۱۱/۱۳۷۰)

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

[امام] خامنه‌ای، علی، نگاهی به نظریه انتظار در نگاه آیت الله العظمی خامنه‌ای، تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.

بخش دوم

مقاومت و انقلاب اسلامی

و ریشه دواند. این مردم بودند که تترسیدند؛ این مردم ایران عزیز بودند که ایستادگی کردند و مصداق این آیه شریفه شدند «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (۱۳۹۰/۰۷/۲۰)

مستندات:

سوره مبارکه آل عمران / ۱۷۳: الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ
سوره مبارکه رعد / ۱۱: ... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...
سوره مبارکه انفال / ۵۳: ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): وَأَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ وَحَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي... فَإِذَا أَدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَآدَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَفَامَتْ مَنَاهُجَ الدِّينِ وَاعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَجَرَتْ عَلَى أَذْلَالِهَا السُّنَنُ فَصُلِحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ وَطُمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَيَسَتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)؛ بزرگ‌ترین حقی که خداوند تعالی از آن حقوق واجب گردانیده، حق والی است بر رعیت و حق رعیت است بر والی... زمانی که رعیت، حق خود را نسبت به والی بگزارد و والی نیز حق خود را نسبت به رعیت ادا نماید، حق در میان آن‌ها عزت یابد و پایه‌های دینشان استواری گیرد و نشانه‌های عدالت برپا گردد و سنت‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مسیر خود افتد و اجرا گردد و در پی آن روزگار به صلاح آید و امید به بقای دولت قوت گیرد و دشمنان مأیوس گردند.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا، وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ. فَأَمَّا حَقُّكُمْ [عَلَيَّ] فَالتَّصِيحَةُ لَكُمْ، وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ، وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا، وَتَأْدِيَّتُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا (نهج البلاغه، خطبه ۳۴)؛ ای مردم، مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی است. حقی که شما به گردن من دارید، اندرز دادن

موضوع: جمهوری و نقش مردم در اسلام

پیام: قبول مسئولیت اجتماعی در خصوص حفظ نظام اسلامی

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- چرا در حکومت ولایت فقیه، مدام از مردم خواسته می‌شود از موضوعی حمایت کنند، چرا رهبری دستور نمی‌دهد تا بقیه اطاعت کنند؟
- مردم در حکومت اسلامی در قبال حوادث بزرگ مثل جنگ و تهدیدات علیه نظام، چه مسئولیتی دارند؟

تبیین موضوع و پیام:

امام خامنه‌ای شهید:

این انقلاب به‌وسیله مردم به وجود آمد؛ با عزم مردم، با نیروی انقلاب مردم، با ایمان مردم به وجود آمد؛ با همین نیرو از خود دفاع کرد، با همین نیرو هم باقی ماند

و نیک‌خواهی شماسست و غنائم را به‌تمامی، میان شما تقسیم کردن و تعلیم دادن شماسست تا جاهل نمانید و تأذیب شماسست تا بیاموزید.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

فتاحی زفرقندی، علی، ۸، مردم و حکومت اسلامی: با نگاهی به جایگاه مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: شورای نگهبان
جایگاه مردم در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی، ۱۱، تهران: معاونت فرهنگی ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی، ۱۱، ۱۳۹۷.

موضوع: ماهیت مردم سالاری دینی

پیام: مردم سالاری دینی، پیوند آسمان و زمین است

سوالات اساسی و چالش‌های ذهنی مخاطب:

- آیا مردم سالاری دینی صرفاً یک شعار است یا راهکاری عملی برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود با حفظ ارزش‌های دینی؟
- با وجود ولایت فقیه و دستورات اسلام چه نیازی به مردم سالاری وجود دارد؟

تبیین موضوع و پیام:

امام‌خامنه‌ای شهید:

مردم سالاری ما از دل اسلام جوشید ... این جور نیست که وقتی ما می‌گوییم مردم سالاری دینی، این به معنای یک ترکیب انضمامی بین مردم سالاری با یک مفهومی است و دین با یک مفهوم دیگری؛ این نیست. مردم سالاری ما از دین سرچشمه گرفته است، اسلام این راه

را به ما نشان داده است.

نظام مردم‌سالاری دینی دارای شاخص‌هایی مثل مقبولیت مردمی (پذیرش مردم نسبت به اصل نظام)، مشروعیت الهی حاکم با نصب خاص و نصب عام (با شاخص‌های فقاقت، عدالت، کاردانی و کفایت)، مشروعیت قوانین (با شاخص فقهی)، مشورت با مردم و مشارکت آن‌ها در اداره‌ی جامعه و بها دادن به رأی مردم، آزادی مردم در نظام اسلامی (با وجود نهادهای سیاسی و مدنی مردمی، انتخابات، رسانه‌ها، مطبوعات و...) و نقد و انتقاد از حاکمان بر اساس دواصل النصیحة لائمة المسلمين و امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. نظام مردم‌سالار دینی چون بر اساس دین و دستورات الهی و پذیرش مردم به تنظیم امور سیاسی - اجتماعی می‌پردازد، از آن‌جا که دین بر اساس فطرت آمده است و تنظیم مسائل بر اساس دین قطعاً متناسب با فطرت پاک انسانی نیز می‌باشد، پذیرش این سیستم و کارآمدی آن را افزایش خواهد داد.

مستندات:

در قرآن کریم علاوه بر مشورت ملکه‌ی سبا با بزرگان قومش در رابطه با نامه‌ی حضرت سلیمان علیه السلام (سوره‌ی مبارکه‌ی نمل، آیات ۲۹ تا ۳۲)، در دو آیه نیز به طور خاص و صریح به بحث مشورت پیامبر صلی الله علیه و آله با مسلمین و مشورت مؤمنین با یکدیگر اشاره شده است:

سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران / ۱۵۹: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ؛

سوره‌ی مبارکه‌ی شوری / ۳۶ تا ۳۸: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ؛

امیرالمؤمنین علیه السلام: در نهج‌البلاغه به مقبولیت مردم اشاره می‌کنند: لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَاوُوا عَلَى كِطَّةٍ ظَالِمٍ، وَ لَا سَعَبَ مَظْلُومٍ، لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا (نهج البلاغه، خطبه ۳) اگر نبود حضور آن جمعیت و تمام شدن حجت با وجود یار و یاور و اگر نبود که خداوند از دانایان پیمان گرفته است که بر سیری ستمگر و گرسنگی ستم‌دیده رضایت ندهند، هر آینه مهار شتر خلافت را بر شانه اش می‌انداختم.

امیرالمؤمنین علیه السلام: لما اضطررب عليه أصحابه في أمر الحكومة: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ لَمْ يَزَلْ أَمْرِي مَعَكُمْ عَلَى مَا أَحَبُّ حَتَّى نَهَكْتَكُمْ الْحَرْبُ، وَقَدْ وَاللَّهِ أَخَذْتُ مِنْكُمْ وَتَرَكْتُ وَهِيَ لِعَدُوِّكُمْ أَنْتَهُكَ. لَقَدْ كُنْتُ أَمْسِ أَمِيرًا، فَأَصْبَحْتُ الْيَوْمَ مَأْمُورًا؛ وَ كُنْتُ أَمْسِ نَاهِيًا، فَأَصْبَحْتُ الْيَوْمَ مَنْهِيًا؛ وَقَدْ أَحْبَبْتُمُ الْبَقَاءَ، وَ لَيْسَ لِي أَنْ أَحْمِلَكُمْ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ. (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۰۸) آن حضرت علیه السلام هنگامی که یارانش در باب حکمیت با او راه مخالفت پیش گرفتند، فرمود: ای مردم، کار من با شما به گونه‌ای بود که به دلخواه من بود. تا زمانی که جنگ ناتوانان ساخت. به خدا سوگند، چیزهایی را از شما گرفت، ولی چیزهایی را هم برایتان باقی گذاشت و دشمنان شما را بیش از شما ناتوان ساخت. من دیروز فرمانده بودم، امروز فرمانپذیرم. دیروز من نهی می‌کردم امروز مرا نهی می‌کنند. شما دوست دارید که زنده بمانید و من نمی‌توانم شما را به کاری وادارم که خود نمی‌خواهید. به تعبیر دیگر هیچ‌گاه امری را که نسبت به آن اکراه دارید به شما تحمیل نمی‌کنم.

معرفی کتاب برای مخاطب

سعیدی، مهدی، مردم سالاری دینی از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.

خرمشاد، محمد باقر، «مردم سالاری دینی»، تهران: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵.

امیرالمؤمنین علی ۸ به خوبی متجلی است. تبیین این واقعیت مهم در کلام مقام معظم رهبری چنین آمده است:

یک اصل اسلامی را مایلم متذکر بشوم و آن عبارت است از نقش آفرینی مردمی در نظام اسلامی و اساساً در حیات اسلامی. مردم، در نگاه اسلام، در نگاه قرآن، با توجه به مجموعه احکام اسلامی، خیلی مورد توجه‌اند در تحرک جامعه اسلامی، مجتمع اسلامی و حیات مجتمع اسلامی؛ نقش برجسته‌ای دارند. شما ملاحظه کنید در فرمایش امیرالمؤمنین ۸ در آن جمله معروف که «لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ... لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا»، هم نقش مردم مورد تذکر قرار گرفته است، هم حق مردم. «نقش مردم» یعنی اگر مردم نیابند سراغ آن کسی که خود را صاحب حق می‌داند و می‌خواهد مسئولیتی قبول کند، بر او واجب نیست دنبال آن حق برود: «لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا؛ مردم نبودند، من وظیفه‌ای نداشتم، تکلیفی نداشتم. نقش مردم این قدر مهم است. حتی کسی مثل امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب ۸، اگر مردم با او نباشند، دُوروبرش نباشند، می‌گویند من تکلیفی ندارم. در خطبه مربوط به صفین، این عبارت امیرالمؤمنین ۸ عبارت خیلی مهمی است؛ می‌فرماید که «وَلَيْسَ امْرُؤٌ وَإِنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنَزَلَتُهُ وَتَقَدَّمَتْ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ بِفَوْقِ أَنْ يُعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ»؛ هر مقداری [هم] که ارزش ذاتی و وجودی و علمی و دینی کسی بالا باشد، هیچ کس نیست که محتاج کمک مردم نباشد. (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۲۶/۱۰/۱۴۰۲)

مستندات:

سوره مبارکه انفال / ۶۲: «وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يُدْعَىٰ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ

سوره مبارکه الشوری / ۳۸: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

در مکتب سیاسی امام، مردم‌سالاری از متن دین برخاسته است؛ از «وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ

موضوع: ولایت و مردم‌سالاری دینی

پیام: مردمی بودن حکومت اسلامی یعنی حق متقابل میان مردم و حاکم اسلامی

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- مردم‌سالاری دینی تناقض‌گویی نیست؟!
- در اسلام مردم‌سالاری است یعنی مردم بر حاکم حق دارند یا ولایت الهی است یعنی والی و حاکم اسلامی بر گردن مردم حق دارد؟

تبیین موضوع و پیام:

مردم‌سالاری دینی یک شعار یا یک تاکتیک حکومتی نیست بلکه یک اصل مهم اسلامی است که در آیات و روایات متعدد بلکه در سیره پیامبر گرامی اسلام k و

بَيْنَهُمْ» برخاسته است؛ از «هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَالْمُؤْمِنِينَ» برخاسته است. (مقام معظم رهبری، بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی u، ۱۴/۳/۱۳۸۳) در مردمسالاری دینی مردم و حاکم نسبت به هم حقوق متقابل دارند؛

امیرالمؤمنین (ع): أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بِوَلَايَةِ أَمْرِكُمْ وَلَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصُفِ وَأَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ ... (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)؛ اما بعد، خداوند به خاطر حکمرانی من بر شما برای من بر عهده شما حقی قرار داده و شما را نیز بر من حقی است مانند حقی که مرا بر شماست. حق در عرصه وصف وسیعترین اشیاء و در مرحله انصاف تنگترین چیزهاست...

امام خامنه‌ای شهید: در مورد مردمی بودن حکومت، حق متقابل میان مردم و میان حاکم؛ «وَلَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ»؛ می‌فرماید همان مقداری که من به گردن شما حق دارم - حالا شما ببینید امیرالمؤمنین (ع) چه حق بزرگی به گردن مردم دارد؛ مظهر قدرت خدا، مظهر رحمت خدا، مظهر علم خدا، حقی که بر انسان‌ها دارد چقدر است؟ همان مقداری که من به گردن شما حق دارم - شما [هم] به گردن من حق دارید؛ مردمی بودن نظام اسلامی این است. حالا یک عده‌ای بنشینند بگویند انتخابات و دموکراسی و مردمسالاری و مانند این‌ها را جمهوری اسلامی ایران از غربی‌ها یاد گرفته! نهج البلاغه مال غربی‌ها است؟ مردمی بودن حکومت در زبان امیرالمؤمنین امیرالمؤمنین (ع) [این است]؛ حالا در قرآن هم آیات فراوانی وجود دارد که می‌شود از آن، این معنا را فهمید. این هم کلام امیرالمؤمنین امیرالمؤمنین (ع) ۸ است. (۱۴۰۳/۰۴/۰۵)

رای‌گیری و نظرخواهی از مظاهر مردمسالاری دینی؛

امیرالمؤمنین (ع): فَلَا تَكْفُوا عَن مَقَالَةٍ بِحَقٍّ أَوْ مَشُورَةٍ بِعَدَلٍ (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)

امام خامنه‌ای شهید: یک جمله دیگر که باز این هم در مقام احترام به نظر مردم [است]؛ و این هم باز در اوج است. فَلَا تَكْفُوا عَن مَقَالَةٍ بِحَقٍّ أَوْ مَشُورَةٍ

بِعَدَلٍ؛ امیرالمؤمنینی که معدن حکمت است، معدن علم است، علم او متصل به علم خدا است، علم او از وسایل عادی به دست نیامده، این انسان با این عظمت علمی می‌گوید: فَلَا تَكْفُوا عَن مَقَالَةٍ بِحَقٍّ؛ اگر حرف حقی به نظرتان رسید که باید به من بگویید، بگویید؛ ساکت نمانید؛ أَوْ مَشُورَةٍ بِعَدَلٍ؛ یک وقتی می‌خواهید یک مشورتی به من بدهید، یک چیزی به نظرتان می‌رسد، مشورت بدهید. (۱۴۰۳/۰۴/۰۵)

در حکومت دینی مردمسالار، همه تأثیرگذارند؛

امیرالمؤمنین (ع): وَلَكِنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ [سُبْحَانَهُ] عَلَى عِبَادِهِ النَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جُهِدِهِمْ وَالتَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ وَلَيْسَ أَمْرٌ وَإِنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنَزِلَتُهُ وَتَقَدَّمَ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ بِفَوْقِ أَنْ يُعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ وَلَا أَمْرٌ وَإِنْ صَغُرَتْهُ النَّفُوسُ وَاقْتَحَمَتْهُ الْعُيُونُ بِدُونِ أَنْ يُعِينَ عَلَى ذَلِكَ أَوْ يُعَانَ عَلَيْهِ. (نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۳۳۴)؛ از جمله حقوق واجب خدا بر بندگان این است که به اندازه طاقت خود به خیرخواهی یکدیگر برخیزند و در کمک به هم برای اقامه حق در بین خود اقدام کنند؛ و هیچ‌کس - گرچه منزلتش در حق عظیم باشد و فضیلتش در دین بر دیگران پیشی داشته باشد - چنان نیست که در ادای حقی که خدا بر او واجب کرده محتاج به کمک نباشد و هیچ‌کس - گرچه او را کوچک شمارند و در دیده حقیر ببینند - کمتر از آن نیست که در ادای حق به دیگران کمک کند یا از سوی دیگران کمک شود.

امام خامنه‌ای شهید: یک نکته‌ای دیگر که این هم همین مسئله حضور مردم و تأثیر مردم در سرنوشت کشور [است]. می‌فرماید که «وَلَا أَمْرٌ وَإِنْ صَغُرَتْهُ النَّفُوسُ وَاقْتَحَمَتْهُ الْعُيُونُ بِدُونِ أَنْ يُعِينَ عَلَى ذَلِكَ»؛ هرکسی هرچند به نظر شما کوچک بیاید و بخواهید یا بتوانید او را نادیده بگیرید، این جور نیست که در سرنوشت کشور بی‌تأثیر باشد؛ یعنی کوچک‌ترین افراد جامعه، فقیرترین افراد جامعه، بی‌دست‌وپاترین افراد جامعه هم می‌توانند در سرنوشت کشور مؤثر باشند. (۱۴۰۳/۰۴/۰۵)

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

سعیدی، مهدی، مردم‌سالاری دینی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.
مصباح یزدی، محمدتقی، مردم‌سالاری دینی و نظریه ولایت فقیه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸، II.

موضوع: نقش متقابل رهبری و مردم

پیام: جامعه ماندگار نتیجه رهبر خیرخواه و مردم همدل

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- چرا همیشه مردم باید به وظیفه خود عمل کنند ولی صاحب‌منصبان و ولی فقیه مجبور به انجام وظیفه‌اش نیست؟

تبیین موضوع و پیام:

امام خامنه‌ای شهید

درواقع رهبری، یک مدیریت کلان ارزشی است. همین‌طور که اشاره کردم، گاهی اوقات فشارها، مضیقه‌ها و ضرورت‌ها، مدیریت‌های گوناگون را به بعضی از انعطاف‌های غیر لازم یا غیر جائز وادار می‌کند؛ رهبری بایستی مراقب باشد، نگذارد چنین اتفاقی بیفتد. این مسئولیت بسیار سنگینی است. این مسئولیت، مسئولیت اجرائی نیست؛ دخالت در کارها هم نیست. حالا بعضی‌ها دوست می‌دارند همین‌طور بگویند: فلان تصمیم‌ها بدون نظر رهبری گرفته نمی‌شود. نه این‌طور نیست. مسئولین در بخش‌های مختلف، مسئولیت‌های مشخصی دارند. (۱۳۹۰/۰۷/۲۴)

در نگاه دین، پیوند میان رهبر و مردم از مهم‌ترین و ظریف‌ترین روابط اجتماعی است که سرنوشت یک امت را رقم می‌زند. قرآن و آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) این ارتباط را نه یک‌طرفه، بلکه کاملاً دوطرفه می‌دانند؛ به‌گونه‌ای که هم رهبر وظایفی بر عهده دارد و هم مردم مسئولیت‌هایی دارند. اگر این دو در کنار هم به‌درستی ادا شوند، هم دین به‌درستی در جامعه جاری می‌شود، هم عدالت پا می‌گیرد و هم امنیت و عزت کشور حفظ می‌شود. این نکته، خط روشنی است که در آیات و روایات بسیاری دیده می‌شود.

خدای متعال در آیه‌ای که به روش رهبری پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اشاره دارد، می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ... وَشَاوُزُهُمْ فِي الْأَمْرِ» یعنی این نرم‌خویی و مشورت کردن، رحمتی است از جانب خدا که دل‌های مردم را به گرد رهبر جمع می‌کند. حتی اگر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با خشونت و تندی رفتار می‌کرد، مردم از پیرامون او پراکنده می‌شدند. این نشان می‌دهد که اساس همراهی مردم، درگرو روش درست رهبری است؛ مهربانی، گذشت، دعا برای آنان و دخیل دانستنشان در تصمیم‌ها. چنین رویکردی زمینه را برای پذیرش فرمان‌ها و حرکت هماهنگ در مسیر حق فراهم می‌سازد.

از سوی دیگر، امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در دو بیان حکیمانه‌اش، این تعامل متقابل را دقیق‌تر روشن می‌کند. آنجا که می‌فرماید: بزرگ‌ترین حقی که خدا واجب کرده، حق والی بر مردم و حق مردم بر والی است؛ و هرگاه هر دو طرف حق خود را به‌جا آورند، حق در میانشان عزیز می‌شود، دین بی‌انحراف پیش می‌رود و عدالت پابرجا می‌گردد. سپس خود حضرت وظیفه رهبر را خیرخواهی، آموزش، تأمین رفاه و اصلاح مردم می‌داند و وظیفه مردم را وفاداری، خیرخواهی، اجابت دعوت و اطاعت از دستورات معرفی می‌کند. به این ترتیب، روشن می‌شود که نه رهبری می‌تواند بی‌پشتیبانی مردم کاری از پیش ببرد و نه مردم بدون راهبری حکیمانه به سرمنزل صلاح می‌رسند. این رابطه دوسویه، مثل دو بال است که جامعه با آن پرواز می‌کند و به عزت و پیشرفت می‌رسد.

مستندات:

- سوره مبارکه آل عمران/ ۱۵۹: فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا الْقَلْبُ لَا تَقْضُوا مِنْ خَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوُزُهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ
- سوره مبارکه نسا/ ۵۹: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...
- سوره مبارکه توبه/ ۷۱: وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...
- سوره مبارکه شوری/ ۳۸: وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ
- امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام): وَأَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحَقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ وَحَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي... فَإِذَا أَذَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَأَذَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَقَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَاعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَجَرَتْ عَلَى أَذْلَالِهَا أَلْسُنُنُ فَضْلَحَ بِذَلِكَ الرِّمَانُ وَطُمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَبَيَسَتْ مَطَامِخُ الْأَعْدَاءِ (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)؛ از میان حقوقی که خداوند واجب ساخته، بزرگ‌ترین آن‌ها حق والی و زمام‌دار بر رعیت و حق رعیت بر والی است... هرگاه رعیت حق والی را ادا کند و والی حق رعیت را بپردازد، حق در میان آن‌ها قوی و نیرومند خواهد شد، مسیرهای دین خالی از انحراف می‌گردد، نشانه‌های عدالت استوار می‌شود و سنت‌ها در مجرای صحیح خویش به کار می‌افتد و به این ترتیب زمان رو به صلاح می‌رود و مردم به بقای دولت امیدوار و دشمنان مأیوس خواهند شد.
- امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام): أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَتَوْفِيرُ فَيِّئِكُمْ عَلَيْكُمْ وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْ لَا تَجْهَلُوا وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْ مَا تَعْلَمُوا وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَالتَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُّكُمْ (بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۵۱)؛ ای مردم، همان‌گونه که من بر شما حقی دارم، شما نیز بر من حق دارید. حق شما بر من آن است که همواره در رهنمودهای خالصانه نسبت به شما بکوشم؛ و در تأمین رفاه در زندگی همگان، تمامی وسایل ممکن را فراهم سازم؛ و در تربیت و تعلیم همگان در سطح گسترده کوتاه نیایم؛ و در نظارت بر رفتار و کردار شما - بر

راه حق - پيوسته هوشيار و هشداردهنده باشم؛ و اما حق من بر شما آن است كه در پيمان خود نسبت به ولى امر وفادار باشيد و در كاستى ها و ناهمگونى ها كه احياناً پيش مى آيد، خالصانه پيش قدم شويد، در حضور و غياب دولتمردان در رفع و تذكر دادن به مسؤولين مربوط بكوشيد؛ و دستورات صادره را در تمامى ابعاد سياست گذارى دولت، با جان و دل پذيرا باشيد؛ و هرگاه - در پيش آمدها - فرا خوانده شويد، بى درنگ اجابت كنيد.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

عیوضی، محمدرحیم، حقوق متقابل مردم و حکومت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مركز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴.

موضوع: شاخصه های جامعه ولایی

پیام: جامعه ولایی، جامعه ای زنده، بالنده و در مسیر خداست

سؤالات اساسی و چالش های فکری مخاطب:

چرا جوامعی كه پایبند به ولایت نیستند، در ظاهر پیشرفته تر و موفق تر از جوامع ولایی به نظر می رسند؟

تبیین موضوع و پیام:

امام خامنه ای شهید

اگر جامعه دارای ولایت شد، چه می شود؟... در یک کلمه بگویم: مرده ای است كه دارای جان خواهد شد. همین یک کلمه کفایت... جامعه دارای ولایت، جامعه ای می شود كه تمام استعدادهای انسانی را رشد می دهد. همه چیزهایی كه برای كمال و تعالی انسان، خدا به او داده، این ها را بارور می كند. نهال انسانی را بالنده می سازد. انسان ها را به تكامل می رساند. انسانیت ها را تقویت می كند. در این جامعه، ولى یعنی حاكم، همان كسى كه همه سرشته ها به او بر مى گردد،

جامعه را از لحاظ مشی عمومی، در راه خدا و دارای ذکر خدا می‌کند. از لحاظ ثروت، تقسیم عادلانه ثروت به وجود می‌آورد. سعی می‌کند نیکی‌ها را اشاعه بدهد، سعی می‌کند بدی‌ها را محو و ریشه سوز کند. (۱۳۵۳/۰۷/۲۱)

جامعه ولایی، جامعه‌ای است که بنیان‌های آن بر اساس پیوند با ولایت شکل گرفته و اداره می‌شود؛ نه صرفاً در سطح ساختار سیاسی، بلکه در عمق باورها، رفتارها و مناسبات اجتماعی. این جامعه بر پایه ایمان، محبت، اطاعت و بصیرت شکل می‌گیرد و شاخصه‌های آن، نمایانگر تفاوت عمیق آن با سایر جوامع هستند؛ جوامعی که اغلب به ظواهر قانون یا قراردادهای اجتماعی اکتفا می‌کنند.

یکی از شاخصه‌های اصلی جامعه ولایی، پیوستگی با ولی است؛ یعنی مردم نه تنها ولی را به عنوان حاکم سیاسی، بلکه به عنوان حجت الهی و مسیر هدایت الهی می‌شناسند و این شناخت در محبت، تبعیت، شنیدن سخن و حرکت در مسیر او جلوه می‌یابد. قطع وابستگی به دشمنان نیز شاخصه‌ای دیگر است؛ جامعه ولایی استقلال در تصمیم، اراده و هویت خود را از راه اتصال به ولایت به دست می‌آورد و در برابر نفوذ و سلطه بیگانگان مقاومت می‌کند. وحدت مؤمنانه درون‌زا نیز از دیگر ویژگی‌های آن است؛ یعنی جامعه از درون با ایمان، مودت و همدلی شکل گرفته و اختلافات و منیت‌ها را با نگاه ولایی به حداقل می‌رساند.

همچنین در این جامعه، مسئولیت‌پذیری آگاهانه میان مردم رایج است. افراد، خود را در قبال سرنوشت دین، امت و جامعه مسئول می‌دانند و بر اساس فهم عمیق از تکلیف، در صحنه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشارکت می‌کنند. جامعه ولایی، جامعه‌ای پویاست که در آن کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و عبودیت الهی در پرتو پیروی از ولی به شکلی هماهنگ محقق می‌شود.

مستندات:

سوره مبارکه حج / ۴۱: الَّذِينَ إِنْ مَكَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عِقَبَةُ الْأُمُورِ

سوره مبارکه آل عمران / ۱۰۳: وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوًا...

سوره مبارکه مائده / ۲: ... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۖ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

امیرالمؤمنین (علیه السلام): وَأَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ وَحَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ فَجَعَلَهَا نِظَامًا لِأَلْفَتِهِمْ وَعِزًّا لِدِينِهِمْ فَلَيْسَتْ تَصْلُحَ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاءِ وَلَا تَصْلُحُ الْوَلَاءَةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ فَإِذَا آدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَأَدَّى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَقَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَاعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَجَرَتْ عَلَى أَذْلَائِهَا السُّنَنُ فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ وَطُمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَيَسَّتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ وَإِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ وَالْيَهَا أَوْ أَجَحَفَ الْوَالِي بِرَعِيَّتِهِ اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ وَظَهَرَتْ مَعَالِمُ الْجَوْرِ وَكَثُرَ الْإِدْعَالُ فِي الدِّينِ وَتُرِكَتْ مَحَاجُّ السُّنَنِ فَعَمِلَ بِالْهَوَىٰ وَعُطِّلَتِ الْأَحْكَامُ وَكَثُرَتْ عِلَلُ النُّفُوسِ فَلَا يُسْتَوْحَشُ لِعَظِيمِ حَقِّ عَطَّلٍ وَلَا لِعَظِيمِ بَاطِلِ فِعْلٍ هُنَالِكَ تَذُلُّ الْأَبْرَارُ وَتَعِزُّ الْأَشْرَارُ وَتَعْظُمُ تَبَعَاتُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)؛ بزرگ‌ترین حقی که خداوند تعالی از آن حقوق واجب گردانیده، حق

والی است بر رعیت و حق رعیت است بر والی. این فریضه‌ای است که خدا ادای آن را بر هر یک از دو طرف مقرر داشته و آن را سبب الفت میان ایشان و عزت و ارجمندی دین ایشان قرار داده است. پس رعیت صلاح نپذیرد مگر آنکه والیان صلاح پذیرند و والیان به صلاح نیایند، مگر به راستی و درستی رعیت. زمانی که رعیت حق خود را نسبت به والی بگزارد و والی نیز حق خود را نسبت به رعیت ادا نماید، حق در میان آن‌ها عزت یابد و پایه‌های دینشان استواری گیرد و نشانه‌های عدالت برپا گردد و سنت‌های پیامبر در مسیر خود افتد و اجرا گردد و در پی آن روزگار به صلاح آید و امید به بقای دولت قوت گیرد و دشمنان مأیوس گردند؛ و اگر رعیت بر والی خود چیره گردد یا والی بر رعیت ستم روا دارد، در این هنگام، میان آن‌ها اختلاف کلمه پدید آید و نشانه‌های جور پدیدار آید و تباہ‌کاری در دین

بسیار شود و عمل به سنت‌ها متروک ماند و به هوا و هوس کار کنند و احکام اجرا نگردد و دردها و بیماری‌های مردم افزون شود؛ و کسی از پایمال شدن حق بزرگ و رواج امور باطل بیمی به دل راه ندهد. در این هنگام نیکان به خواری افتند و بدان عزت یابند و بازخواست‌های خداوند از پندگان بسیار گردد.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

میرباقری، سیدمحمد مهدی، سمت خدا: دریچه‌ای به جامعه ولایی، قم: انتشارات کتاب جمکران وابسته به مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۵.

موضوع: جایگاه و نقش مردم در حکومت اسلامی

پیام: حکومت اسلامی، مشروعیت از جانب خدا و مقبولیت از جانب مردم

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- با توجه به اینکه همه مناصب اصلی از سوی رهبر تعیین می‌شود، مردم چه نقشی در حکومت دارند؟

تبیین موضوع و پیام:

امام خامنه‌ای شهید:

وقتی امام بر روی عنصر «مردم» تکیه میکرد، لفاظی نمیکرد؛ به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر «مردم» در نظام اسلامی معتقد بود و مردم را در چند عرصه مورد توجه دقیق و حقیقی خود قرار داد. عرصه اول، عرصه تکیه نظام به آراء مردم است. تکیه نظام به آراء مردم، یکی از میدان‌هایی است که مردم در آن نقش دارند. حضور مردم و اعتقاد به آنها باید در اینجا خود را نشان دهد. در قانون اساسی ما و در تعالیم و راهنمایی‌های امام، همیشه بر این نکته تأکید شده است که نظام بدون

حمایت و رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. باید با اتکای به رأی مردم، کسی بر سر کار بیاید. باید با اتکای به اراده مردم، نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات دیگر، مظاهر حضور رأی و اراده و خواست مردم است. این یکی از عرصه‌هاست. لذا امام بزرگوار، هم در دوران حیات خود به شدت به این عنصر در این عرصه پایبند باقی ماند و هم در وصیت‌نامه خود آن را منعکس و به مردم و مسئولان توصیه کرد. در حقیقت انتخابات و حضور مردم در صحنه انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و یا سایر انتخاب‌هایی که می‌کنند، هم حق مردم است، هم تکلیفی بر دوش آنهاست. در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند. این هم از اسلام سرچشمه می‌گیرد. (۱۴/۰۳/۱۳۸۰) مشروعیت حکومت دینی اصالتاً ریشه در اراده الهی دارد و حق حاکمیت، متعلق به خداوند است. به همین دلیل، پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) با نصب الهی به رهبری جامعه منصوب شده‌اند و مشروعیت حکومت آن‌ها مستقل از آرای مردم است. باین حال، تحقق عملی و استمرار حکومت، بدون همراهی و پذیرش مردم ممکن نیست. مردم با بیعت و همکاری خود، نقش کلیدی در پذیرفتن و استقرار حکومت دارند و این همراهی، پایه‌های حکومت را مستحکم می‌کند.

در دکتترین جمهوری اسلامی ایران، نقش مردم در عینیت‌بخشی به حاکمیت به صورت عملی و قانونی تجلی یافته است. از طریق انتخابات، مردم در تعیین رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای نمایندگان مجلس خبرگان رهبری مشارکت می‌کنند. این مشارکت نه تنها مشروعیت عملی حکومت را تقویت می‌کند، بلکه کارآمدی و مقبولیت نظام را نیز افزایش می‌دهد. به بیان دیگر، مردم در حکومت دینی، عامل اصلی در تحقق عملی و اداره روزمره حکومت هستند، اما منبع اصلی مشروعیت، نصب الهی و قانون شرعی است. در این نگرش حکومت دینی تلفیقی از مشروعیت الهی و مشارکت مردم است؛ مردم با انتخاب و همراهی خود، زمینه تحقق و پایداری حاکمیت دینی را فراهم

می‌آورند و نقش آن‌ها در تعیین مسیر حکومت و سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه، نقشی حیاتی و تعیین‌کننده است.

مستندات:

سوره مبارکه مائده/۵۵: إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ زَاكِعُونَ

سوره مبارکه حدید/۲۵: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...

سوره مبارکه آل عمران / ۱۵۹: ... وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ...

امیرالمؤمنین علی ۸: وَ الْوَاجِبُ فِي حُكْمِ اللَّهِ وَ حُكْمِ الْإِسْلَامِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ بَعْدَ مَا يَمُوتُ إِمَامُهُمْ أَوْ يَقْتُلُ ضَالًّا كَانَ أَوْ مُهْتَدِيًّا مَظْلُومًا كَانَ أَوْ ظَالِمًا حَلَالِ الدِّمِّ أَوْ حَرَامِ الدِّمِّ أَنْ لَا يَعْمَلُوا عَمَلًا وَلَا يُحْدِثُوا حَدَثًا وَلَا يَقْدُمُوا يَدًا وَلَا رِجْلًا وَلَا يَبْدَعُوا بَشْيَءَ قَبْلَ أَنْ يَخْتَارُوا لِأَنْفُسِهِمْ إِمَامًا عَفِيفًا عَالِمًا وَرِعًا عَارِفًا بِالْقَضَاءِ وَ الشُّنَّةِ يَجْمَعُ أَمْرَهُمْ وَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ (کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، ج ۲، ص ۷۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۱۴۴)؛ بر اساس حکم خدا و حکم اسلام بر مسلمانان واجب است که پس از آن که پیشوایشان بمیرد یا کشته شود — گمراه باشد یا ره یافته، ستم دیده باشد یا ستمگر، خونش هدر باشد یا ریختن آن حرام — کاری نکنند و دست به کاری نزنند و دست و گامی پیش نهند و کاری را آغاز نمایند تا آنگاه که برای خویشتن، پیشوایی پاک‌دامن و دانا و پارسا و آشنا به قضاوت و سنت، برگزینند تا امور آنان را سامان دهد و میانشان حکومت کند.

امیرالمؤمنین علی ۹: أَيُّهَا النَّاسُ عَنْ مَلَأٍ وَإِذْنٍ إِنَّ هَذَا أَمْرُكُمْ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهِ حَقٌّ إِلَّا مَنْ أَمَرْتُمْ (بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۳۲، ص ۸)؛ ای مردم حاضر و غایب، مسئله حکومت، امر و حق شماست که کسی در آن حقی ندارد، مگر فردی که شما او را حاکم کردید.

امیرالمؤمنین علی ۱۰: وَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ عَهْدَ إِلَيَّ عَهْدًا فَقَالَ: «يَا ابْنَ أَبِي

طَالِبٍ لَكَ وَلَا أُمِّي فَإِنْ وَلَّوكَ فِي عَافِيَةٍ وَاجْمَعُوا عَلَيْكَ بِالرِّضَا فَقُمْ بِأَمْرِهِمْ، وَإِنْ اخْتَلَفُوا عَلَيْكَ فَدَعُهُمْ وَمَا هُمْ فِيهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ لَكَ مَخْرَجاً». (کشف المحجّة لثمرّة المهبّجة، ص ۲۴۸)؛ رسول خدا با من عهد کرد و فرمود: «ای پسر ابوطالب! ولایت امت من با توست. پس اگر با عافیت و سلامت ولایت را به تو واگذاشتند و با رضا و رغبت بر تو اجتماع کردند، به امر پیشوایی آنان قیام کن اما اگر بر تو اختلاف کردند، آنان را رها کن! همانا خدا برای تو راه بیرون شدنی قرار خواهد داد.»

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

نعاکار، عبدالکریم، جایگاه مردم در حکومت از منظر نهج البلاغه، تهران: ارمان طوبی، ۱۳۹۰.

موضوع: سنن الهی در تغییر و تحول امت‌ها

پیام: تغییر نعمت و عذاب خداوند با تغییر جامعه

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- نمونه‌های سنت‌های قطعی الهی در تغییر امت‌ها در قرآن کدام است؟
- چه عواملی موجب زوال یا به دست آوردن نعمت در یک جامعه و سرزمین می‌شود؟

تبیین موضوع و پیام:

سنن الهی، قوانین ثابت و تغییرناپذیر خداوند در اداره جهان و جوامع انسانی هستند که مبتنی بر حکمت الهی‌اند و بدون هیچ استثنایی بر همه امت‌ها حاکم می‌شود. این سنن مانند الگوهای طبیعی، نظیر چرخه روز و شب یا فصل‌ها، به‌طور منظم و اجتناب‌ناپذیر عمل می‌کنند؛ به این معنا که اگر یک امت با ایمان واقعی، عمل صالح، عدالت و اطاعت از دستورات الهی همسو شود، به پیشرفت، عزت، نصرت الهی و سعادت پایدار دست می‌یابد، اما در مقابل،

نافرمانی، گسترش فساد، ظلم و بی‌توجهی به نشانه‌های الهی، به تدریج به انحطاط، ضعف و حتی نابودی کامل آن امت می‌انجامد. قرآن کریم این قوانین را در آیات متعددی تبیین کرده است.

این سنن الهی بر تحول امت‌ها از طریق مراحل مشخص و منطقی تأثیر می‌گذارند: ابتدا با ارسال انبیا و نشانه‌ها، هشدار اولیه داده می‌شود تا امت از خطرات آگاه شود؛ سپس مهلت کافی برای توبه، اصلاح رفتار و بازگشت به راه راست فراهم می‌آید؛ و در نهایت، اگر فساد و نافرمانی ادامه یابد، عدالت الهی اجرا شده و عواقب اجتناب‌ناپذیر آن پدیدار می‌گردد. برای مثال، سنت «استقامت مؤمنان» تضمین‌کننده پیروزی و پایداری است، درحالی‌که سنت «فساد در زمین» به مجازات الهی منجر می‌شود و هر دو بر رفتار جمعی امت - نه افراد به‌صورت انفرادی - وابسته‌اند، یعنی اکثریت جامعه تعیین‌کننده سرنوشت کل است.

نمونه‌های قرآنی و تاریخی این سنن را به‌وضوح نشان می‌دهند؛ برای نمونه، امت فرعون با تکبر فرعون، ظلم بر بنی‌اسرائیل و انکار معجزات موسی ۸، طبق این سنن با شکست نظامی و غرق شدن لشکر عظیم در دریای سرخ مواجه شد و امپراتوری قدرتمندشان در یک نسل فروپاشید.

قوم عاد و ثمود نیز با ناسپاسی از نعمت‌های فراوان الهی، انکار و حتی کشتن پیامبران هود و صالح ۸، با بادهای عجیب و صاعقه‌های مهلک مجازات شدند و تمدن پیشرفته‌شان به خاکستر تبدیل گردید.

در مقابل، امت اسلامی اولیه با توبه جمعی، جهاد فی سبیل الله، وحدت و ایثار اصحاب، از دوران ضعف و محاصره مکه به فتوحات بزرگ و تشکیل تمدنی عظیم دست یافت که جهان را دگرگون کرد.

این نمونه‌ها الگوی ثابت سنن الهی را اثبات می‌کنند: همسویی کامل با اراده الهی به سعادت و شکوفایی می‌انجامد، درحالی‌که مخالفت و انحراف به هلاکت و نابودی ختم می‌شود.

مستندات:

سوره مبارکه رعد/۱۱: ... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۗ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ ۚ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنِّ وَّالٍ
سوره مبارکه انفال/۵۳: ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نُّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۗ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

سوره مبارکه اعراف/۹۶: وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): فَأَعْتَبِرُوا عِبَادَ اللَّهِ وَادْكُرُوا تِيكَ الَّتِي أَبَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ بِهَا مُزْنَهُنَّ وَ عَلَيْهَا مَحَاسِبُونَ، وَلَعَمْرِي مَا تَقَادَمَتْ بِكُمْ وَلَا بِهِمُ الْعُهُودُ وَلَا خَلَتْ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمُ الْأَحْقَابُ وَالْقُرُونُ وَمَا أَنْتُمْ الْيَوْمَ مِّنْ يَّوْمٍ كُنْتُمْ فِي أَصْلَابِهِمْ بِبَعِيدٍ (نهج البلاغه، خطبه ۸۹)؛ پس بندگان خدا! عبرت گیرید؛ و کرده‌های پدران و برادران خود را به یاد آرید، که چگونه درگرو آن کردارند و حساب آن را عهده‌دارند. به جانم سوگند، هنوز میان شما و آنان روزگاری نگذشته و سال‌ها و قرن‌ها فاصله نگشته؛ و امروز که دیده به جهان گشوده‌اید چندان دور نیست از روزی که در پشت آنان بوده‌اید.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): فَأَعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَمَ الْمُسْتَكْبِرِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ بَأْسِ اللَّهِ وَ صَوْلَاتِهِ وَ وَقَائِعِهِ وَ مَثَلَاتِهِ، وَ اتَّعْظُوا بِمَشَاوِي خُدُودِهِمْ وَ مَصَارِعِ جُنُوبِهِمْ، وَ اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ لَوَاقِحِ الْكِبَرِ كَمَا تَسْتَعِيدُونَهُ مِنْ طَوَارِقِ الدَّهْرِ، فَلَوْ رَخَّصَ اللَّهُ فِي الْكِبَرِ لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِهِ لَرَخَّصَ فِيهِ لِمَخَاصِةِ أَنْبِيَائِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ، وَ لَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ كَرَهُ إِلَيْهِمُ التَّكَاْبُرَ وَ رَضِيَ لَهُمُ التَّوَّاضِعَ، فَالْصَّقُّوْا بِالْأَرْضِ خُدُودَهُمْ وَ عَفَّزُوا فِي التَّرَابِ وَجُوهَهُمْ وَ خَفَضُوا أَجْنِحَتَهُمْ لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ كَانُوا قَوْمًا مُسْتَضْعَفِينَ، قَدْ اخْتَبَرَهُمُ اللَّهُ بِالْمَحْصَصَةِ وَ ابْتَلَاهُمْ بِالْمَجْهَدَةِ وَ امْتَحَنَهُمْ بِالْمَخَاوِفِ وَ مَحْصَهُمُ [مَحْصَهُمُ] بِالْمَكَارِهِ (نهج البلاغه، خطبه قاصعه)؛ مردم از آنچه که بر ملت‌های متکبر گذشته، از کیفرها و عقوبت‌ها و سختگیری‌ها و ذلت و خواری فرود آمده، عبرت گیرید و از قبرها و خاکی که بر آنچه ره نهادند و زمین‌هایی که با پهلوها بر آن افتادند، پند پذیرید و از آثار زشتی که کبر و غرور در دل‌ها می‌گذارد به خدا

پناه ببرید، همان‌گونه که از حوادث سخت به او پناه می‌برید. اگر خدا تکبر ورزیدن را اجازه می‌فرمود، حتماً به بندگان مخصوص خود از پیامبران و اولیا اجازه می‌داد، در صورتی که خدای سبحان تکبر و خودپسندی را نسبت به آنان ناپسند و تواضع و فروتنی را برای آنان پسندید، که چهره بر زمین می‌گذارند و صورت‌ها بر خاک می‌مالند و در برابر مؤمنان فروتنی می‌کنند و خود از قشر مستضعف جامعه می‌باشند که خدا آن‌ها را با گرسنگی آزمود و به‌سختی و بلا گرفتارشان کرد و با ترس و بیم امتحانشان فرمود و با مشکلات فراوان، خالصشان گردانید.

امیرالمؤمنین علی (ع): وَ اخَذُوا مَا نَزَلَ بِالْأَمَمِ قَبْلَكُمْ مِنَ الْمَثَلَاتِ بِسُوءِ الْأَفْعَالِ وَ ذَمِيمِ الْأَعْمَالِ، فَتَذَكَّرُوا فِي الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ أَحْوَالَهُمْ وَ اخَذُوا أَنْ تَكُونُوا أَمْثَالَهُمْ؛ فَإِذَا تَفَكَّرْتُمْ فِي تَفَاوُتِ حَالِيهِمْ فَالْزُمُوا كُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتِ الْعِزَّةُ بِهِ شَأْنُهُمْ [حَالَهُمْ] وَ رَاحَتِ الْأَعْدَاءُ لَهُ عَنْهُمْ وَ مُدَّتِ الْعَافِيَةُ بِهِ عَلَيْهِمْ وَ انْقَادَتِ النِّعْمَةُ لَهُ مَعَهُمْ وَ وَصَلَتِ الْكَرَامَةُ عَلَيْهِ حَبْلُهُمْ، مِنَ الْاجْتِنَابِ لِلْفَرْقَةِ وَ اللَّزُومِ لِلْأَلْفَةِ وَ التَّحَاضُّصِ عَلَيْهَا وَ التَّوَاصِي بِهَا؛ وَ اجْتَنِبُوا كُلَّ أَمْرٍ كَسَرَ فِقْرَتَهُمْ وَ أَوْهَنَ مُنْتَهُمَ، مِنْ تَضَاعُنِ الْقُلُوبِ وَ تَشَاخُنِ الصُّدُورِ وَ تَدَابُرِ النُّفُوسِ وَ تَخَاذُلِ الْأَيْدِي. (نهج البلاغه، خطبه قاصعه)؛ و پرهیزید از آنچه فرود آمد بر امت‌های پیشین، از کفرهایی که دیدند بر کردارهای ناشایست و رفتارها که کردند و نایست. پس نیک و بد احوالشان را به یاد آرید و خود را از همانند شدن به آنان بر حذر دارید. — و چون به چشم خود دیدید — و در خوشبختی و بدبختی‌شان اندیشیدید، آن را عهده‌دار شوید که عزیزشان گردانند و دشمنان را از سرشان راند و زمان بی‌گزندی‌شان را به درازا کشانند و با عافیت از نعمت برخوردار و پیوند رشته بزرگواری با آنان استوار؛ و آن از پراکندگی دوری نمودن بود و به سزاواری روی آوردن و یکدیگر را بدان برانگیختن و سفارش کردن و پرهیزید از هر کار که پشت آنان را شکست و نیروشان را گسست، چون کینه هم در دل داشتن و تخم نفاق در سینه کاشتن و از هم بریدن و دست از یاری یکدیگر کشیدن.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

گرچی، مهدی، سنت تغییر در قرآن، تهران: سروش، ۱۴۰۰.

موضوع: معیارهای شناخت جبهه حق و باطل

پیام: اشداء علی الکفار ملاک حق و حقیقت

سوالات اساسی و چالشهای ذهنی مخاطب:

- آیا حق مطلق و باطل مطلق داریم؟ اینکه یک چیز صد در صد درست باشد و یک چیز صد در صد نادرست؟ یا بالاخره همیشه مقداری درست بودن کافی است لازم نیست دنبال صد باشیم.

تبیین موضوع و پیام:

امام خامنه ای شهید:

باید مراقب باشیم راه را خطا نرویم، اشتباه نکنیم، حق را با باطل عوضی نگیریم. قرآن به ما معیار داده. قرآن می‌فرماید که «مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ»؛ کسانی که با او هستند. بحث ما سر این است که آیا ما با پیغمبر هستیم یا نیستیم -راه این است دیگر- علامت دارد: وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ؛ اگر شما دیدید این راهی که داریم می‌رویم، راهی است که کفار را خوشحال می‌کند، بدانید که «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» نیستید، پس «مع رسول الله» نیستید، همراه پیغمبر نیستید؛ [اما] اگر دیدید

نه، این راهی که دارید می‌روید، استکبار را، دولت‌های قاهر ضدّ دین و ضدّ اسلام را ناراحت می‌کند، عصبانی می‌کند، خب خوب است؛ این «أَشَدَّاءُ عَلَى الْكَفَّارِ» است. این شد ملاک و معیار. حواسمان باید جمع باشد، بدانیم چه کار می‌کنیم، بدانیم چه می‌گوییم؛ حرفی که می‌زنیم در جهت نقشه‌ی دشمن نباشد، جدول دشمن را کامل نکند. (۲۰ / ۶ / ۱۴۰۲)

مستندات :

سوره مبارکه بقره/ ۴۲: وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ
سوره مبارکه انفال/ ۲۹: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا ... امام شهید در تبیین این آیه فرمود: اگر تقوا پیشه کنیم، خدای متعال برای ما فرقان - یعنی فارق بین حق و باطل - به وجود خواهد آورد. راه حق و باطل برای ما مشتبه نخواهد شد؛ راه باز خواهد شد. وقتی انسان فهمید حق کدام است، باطل کدام است، با شجاعت بیشتری حرکت می‌کند. (۱۳۷۸/۶/۸)

سوره مبارکه انعام/ ۱۱۲: وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرُهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ. امام شهید در تبیین این آیه فرمود: ابعاض جبهه‌ی باطل با یکدیگر همکاری می‌کنند، یعنی هم همکاری می‌کنند و هم طرفدار پیدا می‌کنند؛ کسانی اصغاء می‌کنند حرف‌های اینها را و گوش می‌کنند و دنبال اینها حرکت می‌کنند؛ این [طور] هست. ما در جمهوری اسلامی شعارمان عبارت است از توحید، از ولایت‌الله و ولایت اولیاءالله، عدالت اجتماعی، تکریم انسان؛ این شعارهایی که ما داریم و دنبالش هستیم، اینها است، و اینها دشمن دارد. (۱۳۹۶/۱۲/۲۴)

امیرالمؤمنین (ع): إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعُ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ وَأَحْكَامُ تُبَدَعُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ وَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ

خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخَفْ عَلَى الْمُرْتَادِينَ وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لُبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ وَ لَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ وَ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ فِيمَزَجَ بَيْنَ هَهُنَا لِكَ يَسْتَوِلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ وَ يَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى (نهج البلاغه، خطبه ۵۰) ابتدای ظهور فتنه‌ها هواهایی است که پیروی میشود، و احکامی که در چهره بدعت خودنمایی میکند، در این فتنه‌ها و احکام با کتاب خدا مخالفت میشود، و مردانی مردان دیگر را بر غیر دین خدا یاری و پیروی مینمایند. اگر باطل از آمیزش با حق خالص میشد راه بر حق جویان پوشیده نمی‌ماند. و اگر حق در پوشش باطل پنهان نمی‌گشت زبان دشمنان یاهو گواز آن قطع میگشت. ولی پاره‌ای از حق و پاره‌ای از باطل فراهم شده و در هم آمیخته میشود، در این وقت شیطان بر دوستانش مسلط میشود، و آنان که لطف حق شاملشان شده نجات میابند.

امام شهید با استناد به این جملات امیرالمؤمنین (ع): یک لقمه از حق، یک لقمه از باطل را مخلوط میکنند، یک غذایی که ظاهرش نشان نمی‌دهد مسموم است، در اختیار کسی که بی‌اطلاع است، می‌گذارند؛ این تحلیل در ذهن‌ها اثر می‌کند. گاهی اوقات تحلیل‌هایی که در بعضی از محافل دانشگاهی، دانشجویی و استادی از بعضی از مسائل می‌شود، آدم می‌بیند این بر اثر بی‌اطلاعی است؛ کسی هیچ تقصیری هم ندارد. بنابراین اساتید باید در جریان مسائل قرار بگیرند. (۱۳۹۰/۶/۸)

امام صادق (ع): لَا يَسْتَيْقِنُ الْقَلْبُ أَنَّ الْحَقَّ بَاطِلٌ أَبَدًا وَلَا يَسْتَيْقِنُ أَنَّ الْبَاطِلَ حَقٌّ أَبَدًا؛ (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۳) هرگز دل به باطل بودن حق و به حق بودن باطل یقین نمی‌کند.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

بهشتی، سید محمد حسین (آیت الله شهید بهشتی)، حق و باطل از دیدگاه قرآن، تهران: کتاب سبز، ۱۳۹۴.

مسلمان‌ها باید در مقابل زورگویی آمریکا و بقیه‌ی زورگوهای عالم بایستند؛ اگر این را رعایت نکنند، اگر این مرزها را توجّه نکنند، ذلیل خواهند شد، دچار فساد خواهند شد، دچار عقب‌ماندگی خواهند شد که الان این متأسفانه اتفاق افتاده. (۱۳۹/۰۲/۰۶) قرآن زندگی زیر سلطه و ستم را نامطلوب و خلاف کرامت انسانی می‌داند و بر اهمیت آزادی و استقلال تأکید می‌کند. در آیات متعددی، مانند سوره نساء و سوره توبه، مؤمنان به حمایت از مستضعفان و مقابله با ظلم فراخوانده شده‌اند و سکوت در برابر ستم مذمت شده است. این آموزه‌ها نشان می‌دهد که مبارزه با استکبار و مقابله با قدرت‌های ظالم نه تنها یک امر اخلاقی، بلکه یک مسئولیت اجتماعی و دینی است. از منظر روایات، به‌ویژه سخنان امام علی (ع)، کمک به مظلومان و ایستادگی در برابر ظالمین اهمیت ویژه‌ای دارد. این تأکیدات نشان می‌دهد که اسلام تنها به بعد فردی ایمان و پرستش نمی‌پردازد، بلکه فعالیت اجتماعی و عدالت‌خواهی را نیز واجب می‌داند.

تجربه جمهوری اسلامی ایران نیز بر این اصل مبتنی است. ایران در چارچوب اصول خود، حمایت از مستضعفان را هدف اصلی می‌داند و مقاومت در برابر سلطه‌گری و استکبار جهانی را یکی از ارکان سیاست خارجی خود معرفی می‌کند. در عین حال، کشور بر عدم دخالت در امور داخلی دیگر ملت‌ها تأکید دارد و تنها زمانی وارد حمایت می‌شود که گروهی تحت ظلم و ستم قرار گرفته باشند.

امام خمینی (ره) مبارزه با استکبار را جزئی اساسی از انقلاب اسلامی می‌دانستند و بر ضرورت هوشیاری، اتحاد و مقاومت میان مسلمانان تأکید داشتند. شعارهایی مانند «مرگ بر آمریکا» بیانگر مخالفت با استبداد و سلطه‌گری است و نشان می‌دهد که این مبارزه، هم دینی و هم انسانی، برای تحقق عدالت و ایجاد جامعه‌ای عادلانه همچنان ادامه دارد.

مستندات:

سوره مبارکه بقره / ۲۷۹: فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ

موضوع: مبارزه با مستکبران از منظر قرآن
پیام: ایستادگی در برابر ظلم، تحقق اقتصاد مقاومتی و حفظ هویت فرهنگی

سوالات اساسی و چالشهای ذهنی مخاطب:
آیا مقاومت در برابر استکبار سرانجامی دارد یا فقط جان انسان‌ها گرفته میشود؟

تبیین موضوع و پیام:

امام خامنه‌ای شهید:

قرآن می‌گوید این‌جوری باید باشید. اُولَش «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» است؛ در مقابل کفار سخت ایستادن، مثل خاکریزهای نرمی که قابل نفوذ است نبودن، مثل سدّ مستحکمی در مقابل کفار ایستادن. مسلمان‌ها باید در مقابل استکبار بایستند؛

سوره مبارکه نساء / ۷۶: الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا

سوره مبارکه هود/ ۱۱۳: وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ

سوره مبارکه فتح/ ۲۹: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ، أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ

امیرالمومنین علی (علیه السلام): أَلَا فَالْحَذَرَ الْحَذَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِنَكُمْ وَكِبَرَائِكُمْ الَّذِينَ تَكَبَّرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ وَتَرَفُّعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ وَآلَقُوا الْهَجِينَةَ عَلَى رَبِّهِمْ وَجَاحَدُوا اللَّهَ عَلَى مَا صَنَعَ بِهِمْ مُكَابَرَةً لِقَضَائِهِ وَمُغَالَبَةً لِأَلَانِهِ، فَإِنَّهُمْ قَوَاعِدُ أُسَاسِ [أَسَاسِ] الْعَصَبِيَّةِ وَدَعَائِمُ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ وَسُيُوفُ اعْتِرَازِ الْجَاهِلِيَّةِ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲) به هوش باشید، بترسید و بر حذر باشید از پیروی و اطاعت (کورکورانه) بزرگترها و رؤسایان، همانها که به سبب موقعیت خود، تکبر می ورزند و خویش را بالاتر از نسب خود می شمردند، اعمال نادرست خود را به خدا نسبت می دهند و به انکار نعمتهای او بر می خیزند تا با قضایش ستیز کنند و بر نعمتهایش چیره شوند، زیرا آنها اساس و بنیان تعصب و ستون و ارکان فتنه و فساد و شمشیرهای تکبر جاهلیت اند.

امیرالمومنین علی (علیه السلام): كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا. (نهج البلاغه، نامه ۴۷) پیوسته دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید.

امیرالمومنین علی علیه السلام: فَأَعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَمَ الْمُسْتَكْبِرِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ بَأْسِ اللَّهِ وَصَوْلَاتِهِ وَقَانِعِهِ وَمَثَلَاتِهِ، وَانْعِظُوا بِمَشَاوِي خُدُودِهِمْ وَمَصَارِعِ جُنُوبِهِمْ، وَاسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ لَوَاقِحِ الْكِبَرِ كَمَا تَسْتَعِيدُونَهُ مِنْ طَوَارِقِ الدَّهْرِ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲) از آنچه به امتهای مستکبر پیشین از عذاب الهی و کیفرها و مجازاتهای او رسید عبرت بگیرید و از قبرهای آنها و خوابگاهشان در زیر خاک پند آموزید و به خدا از آثار شوم کبر پناه برید، آن گونه که از بلاها و مشکلات روزگار به او پناه می برید.

امام حسین (علیه السلام): امام حسین علیه السلام: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَانِرًا مُسْتَجِلًّا لِحَرَامِ اللَّهِ أَوْ تَارِكًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فَعَمِلَ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ

ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ. (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱) اگر حاکمی ستمگر بر سر کار بیاید که حرام خدا را حلال کند، عهدهای الهی را بشکند؛ یعنی دستورات قرآن را کنار بگذارد، با سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) مخالف باشد و در بین بندگان نیز به معصیت و دشمنی رفتار کند و از این طرف هم حتی یک نفر با قول و فعلش با او مقابله و برخورد نکند، سزاوار است که خدا جایگاه آنها را در یک جای جهنم قرار دهد.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

نوری، سید حسین، استکبار ستیزی در قرآن، تهران: انتشارات میراث ماندگار، ۱۳۹۷.

ستیزه‌گریِ دوجانبه، به‌طور قه‌ری به وجود آمد... جنگ‌آفرینی و خون‌ریزی بی‌حد و حصر برای قدرت، جزو خصوصیات همین حکومت به‌اصطلاح به نام دموکراسی ولیکن دور از معنویات و دور از دین و مفاهیم دینی و معارف دینی و تعالیم دینی است. انگیزه شدید و قوی‌ای وجود دارد برای اینکه ملت ایران ر قانع کنند که آقا باید کوتاه بیا‌ید. رادیوهای دنیا، وسایل ارتباط جمعی در دنیا، رسانه‌های دشمن، مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و جمعیت‌های فکری نشسته‌اند طراحی می‌کنند برای اینکه ملت ایران را قانع کنند که باید در مقابل آمریکا کوتاه بیا‌ید و چاره‌ای هم نیست. خب ملت ما بحمدالله ایستاده، اما بایستی نیروی معنوی را پی‌درپی تزریق کرد، نیروی معنوی را پی‌درپی باید زنده کرد؛ این یکی از معارف است. در همین دعای صحیفه سجادیه [آمده]: **وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ ... يَدَا؛** یعنی من را مدیون کافر و فاسق نکن، من را محتاج آن‌ها نکن، چشم من به دست آن‌ها نباشد، من در مقابل آن‌ها احساس ضعف نکنم؛ این یکی از معارف است. اینکه از خدا می‌خواهد او را در مقابل دشمن به این وضع دچار نکند، معنایش این است که در مقابل دشمن نباید به این وضع دچار شد. (۱۳۹۸/۱۱/۲۶)

مستندات:

سوره مبارکه بقره / ۲۷۹: **فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ**

سوره مبارکه نساء / ۷۶: **الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا**

امام سجاد (علیه السلام): **وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ مَنَّةً، وَلَا لَهْ عِنْدِي يَدَا، وَلَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةٌ، بَلْ اجْعَلْ سَكُونٌ قَلْبِي وَأُنْسٌ نَفْسِي وَإِسْتِغْنَائِي وَكَفَايَتِي بِكَ وَبِخِيَارِ خَلْقِكَ** (صحیفه سجادیه، دعای بیست و یکم)؛ بار خدایا، بار منت هیچ گنه‌کار و کافر بر دوش من منه و برای هیچ‌یک از آنان در نزد من نعمت و بهره‌ای قرار مده و مرا نیز به آنان محتاج مکن، بلکه آرامش دل و آسایش جان و بینیزی و

موضوع: جلوه‌های استکبارستیزی در صحیفه سجادیه

پیام: انس با صحیفه و درک مفاهیم سیاسی آن

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- آیا با نشستن و دعا کردن، مشکلات کشور و جامعه اسلامی رفع می‌شود و دشمنان نابود می‌شوند؟! این دعاها چه فایده‌ای دارند؟
- برای رفع و دفع بلا‌ها و گرفتاری‌ها، از چه دعایی و با چه خصوصیات و تأثیراتی می‌توان کمک گرفت؟

تبیین موضوع و پیام:

امام خامنه‌ای شهید:

اساس کار حکومتی که بر اساس دین و بر اساس اسلام به وجود می‌آید، «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» است، اساس کارش مقابله با ظالم است، مبارزه با ظالم است؛ «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». این است که طبعاً این مقابله، این

کفایت مرا تنها به خود و بندگان نیکوکار منحصراً فرمای.

امام سجاد (علیه السلام): اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحِرْصِ وَ سَوْرَةِ الْغَضَبِ وَ غَلَبَةِ الْحَسَدِ وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ وَ قَلَةِ الْقَنَاعَةِ وَ شَكَاَسَةِ الْخُلُقِ وَ اِلْحَاكِ الشَّهْوَةِ وَ مَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ وَ مُتَابَعَةِ الْهَوَى وَ مُخَالَفَةِ الْهَدَى وَ سِنَةِ الْغَفْلَةِ وَ تَعَاطِي الْكُلْفَةِ وَ اِيْثَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ وَ الْاِضْرَارِ عَلَى الْمَآئِمِّ وَ اِسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ وَ اِسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ وَ مُبَاهَاةِ الْمُكْثِرِيْنَ وَ الْاِزْرَاءِ بِالْمُقْتَلِيْنَ وَ سُوءِ الْوَلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ اَيْدِيْنَا وَ تَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اِصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ عِنْدَنَا اَوْ اَنْ نَعْصِدَ ظَالِمًا اَوْ نَخْذُلَ مَلْهُوفًا اَوْ نَرُوْمَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ اَوْ نَقُوْلَ فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ (صحیفه سجادیه، دعای هشتم)، دعای آن حضرت در پناه بردن به خداوند از ناملایمات و اخلاق سوء و کارهای ناپسند: بار خدایا به تو پناه می آورم از طغیان آرز و تندى خشم و چیرگی حسد و سستی صبر و کمی قناعت و بدی اخلاق و زیاده روی در شهوت و پافشاری در عصیّت و پیروی هوا و هوس و مخالفت با هدایت و خواب غفلت و کوشش بیش از اندازه و انتخاب باطل بر حق و پافشاری بر گناه و کوچک شمردن معصیت و بزرگ شمردن طاعت و فخر و مباهات با ثروتمندان و تحقیر تهی دستان و کوتاهی در حق زیردستان خود و ناسپاسی نسبت به آن که به ما خوبی کرده، یا آنکه ستمگری را یاری کنیم یا ستمدیده ای را تنها گذاریم یا آنچه را که حق ما نیست بخواهیم یا از آنچه نمی دانیم، دم زنیم.

موضوع: ضرورت تاب آوری در مقابل تحریم و فشار دشمن

پیام: تسلیم، هزینه ای جبران ناپذیر

سؤالات اساسی و چالش های فکری مخاطب:

- چرا فکر می کنید آمریکا بدخواه ملت هاست؟ مگر ژاپن و عربستان و قطر و امارات و ... که با آمریکا رابطه دارند، مشکلی دارند؟ مردمشان هم در رفاه و آسایش زندگی می کنند!

تبیین موضوع و پیام:

امام خامنه ای شهید:

مثلاً فرض کنید نظام اسلامی با فشارهای شرطی دشمن مواجه می شود؛ مراد ما از فشار شرطی این است که یک فشاری را وارد می کنند، مثلاً تحریم را، بعد می گویند این را برمی داریم به شرط اینکه فلان کار انجام بگیرد – این جور نیست که آدم را به کلی مأیوس کنند؛ می گویند برمی داریم اما شرطش این است که این کار باید انجام بگیرد؛ این خب خیلی چیز خطرناکی است، خیلی چیز مهمی است؛ این

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

موسسه فرهنگی راه فخرالانتمه (به کوشش)، میانی دینی استکبار ستیزی و اصول مواجهه با نظام سلطه و استکبار جهانی، قم: سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۷.

شرطها ممکن است که شرطهای به شدت گمراه کننده و هلاک کننده ای باشد - در یک چنین وضعی انسان چه کار باید بکنند؟ اینجا انسان متوجه می شود که علاج این، «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» است؛ چون این مسئله، مسئله عمومی است، مسئله شخصی که نیست. [مثلاً] در قرآن وجوب صبر، وجوب استقامت برای خود شخص [پیغمبر ﷺ] هست؛ مخاطب «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ» پیغمبر ﷺ است و به مردم ربطی ندارد اما این [مورد]، ارتباط به مردم دارد: فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ؛ همه باید استقامت کنید، همه باید بایستید؛ یعنی یک حرکت جمعی صبر و استقامت را از ما می خواهد. پس فهمیدیم که در این قضایا باید این جوری عمل کرد: «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ» باید عمل کرد؛ یا «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ تواصی به صبر، یکدیگر را وادار کردن به ایستادگی و مقاومت و تحمل و پایداری. خب وقتی یک چنین چیزی پیش می آید، برای ما آن مفهوم «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» کاملاً روشن می شود؛ قبل از این، خیلی مفهوم روشنی برای ما ندارد - که خب «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» یعنی مردم موظفانند که استقامت کنند - یک امر کلی است، اما وقتی یک چنین وضعی پیش می آید، انسان می فهمد که یعنی چه. ما امروز با این مسئله مواجهیم؛ مردم ما دچار مشکلاتی هستند که بخشی از آن ها ناشی از فشارهای دشمن است و ما می خواهیم مردم در مقابل این [مشکلات] استقامت کنند، بایستند؛ این یک حرکت عظیم و مهمی است که خب بحمدالله در کشور ما دارد انجام می گیرد. (۱۳۹۹/۱۲/۰۴)

ضرورت مقاومت در برابر فشار دشمن از چند جهت اساسی قابل توضیح است:

فشار بیرونی معمولاً با هدف تغییر اراده و جهت گیری جامعه وارد می شود، نه صرفاً ایجاد سختی موقت. اگر جامعه در برابر این فشارها ایستادگی نکند، به تدریج تصمیم های اساسی آن تحت تأثیر اراده بیرونی قرار می گیرد و استقلال فکری و عملی آسیب می بیند. مقاومت، مانع از آن می شود که دشمن بتواند مسیر آینده را برای یک ملت تعیین کند.

عقب نشینی در برابر فشار، معمولاً به پایان آن منجر نمی شود، بلکه اشتباه دشمن را افزایش می دهد. تجربه های تاریخی نشان می دهد هر جا ایستادگی تضعیف شده،

فشارها نه تنها کمتر نشده بلکه شکل پیچیده تر و گسترده تری به خود گرفته است؛ بنابراین مقاومت، یک راهبرد پیشگیرانه برای جلوگیری از تداوم و تشدید فشارهاست. مقاومت، جامعه را به فعال شدن ظرفیت های داخلی سوق می دهد. در شرایط فشار، اگر روحیه ایستادگی وجود داشته باشد، نگاه ها از بیرون به درون معطوف می شود و خلاقیت، خودتکایی و تلاش برای حل مسائل داخلی تقویت می گردد. این فرایند، در بلندمدت به رشد و پایداری بیشتر منجر می شود.

در مجموع، ضرورت مقاومت از این واقعیت ناشی می شود که بدون ایستادگی آگاهانه و جمعی، نه استقلال حفظ می شود، نه عزت اجتماعی باقی می ماند و نه مسیر پیشرفت به طور پایدار ادامه پیدا می کند. مقاومت، هزینه دارد، اما هزینه تسلیم و انفعال به مراتب سنگین تر و جبران ناپذیرتر است. ماجرای لیبی و سوریه شاهد روشنی بر این حقیقت است.

مستندات:

سوره مبارکه جن/۱۶: وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا

سوره مبارکه بقره/۱۲۰: وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَبِيعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتِبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

سوره مبارکه بقره/۲۱۴: أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ

سوره مبارکه آل عمران/۱۴۹: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرْدُوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ

امیرالمؤمنین علی (ع): أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ فَإِنَّ النَّاسَ قَدْ اجْتَمَعُوا عَلَىٰ مَائِدَةٍ شِبَعُهَا قَصِيرٌ وَجُوعُهَا طَوِيلٌ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرِّضَا وَالسُّخْطُ وَإِنَّمَا عَقَر نَاقَةٌ ثَمُودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَّوهُ بِالرِّضَا فَقَالَ سُبْحَانَهُ «فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ» فَمَا كَانَ إِلَّا أَنْ خَارَتْ أَرْضُهُمْ

بِالْخَسْفَةِ حُورَ السَّكَّةِ الْمُحَمَّاةِ فِي الْأَرْضِ الْخَوَّازَةِ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ سَلَكَ الطَّرِيقَ الْوَاضِحَ وَرَدَ الْمَاءَ وَمَنْ خَالَفَ وَقَعَ فِي النَّيْبِ (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱)؛ ای مردم! در راه هدایت از کمی اهل آن وحشت نکنید، که مردم بر سر سفره‌ای گرد آمده‌اند که زمان سیری آن اندک و مدت گرسنگی آن طولانی است. ای مردم! جز این نیست که خشنودی و خشم است که مردم را بر محوری جمع می‌کند. غیر این نبود که ناقه ثمود را یک نفر پی کرد، اما عذاب خداوند همه را گرفت چون همگان به آن برنامه رضایت دادند، خداوند سبحان فرمود: «همه آن را پی کردند، پس همه پشیمان شدند». آنگاه سرزمین آنان بر اثر فرورفتن صدا کرد مانند صدای فرورفتن آهن داغ در زمین نرم و هموار. ای مردم، هر که راه راست و روشن را به پیماید به آب رسد و هر که بیراهه رود در بیابان به سرگردانی افتد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام: وَعَلِمُوا أَنَّكُمْ بَعِثَ اللَّهُ وَمَعَ ابْنِ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ، فَعَاوِدُوا الْكَرَّ وَاسْتَحْيُوا مِنَ الْفَرِّ فَإِنَّهُ عَارٍ فِي الْأَعْقَابِ وَنَارٌ يَوْمَ الْحِسَابِ، وَطِيبُوا عَنْ أَنْفُسِكُمْ نَفْسًا وَاشْأُوا إِلَى الْمَوْتِ مَشْيًا سَجْحًا، وَعَلَيْكُمْ بِهَذَا السَّوَادِ الْأَعْظَمِ وَالرَّوَاقِ الْمُطَنَّبِ، فَاضْرِبُوا تَبَجَّهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ كَامِنٌ فِي كِسْرِهِ وَقَدْ قَدَّمَ لِلْوُتْبَةِ يَدًا وَآخَرَ لِلنُّكُوصِ رَجُلًا، فَصَمْدًا صَمْدًا حَتَّى يَنْجَلِيَ لَكُمْ عَمُودُ الْحَقِّ، «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُكُمُ أَعْمَالُكُمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۶۶)؛ و بدانید که دیده لطف خدا شما را پناه است و پسر عموی رسول وی با شما همراه. پس پیایی بستیزید و شرم کنید از آنکه بگریزید، که گریز برای بازماندگان مایه ننگ است و ملامت و آتشی است برای روز قیامت. خود را خَرَم و سرخوش دارید و با آسانی و سبک‌جانی به‌سوی مرگ گام بردارید. این لشکر انبوه فراهم و این خیمه‌های طناب‌افکنده درهم را هدف حمله خود سازید. به قلب آن حمله برید و از کارش بیندازید که شیطان در چین و شکن آن خانه گرفته است، دستی پیش برای حمله و ستیز و پاییی در پس برای گریز. پس استوار باشید و پایدار تا حق برای شما روشن گردد و پدیدار، که «شما برترید و خدا با شماست و از پاداش کردارتان نخواهد کاست.»

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

قوامی‌مشفق، ناصر، چرا مقاومت؟ نگاهی به ضرورت مقاومت در گفتمان انقلاب اسلامی، تهران: دیدمان، ۱۴۰۰.

در مقابل دشمن هم نباید دچار انهزام روحی شد؛... انهزام روحی ضرر دارد؛ هرکسی که در درون خود منهزم شد، در صحنه، قطعاً منهزم خواهد شد. اولین شکست هر انسانی، شکست در درون خودش است که احساس کند نمیتواند، احساس کند فایده‌ای ندارد، احساس کند طرف خیلی قوی‌تر از او است، احساس کند من که از دستم کاری بر نمی‌آید؛ این انهزام روحی است؛ اگر این انهزام پیدا شد، آن وقت در صحنه، قطعاً شکست خواهیم خورد. این نباید به وجود بیاید؛ مراقب باشیم که این به وجود نیاید. (۶/۳/۱۳۹۵)

«فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» که دنباله‌ی آن آیه‌ی «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ» است، که آمدند گفتند «علیه شما دارند توطئه می کنند، بترسید»، [مسلمانان را] میترساندند. قرآن میفرماید که نخیر، از آنها بترسید، از من بترسید؛ خدای متعال را عبادت بکنید، اعتماد به خدا بکنید، در مقابل دشمن محکم بایستید و میتوانید دشمن را به عقب برانید. خود این ترساننده‌ی از افراد ظالم که به انسان میگوید از این و از آن بترسید، از این قدرتها بترسید و ملاحظه کنید، شیطان است؛ که ما در طول تاریخ هم مشاهده میکنیم کسانی که از این قدرتها ترسیده‌اند، دچار آزمونه‌های سخت و تلخ زندگی شده‌اند. امروز قدرتهای اسلامی، دولتهای اسلامی ملاحظه‌ی قدرتهای ظالم دنیا را میکنند، از آنها میترسند و قدرت خودشان را ندیده میگیرند؛ نتیجه این میشود که تو سرشان می خورد (۱۳۹۹/۲/۶)

مستندات:

سوره مبارکه آل عمران / ۱۷۵ إِنَّْمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
سوره مبارکه احزاب/۲۲: وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا
سوره مبارکه آل عمران / ۱۷۳ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ ... وَ قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ

موضوع: ترس و انهزام از دشمن در منظر قرآن و نهج البلاغه

پیام: آنها (ابرقدرتها) تظاهر به اقتدار می کنند، برای این که با ابهت و چهره‌ی اخم آلود خودشان ملت‌ها را بترسانند؛ اما این طور نیست که آنها واقعاً قدرتی داشته باشند. (۱۳۸۴/۲/۶)

سوالات اساسی و چالشهای فکری مخاطب:

- آیا با این همه تجهیزات و ادوات جنگی و نظامی پیشرفته امریکا و اسرائیل نباید از آنها ترسید؟
- مگر نه اینکه ترس یک واکنش طبیعی است؟ پس چرا قرآن و نهج البلاغه توصیه می کنند که از دشمن بترسید؟

تبیین موضوع و پیام:

امام خامنه‌ای شهید:

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): وَ جَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَلَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّانِيْمٍ وَ خُصِّ الْعَمَرَاتِ لِلْحَقِّ حَيْثُ كَانَ (نهج البلاغه، نامه ۳۱) در راه خدا جهاد کن جهدی کامل، و ملامت ملامت کنندگان تو را از جهاد در راه خدا باز ندارد. به راه حق هر جا که باشد در مشکلات و سختیها فرو شو.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَمْ يَكُنْ نَصْرُهُ وَلَا خِذْلَانُهُ بِكَثْرَةِ وَلَا بَقَلَّةِ وَ هُوَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي أَظْهَرَهُ وَ جُنْدُهُ الَّذِي أَعَدَّهُ وَ أَمَدَّهُ حَتَّى بَلَغَ مَا بَلَغَ وَ طَلَعَ حَيْثُ طَلَعَ، وَ نَحْنُ عَلَى مَوْعُودٍ مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ مُنْجِزٌ وَعْدَهُ وَ نَاصِرٌ جُنْدَهُ ... وَ أَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ عَدَدِهِمْ، فَإِنَّا لَمْ نَكُنْ نِقَاتِلُ فِيمَا مَضَى بِالْكَثْرَةِ وَ إِنَّمَا كُنَّا نِقَاتِلُ بِالنَّصْرِ وَ الْمُعَوْنَةِ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶) پیروزی و شکست اسلام، به فراوانی و کمی طرفداران آن نبود، اسلام دین خداست که آن را پیروز ساخت، و سپاه اوست که آن را آماده و یاری فرمود، و رسید تا آنجا که باید برسد، در هر جا که لازم بود طلوع کرد، و ما بر وعده پروردگار خود امیدواریم که او به وعده خود وفا می کند، و سپاه خود را یاری خواهد کرد. ... اما آنچه از فراوانی دشمن گفتی، ما در جنگ های گذشته با فراوانی سرباز نمی جنگیدیم، بلکه با یاری و کمک خدا مبارزه می کردیم.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ بَعَيْنُ اللَّهِ وَ مَعَ ابْنِ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ، فَعَاوِدُوا الْكَرَّ وَ اسْتَحْيُوا مِنَ الْفَرِّ فَإِنَّهُ عَارٍ فِي الْأَعْقَابِ وَ نَارٌ يَوْمَ الْحِسَابِ، وَ طِيبُوا عَنْ أَنْفُسِكُمْ أَنْفُسًا وَ امْشُوا إِلَى الْمَوْتِ مَشْيًا سَجْجًا، وَ عَلَيَكُمْ بِهَذَا السَّوَادِ الْأَعْظَمِ وَ الرِّوَاقِ الْمُطَنَّبِ، فَاضْرِبُوا ثَبَجَهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ كَامِنٌ فِي كِسْرِهِ وَ قَدْ قَدَّمَ لِلْوَبْئَةِ يَدًا وَ آخَرَ لِلنَّكُوصِ رِجْلًا، فَصَمْدًا صَمْدًا حَتَّى يَنْجَلِيَ لَكُمْ عَمُودُ الْحَقِّ، «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَبْرُكَكُمْ أَعْمَالُكُمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۶۶) و بدانید که دیده لطف خدا شما را پناه است و پسر عموی رسول وی با شما همراه. پس پیایی بستیزید و شرم کنید از آنکه بگریزید، که گریز برای بازماندگان مایه ننگ است و ملامت، و آتشی است برای روز قیامت. خود را خرّم و سرخوش دارید، و با آسانی و سبک جانی به سوی مرگ گام بردارید. این لشکر انبوه فراهم، و این خیمه های طناب

افکنده درهم را هدف حمله خود سازید. به قلب آن حمله برید و از کارش بیندازید که شیطان در چین و شکن آن خانه گرفته است، دستی پیش برای حمله و ستیز، و پاییی در پس برای گریز. پس استوار باشید و پایدار، تا حق برای شما روشن گردد و پدیدار، که «شما برترید و خدا با شماست، و از پاداش کردارتان نخواهد کاست.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

دشمن شناسی و دشمن ستیزی از دیدگاه امام خمینی (ره)، عبدالحسین فرهودی مقدم، علی عباسی، تهران: دانشگاه افسری امام علی (ع)، ۱۳۹۳.
دشمن شناسی، مقام معظم رهبری، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.

جور ممکن است تمام بشود: تمام شدن سختی‌ها با خرسندی، تمام شدن سختی‌ها با ناخرسندی، جنگ تحمیلی تمام شد با خرسندی، یعنی با پیروزی ملت ایران؛ علتش این بود که مشکلات را تحمل کردند. من به شما عرض می‌کنم که این زحمات امروز هم تمام خواهد شد و می‌تواند با خرسندی تمام بشود؛ شرطش چیست؟ شرطش این است که احاد ملت ایران - به خصوص مسئولان در رده‌های مختلف - کار خودشان را خوب انجام بدهند. بدانید سرنوشت جمهوری اسلامی اعتزاز و اعتلا است، و بدانید سرنوشت دشمنان جمهوری اسلامی ذلت و انحطاط است؛ همه‌ی قرائن این را به ما نشان می‌دهد و برای ما اثبات می‌کند و این اتفاق خواهد افتاد. آن روز ممکن است افرادی از ماها نباشیم، اما ملت ایران هست، ملت ایران زنده است، جریان انقلاب زنده است، جریان نظام مقدس اسلامی زنده و سر حال و بانشاط است، از این روزها آن روز یاد خواهند کرد و خواهند گفت که یک روزی ملت ایران [چنین بودند]: «مَسَّتْهُمْ الْبَاسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ»؛ آن روز مردم از حرکت شما، ایستادگی شما، مقاومت شما، خوب عمل کردن شما تشکر می‌کنند، تقدیر می‌کنند، قدرش را می‌دانند، همچنان که ما امروز قدر رزمندگان دفاع مقدس و شهدای دوران دفاع مقدس را می‌دانیم.

(۱۳۹۸/۱/۳۱)

مستندات :

سوره مبارکه حج/۴۰: الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتَّتْ صَوَامِعُ وَيَعٍ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

سوره مبارکه بقره/۲۱۴: أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمْ الْبَاسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ

سوره مبارکه بقره/۱۹۱: وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ

موضوع: دفاع از وطن

پیام : دفاع از وطن با ایستادگی نتیجه آن خوشنودی و اعتلا ایران است.

سوالات اساسی و چالشهای ذهنی مخاطب:

- اینکه در روایات آمده حب وطن از ایمان است یعنی چه؟ آیا همان نژادپرستی نیست؟
- ما به عنوان یک مسلمان باید بگوئیم زنده باد ایران یا زنده باد اسلام؟

تبیین موضوع و پیام:

امام خامنه‌ای شهید:

عزیزان من! زحمتی بر عهده ی شما و بر عهده ی همه ی احاد ملت ایران است.... (جنگ تحمیلی با تمام سختی‌ها که داشت) اما آن سختی‌ها تمام شد سختی دو

أَخْرَجُوكُمْ ۖ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ ۚ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ ۖ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ ۚ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ
 امام صادق (ع) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَيَمَقُّتُ الْعَبْدَ يُدْخِلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ فَلَا يُقَاتِلُ (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۵۷) خداوند دشمن می دارد کسی که به خانه او حمله کنند، ولی او با آنها مقابله و نبرد نکند»

امیرالمومنین (ع) وقتی سستی کوفیان در دفاع از شهر انبار را دیدند، خطاب به آنها فرمود: أَلَا وَإِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَىٰ قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَنَهَارًا وَسِرًّا وَإِعْلَانًا وَقُلْتُ لَكُمْ أَغْرُوهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْرُوَكُمْ فَوَاللَّهِ مَا غَزَىٰ قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دَلُّوا فِتْوَاكَتُمْ وَتَخَاذَلْتُمْ حَتَّىٰ شُنْتُ عَلَيْكُمُ الْغَارَاتُ وَمُلَكْتُ عَلَيْكُمُ الْأَوْطَانَ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹) آگاه باشید، من شب و روز، پنهان و آشکار شما را به مبارزه با این قوم [معاویه و لشکریانش] دعوت کردم و گفتم پیش از آنکه با شما بجنگند، با آنها نبرد کنید. به خدا سوگند، هر ملتی در خانه اش مورد هجوم دشمن قرار گیرد، ذلیل خواهد شد و برای نبرد با دشمن باید به بیرون از مرزها شتافت؛ ولی شما سستی کردید و دست از یاری برداشتید، تا آنجاکه دشمن پیوسته به شما حمله کرد و سرزمین شما را مالک شد.

امیرالمومنین (ع) مِنْ كَرَمِ الْمَرْءِ بُكَاءُهُ عَلَىٰ مَا مَضَىٰ مِنْ زَمَانِهِ وَحَنِينُهُ إِلَىٰ أَوْطَانِهِ وَحِفْظُهُ قَدِيمِ إِخْوَانِهِ (تحف العقول، ص ۲۰۷) از بزرگواری انسان این است که بر زمان سپری شده اش بگرید، به وطنش علاقه مند باشد و دوستان قدیمی اش را حفظ کند»

امیرالمومنین (ع) عُمَرَتْ الْبُلْدَانُ بِحُبِّ الْأَوْطَانِ (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۰) با حُب و دوستی شهرها، وطن آباد می شود.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

موسویان، حمیده سادات و میرجلیلی، علی محمد، وطن دوستی از دیدگاه اسلام، یزد: دانشگاه یزد، ۱۳۹۳.

موضوع: نصرت الهی در قرآن

پیام: رابطه ایمان به خداوند با نصرت الهی

سوالات اساسی و چالشهای ذهنی مخاطب:

- اگر طبق قرآن وعده خداوند در خصوص کسانی که از سرزمینشان به ظلم بیرون شدند این است که آنها را یاری می کند، پس چرا خداوند مردم غزه را یاری نمی کند؟!
- با توجه به آیه ان تنصروا الله ينصركم، مگر خداوند نیازی به یاری ما دارد که اگر او را یاری کنیم او نیز ما را یاری خواهد کرد؟
- شرط یاری خداوند نسبت به مؤمنان چیست؟ چکار کنیم تا خداوند ما را نسبت به دشمنان کمک کند؟

تبیین موضوع و پیام:

امام خامنه ای شهید:

وقتی که ما ایمان به خدا را در مسائل عینی، در مسئله ی مبارزه با استکبار مطرح

می‌کنیم، معنای ویژه‌ای دارد. ایمان به خدا در این مقام به معنای ایمان به وعده‌های الهی است. خدای متعال در قرآن وعده‌هایی داده است که این وعده‌ها تخلف‌ناپذیر است. وعده داده است «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛ وعده داده است که «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرْهُ»؛ وعده داده است که «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»؛ وعده داده است که «وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ»؛ اگر خدا را نصرت کنید خدا به شما ثبات قدم خواهد داد و شما را نصرت خواهد کرد؛ آنچه به سود مردم است، ماندگار است، ماندنی است و کف‌های روی آب، رفتنی است و ناحق و باطل همان کف روی آب است و حق یعنی حقیقت اسلام، عبارت است از آنچه خواهد ماند؛ اینها وعده‌های الهی است؛ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ؛ خدا وعده‌های خودش را تخلف نخواهد کرد. (۱۴/۳/۱۴۰۲)

مستندات :

سوره مبارکه غافر/۵۱: إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ

سوره مبارکه حج/۳۹: أَذِنَ لِلَّذِينَ بُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

سوره مبارکه محمد/۷: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

امیرالمومنین علیه السلام وَ لَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا مَا يَزِيدُنَا ذَلِكُ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا وَ مُضِيًّا عَلَى اللَّقَمِ وَ صَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْأَلَمِ وَ جِدًّا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ وَ لَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ مِنَّا وَ الْآخَرُ مِنْ عَدُوِّنَا يَتَصَاوَلَانِ تَصَاوُلَ الْفَحْلَيْنِ يَتَخَالَسَانِ أَنْفُسَهُمَا أَيُّهُمَا يَسْقِي صَاحِبَهُ كَأْسَ الْمُنُونِ فَمَرَّةً لَنَا مِنْ عَدُوِّنَا وَ مَرَّةً لِعَدُوِّنَا مِنَّا فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بِعَدُوِّنَا الْكَبْتَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ حَتَّى اسْتَقَرَّ الْإِسْلَامُ مُلْقِيًا جِرَانَهُ وَ مُتَبَوِّئًا أَوْطَانَهُ وَ لَعَمْرِي لَوْ كُنَّا نَأْتِي مَا أَتَيْتُمْ مَا قَامَ لِلَّذِينَ عُمِدُوا وَ لَا اخْضَرَ لِلْإِيمَانِ عُودٌ وَ إِيْمُ اللَّهِ لَتَحْتَلِبَنَّهَا دَمًا وَ لَتَشْبَعَنَّهَا نَدْمًا (نهج البلاغه، خطبه ۵۶) ما در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم، (و حتی با) پدران و فرزندان و عموهای خود نیز می‌جنگیدیم، و این مسئله جز بر ایمان و تسلیم و

حرکت در راه راست و شکیبایی بر سوزش السم، و کوشش ما در جهاد با دشمن نمیافزود. و مردی از ما و مردی از دشمن چون دو شیر نر با هم در میافتادند، و در صدد بر آوردن جان یکدیگر بودند تا کدام یک از آن دو جام مرگ را به کام دیگری بریزد. یک بار ما بر دشمن پیروز میشدیم، و یک بار دشمن بر ما. چون خداوند راستی ما را دید دشمن ما را سرکوب کرد، و یاری خود را بر ما فرو فرستاد، تا آن وقت که اسلام همانند شتری که سینه و گردن برای استراحت به زمین نهد و در جای خود بخوابد استقرار یافت. به جانم قسم اگر ما در آن زمان رفتاری مانند رفتار امروز شما داشتیم پایهای از بنای اسلام بر پا نمیشد، و شاخهای از درخت ایمان سبز نمیگشت. به خدا قسم با این وضعی که دارید به جای شیر خون خواهید دوشید، و به دنبالش دچار ندامت خواهید شد

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

شریفی، فاطمه، نصرت الهی و شرایط آن در قرآن و حدیث، انتشارات ماهرنگ، ۱۳۸۴.

خیلی چیز خطرناکی است، خیلی چیز مهمی است؛ این شرطها ممکن است که شرطهای بشدت گمراه کننده و هلاک کننده ای باشد- در یک چنین وضعی انسان چه کار باید بکند؟ اینجا انسان متوجه می شود که علاج این، «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ» است؛ چون این مسئله، مسئله ی عمومی است، همه باید استقامت کنید، همه باید بایستید؛ یعنی یک حرکت جمعی صبر و استقامت را از ما می خواهد. یا «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ تواصی به صبر، یکدیگر را وادار کردن به ایستادگی و مقاومت و تحمل و پایداری. ما امروز با این مسئله مواجهیم؛ مردم ما دچار مشکلاتی هستند که بخشی از آنها ناشی از فشارهای دشمن است و ما می خواهیم مردم در مقابل این [مشکلات] استقامت کنند، بایستند؛ این یک حرکت عظیم و مهمی است که خب بحمدالله در کشور ما دارد انجام می گیرد. (۱۳۹۹/۱۲/۴)

مستندات:

سوره مبارکه فصلت/۳۰: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ
سوره مبارکه هود/۱۱۲: فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
سوره مبارکه بقره/۱۵۳: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

امام سجاد (ع): وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ مَنَّةً، وَلَا لَهُ عِنْدِي يَدًا، وَلَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةٌ، بَلِ اجْعَلْ سَكُونٌ قَلْبِي وَأُنْسٌ نَفْسِي وَاسْتِغْنَائِي وَكَفَايَتِي بِكَ وَبِخِيَارِ خَلْقِكَ (صحیفه سجادیه، دعای ۲۱) بار خدایا، بار منت هیچ گنهگار و کافر بر دوش من منه و برای هیچ يك از آنان در نزد من نعمت و بهرهای قرار مده و مرا نیز به آنان محتاج مکن، بلکه آرامش دل و آسایش جان و بینایزی و کفایت مرا تنها به خود و بندگان نیکوکار منحصراً فرمای. [تبیین امام خاмене ای شهید: یعنی من را مدیون کافر و فاسق نکن، من را محتاج آنها نکن، چشم من به دست آنها نباشد، من در مقابل آنها احساس ضعف نکنم؛

موضوع: تفاوت ها و پیامدهای مقاومت و تسلیم

پیام: هزینه سازش بیشتر از مقاومت است.

سوالات اساسی و چالشهای ذهنی مخاطب:

- واقعا هزینه سازش بیشتر از مقاومت است؟ مگر ضرب المثل نداریم گره ای که با دست باز می شود با دندان باز نکن؟
- علت اصلی دشمنی دشمنان با ما چیست؟ چه باید کرد؟

تبیین موضوع و پیام:

امام خاмене ای شهید

نظام اسلامی با فشارهای شرطی دشمن مواجه می شود؛ مراد ما از فشار شرطی این است که یک فشاری را وارد می کنند، مثلاً تحریم را، بعد می گویند این را برمی داریم به شرط اینکه فلان کار انجام بگیرد - این جور نیست که آدم را بکلی مایوس کنند؛ می گویند برمی داریم اما شرطش این است که این کار باید انجام بگیرد؛ این خب

این یکی از معارف است. اینکه از خدا میخواهد او را در مقابل دشمن به این وضع دچار نکند، معنایش این است که در مقابل دشمن نباید به این وضع دچار شد. (۱۳۹۸/۱۱/۲۶)

[در پیامدهای بی تفاوتی و تسلیم]

امیر المؤمنین علیه السلام أَنْتُمْ تُكَادُونَ وَلَا تَكِيدُونَ وَتُنْقَضُ أَطْرَافُكُمْ فَلَا تَمْنَعُصُونَ لَا يَنَامُ عَنْكُمْ وَأَنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ سَاهُونَ غُلِبَ وَاللَّهِ الْمُتَحَاذِلُونَ وَإِنَّمَا اللَّهُ إِنِّي لَا أَظُنُّ بِكُمْ أَنْ لَوْ حِمَسَ الْوَعَى وَاسْتَحَرَّ الْمَوْتُ قَدْ انْفَرَجْتُمْ عَنْ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ انْفِرَاجَ الرَّأْسِ وَاللَّهِ إِنَّ أَمْرًا يُمَكِّنُ عِدْوَهُ مِنْ نَفْسِهِ يَعْرِفُ لَحْمَهُ وَيَهْشِمُ عَظْمَهُ وَيَفْرِقُ جِلْدَهُ لَعَظِيمٌ عَجْزُهُ ضَعِيفٌ مَا ضَمَّتْ عَلَيْهِ جَوَانِحُ صَدْرِهِ أَنْتَ فَكُنْ ذَلِكَ إِنْ شِئْتَ فَأَمَّا أَنَا فَوَاللَّهِ دُونَ أَنْ أُعْطِيَ ذَلِكَ ضَرْبٌ بِالْمَشْرِفَةِ تَطِيرُ مِنْهُ فَرَاشُ الْهَامِ وَتَطِيحُ السَّوَاعِدُ وَالْأَقْدَامُ وَيَفْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ ذَلِكَ مَا يَشَاءُ (نهج البلاغة، خطبه ۳۴) فریب میخورید و چاره فریب نمینمایید، شهرهایتان به تصرف دشمن میرود به خشم نمیآید، دیده دشمن بیدار است و شما در بیخبری هستید. به خدا قسم شکست خوردند آنان که با یکدیگر همراهی نکردند. سوگند به خدا گمانم در حق شما این است که اگر جنگ شدت گیرد، و تنور مرگ گرم شود، شما مانند جدا شدن سر از بدن از پسر ابو طالب جدا شوید. سوگند به حق، کسی که زمینه سلطه دشمن را بر خود فراهم کند تا دشمن گوشتش را بخورد، و استخوانش را بشکند، و پوستش را بکند، عجز و بیغیرتیش بزرگ، و دلش که در قفسه سینهاش جای دارد ناتوان و ضعیف است. تو اگر میخواهی این گونه باش، اما من به خدا قسم قبل از آنکه فرصت سلطه به دشمن بدهم با شمشیر مشرفی چنان بزنم که استخوان ریزههای سرش بپرد، و بازو و قدمش قطع شود، و بعد از آن خداوند هر چه را خواهد انجام دهد.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

صلح میرزانی، سعید، اندیشه مقاومت (از منظر آیت الله العظمی خامنه ای) (قدس سره)، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.

موضوع : ضرورت مقاومت تا ظهور

پیام: انتظار فرج یعنی همه‌ی سختی‌ها قابل برداشته شدن و برطرف شدن است.

سوالات اساسی و چالشهای ذهنی مخاطب:

- امر انتظار ظهور و دعا برای ظهور چه تفاوتی در نگاه اخباری ها و حجتی ها و شیعه های انگلیسی با نگاه امام راحل و امام شهید دارد؟
- آیا جریان مقاومت اسلامی دارد مذهب تشیع و شیعیان را در سطح جهانی تضعیف می‌کند؟ و این سبب تأخیر امر فرج خواهد شد یا برعکس؟

تبیین موضوع و پیام:

امام خامنه‌ای شهید

انتظار فرج یعنی همه‌ی سختی‌ها قابل برداشته شدن و برطرف شدن است. نه اینکه بنشینید انتظار بکشید؛ [بلکه] دل شما گوش به‌زنگ باشد. همین‌طور که در قضیه‌ی حضرت موسی به مادرش گفته شد: إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ؛ این بچه را به تو برمی‌گردانیم و او

را هم از مرسلین قرار می‌دهیم و نجاتشان خواهد داد؛ این، بنی اسرائیل را مستحکم کرد. بنی اسرائیل در مصرِ فرعونى، سال‌های متمادی، مقاومت کردند... همین مقاومت بود که موسی را آورد و حرکتش را آغاز کرد و دنبال او راه افتادند و به نابودی فرعون و فرعونیان منتهی شد؛ این، انتظارِ فرج است... انتظار فرج یعنی این، یعنی آماده بودن، فکر کردن، بن‌بست نپنداشتن؛ بن‌بست‌انگاری خیلی چیز بدی است. این معنای انتظار فرج است...» (۱۴۰۲/۱/۲۹)

مستندات :

سوره مبارکه نور / ۵۵: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

امام باقر (ع): كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَيَاذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوَأْذَرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ (غیبت نعمانی، ص ۲۷۳) گویا مردمی را می‌بینم که در شرق برای طلب نمودن حق (حکومت) قیام کرده‌اند ولی این حق را به آن‌ها نمی‌دهند. باز آن‌ها قیام می‌کنند ولی باز نمی‌رسند؛ وقتی که چنین دیدند شمشیرهای خود را حمایل می‌کنند و آنگاه آن‌چه را که می‌خواهند به آن‌ها می‌دهند ولی آن‌ها نمی‌پذیرند تا آن که کارشان سامان پیدا کند، و این حق را به کسی نمی‌دهند جز به صاحب شما، مقتولین آن‌ها از جمله شهیدانند. آگاه باشید! اگر من آن روز را درک می‌کردم خود را برای صاحب‌الامر نگه می‌داشتم. امام صادق (ع) أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ... وَالْإِنْتَظَارُ لِلْقَائِمِ (فضائل امیرالمؤمنین ۸، ابن عقده کوفی، ص ۱۴۷) آیا

شما را از چیزی مطلع نگردانم که خداوند عمل بندگان را جز بوسیله آن؛ نمی‌پذیرد؟ من گفتم: بفرمائید بدانیم آن چیست؟ فرمود: آن گواهی دادن به یگانگی خدا و رسالت محمد (ص) ... و انتظار برای ظهور قائم ماست. رهبر شهید می‌فرماید: ملّتی که در دلش خورشید امید به آینده و زندگی و لطف و مدد الهی می‌درخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمی‌شود و با این حرف‌ها، از میدان خارج نمی‌گردد. این، خصوصیت اعتقاد به آن معنویت مهدی علیه آلاف التّحیة والثناء است... عقیده به امام زمان (عج) نمی‌گذارد مردم تسلیم شوند؛ به شرطی که این عقیده را درست بفهمند. (۱۳۷۴/۱۰/۱۷)

امام رضا (ع) مِنْ دِينِهِمُ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ وَالصَّدَقُ وَالصَّلَاحُ وَالِاسْتِقَامَةُ وَالْإِجْتِهَادُ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَطُولُ السُّجُودِ وَالْقِيَامَ بِاللَّيْلِ وَاجْتِنَابَ الْمَحَارِمِ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ. از جمله دین ائمه (علیهم السلام) تقوا، پاکدامنی، راستگویی، صلاح، استقامت، اجتهاد، رد امانت به نیکوکار و فاجر، سجده طولانی، شب زنده‌داری، دوری از محرمات و انتظار فرج همراه با صبر است. (عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۲)

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

نصر الله، سید حسن، از مقاومت تا ظهور، (مترجم: سید حسن تدین فرید)، انتشارات حوزه علمیه مروی، تهران ۱۴۰۵

فداکارانه‌ی خودشان، عرصه را بر دشمن صهیونیست و بر آمریکا تنگ کنند؛ راهش فقط این است و همه‌ی دنیای اسلام هم باید به اینها کمک کنند؛ همه‌ی ملت‌های مسلمان باید از فلسطینی‌ها پشتیبانی کنند و حمایت کنند؛ این علاج است... و ما به عنوان نظام جمهوری اسلامی وظیفه‌ی خودمان را پشتیبانی از گروه‌های مبارز فلسطینی میدانیم و هر جور بتوانیم، هر مقدار بتوانیم، با همه‌ی وجود از آنها پشتیبانی خواهیم کرد؛ این خواست نظام جمهوری اسلامی و خواست ملت ایران است. ان شاء الله آنها تقویت خواهند شد و دشمنشان را به ضعف خواهند کشاند. (۱۳۹۸/۱۱/۱۶ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم)

امروز وظیفه چیست؟ کمک به مقاومت. هر کسی هر جور میتواند باید به مقاومت کمک کند. کمک به مقاومت وظیفه است، کمک به رژیم صهیونیستی جنایت و خیانت است. بعضی از دولتهای مسلمان متأسفانه این جنایت را مرتکب میشوند، [اما] بدانند که ملت‌های مسلمان این را فراموش نخواهند کرد. امروز وظیفه است که دولتهای مسلمان نگذارند کالا و نفت و سوخت و مانند اینها به رژیم صهیونیستی برسد، همچنان که او نمیگذارد آب به مردم غزه برسد؛ این وظیفه‌ی دولتهای مسلمان است. وظیفه‌ی ملت‌های مسلمان [هم این] است که از دولتهای خودشان بخواهند هر گونه کمکی [به رژیم صهیونیستی] را قطع کنند، بلکه رابطه‌های خود را قطع کنند؛ اگر قادر نیستند رابطه‌ی خود را به طور دائم قطع کنند، لااقل به طور موقت قطع کنند روابط خودشان را، فشار بگذارند روی این عنصر خبیث ظالم خونخوار سفاک.

می‌بینید امروز وجدان دنیا به درد آمده، احساس درد میکند. در کشورهای اروپایی، مردم به خیابانها می‌آیند؛ این شوخی نیست. شخصیت‌های سیاسی در بعضی از این دولتها و کشورها به خاطر کمک دولتهایشان استعفا میکنند؛ رؤسای دانشگاه‌ها استعفا میکنند؛ دانشمندان، افراد سرشناس، انتقاد میکنند، اعتراض میکنند. وجدان دنیا به درد آمده، در عین حال بعضی‌ها باز همان کمک‌ها را دارند به این رژیم ظالم و سفاک انجام میدهند. (۲/۱۰/۱۴۰۲ بیانات در دیدار مردم

موضوع: کمک به جبهه مقاومت

پیام: هر کسی هر جور میتواند باید به مقاومت کمک کند (مقام معظم رهبری)

سوالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- در حالی که خود ما و کشورمان در شرایط اقتصادی بسیار بدی به سر می‌برد چرا باید به لبنان و فلسطین کمک کرد؟
- مگر نه این است که چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است؟ پس چرا باید به لبنان و فلسطین و سوریه کمک کرد؟

تبیین موضوع و پیام:

علاج [مسئله‌ی فلسطین] چیست؟ علاج عبارت است از ایستادگی و مقاومت شجاعانه. ملت فلسطین و عناصر فلسطینی و سازمانهای فلسطینی بایستی با جهاد

«کرمان» و «خوزستان»)

مستندات:

[کمک به جبهه مقاومت مصداق ان تنصروا الله]

سوره مبارکه محمد / ۷: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

[کمک به جبهه مقاومت مصداق جهاد با اموال]

سوره مبارکه توبه / ۴۷: انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ

اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

امام سجاد (ع) اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ، أَوْ تَعَاهَدَ خَالِفِيهِ فِي غَيْبَتِهِ، أَوْ أَعَانَهُ بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ، أَوْ أَمَدَّهُ بِعِتَادٍ، أَوْ سَحَذَهُ عَلَى جِهَادٍ، أَوْ اتَّبَعَهُ فِي وَجْهِهِ دَعْوَةً، أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَزَائِهِ حُرْمَةً، فَاجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزِنَا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوْضُهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوْضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعٌ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورٌ مَا أَتَى بِهِ، إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أَجْرَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ أَعِدَدْتَ لَهُ مِنْ كَرَامَتِكَ.

(صحیفه سجادیه، دعای بیست و هفتم) بارخدا یا و هر مسلمانی به وقتی که جنگجو در میدان جنگ است و مرزدار به مرزداري مشغول است به امور خانه آنان رسیدگی کند، یا در نبود او به کفالت خانواده اش برخیزد، یا او را به قسمتی از مال خود یاری دهد، یا او را به سازو برگ جنگ مدد رساند، یا همت او را به نبرد با دشمن برانگیزد، یا در روی او دعای خیر کند، یا حرمتش را در نبود وی رعایت نماید، به او نیز اجر همان رزمنده را وزن به وزن، و مثل به مثل عنایت کن، و عمل او را پاداشی نقد ببخش که بدون درنگ سود کار خیری را که پیشاپیش فرستاده، و شادی خاطری که نتیجه کار اوست در همین دنیا به او بدهد، تا آنکه فرارسد زمان آن فضل و پاداشی که بر او روا داشته ای، و کرامتی که برای او آماده ساخته ای. پیامبر اکرم (ص): مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ. (کافی، ج ۲، ص ۱۶۴) هر کس صبح کند و به امور مسلمانان همت نرزد، از آنان نیست و هر کس فریاد کمک خواهی

کسی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست.

امیرالمومنین علی (ع) كونا للظالم خصما وللمظلوم عوناً (نهج البلاغه، نامه ۴۷) همواره دشمن [سرسخت] ظالم و یار و مددکار مظلوم باشید.

پیامبر اکرم (ص): أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ، صَدَّقْتَنِي حِينَ كَذَّبَنِي النَّاسُ وَ وَازَرْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ أَعَانْتَنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبِ الزُّمُرْدِ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ. (بحار الأنوار: ج ۴۳، ص ۱۳۱) مثل خدیجه پیدا نخواهد شد. خدیجه در آن هنگام که مردم مرا تکذیب کردند، مرا تصدیق نمود، و مرا با ثروت خود برای پیشرفت دین خدا یاری نمود. خدا به من دستور داد خدیجه را به قصر زمردی که در بهشت دارد و هیچ رنج و زحمتی در آن نیست، بشارت دهم.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

صلح میرزایی، سعید، اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)، تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.

آن، بهشت و رضای الهی را گرفت که بالاترین دستاوردها است؛ چرا؟ چون «شهادت بدین معنا است که یک انسان برترین و محبوب‌ترین سرمایه دنیوی خویش را نثار آرمانی سازد که معتقد است زنده ماندن و بارور شدن آن، به سود بشریت است.» بنابراین می‌توان گفت: شهید علاوه بر مسئولیت الهی، به مسئولیت اجتماعی خویش نیز به بهترین وجه عمل کرده است، لذا اجتماع و مردمان پس از او نیز باید به وظیفه خود در قبال او عمل کنند؛ «گاهی رنج و زحمت زنده نگه داشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست.» «روزبه‌روز باید یاد شهدا و تکرار نام شهدا و نکته‌یابی و نکته‌سنجی زندگی شهدا در جامعه ما رواج پیدا کند.» چرا؟ چون «آنجائی که یاد شهادت، یاد و ذکر شهیدان، تمجید از عظمت شهیدان وجود دارد، هر انسانی، هر دلی احساس عظمت و استغنائی از غیر خدا می‌کند.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، ۲۰ جمله درباره شهید و شهادت)

مستندات:

[شهید، میزبان سفره ضیافت الهی]

سوره مبارکه آل عمران / ۱۶۹ تا ۱۷۱: وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ

امام خامنه‌ای شهید: در عظمت مقام شهادت همین بس که میهمان سفره ضیافت الهی است.

سوره مبارکه بقره / ۱۵۴: وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتَ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ

[فروش جان به سود بشریت و خرید بهشت]

سوره مبارکه توبه / ۱۱۱: إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعُذًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمِ اللَّهِ الَّتِي بَايَعْتُمْ بِهِ^۱ وَذَلِكَ هُوَ

موضوع: جایگاه شهدا در قرآن

پیام: شهید، میزبان سفره ضیافت الهی

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- اینکه به شوخی گفته می‌شد شهیدان زنده‌اند ما چرا بجنگیم، آیا خبر از یک واقعیت اجتماعی نیست؟
- چرا عده‌ای باید جان شیرین خود را فدای زندگی خوب و خوش دیگران کنند؟
- اینکه شهید جان خود را به خاطر احیای دین و خدا می‌دهد، چه اثری در اجتماع پیرامونی او دارد؟
- آیا ما در قبال خون شهدا، مسئولیتی داریم؟ چه کنیم خونشان پایمال نشود؟

تبیین موضوع و پیام:

«شهادت، یعنی وارد شدن در حریم خلوت الهی و میهمان شدن بر سر سفره ضیافت الهی؛ این خیلی با عظمت است؛» به تعبیر دیگر: «شهید جان را فروخت و در مقابل

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

[جهاد و شهادت در تمام اعصار، تمام امت‌ها و انبیا]

سوره مبارکه آل عمران / ۱۴۶: وَكَأَيِّنْ مِّنْ نَّبِيٍّ قُتِلَ مَعَهُ رِثِيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ
[بالاترین نیکی‌ها]

رسول خدا ﷺ: فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰)؛ بالاتر از هر کار خیری، خیر و نیکی دیگری است تا آن‌که فردی در راه خدا کشته شود و بالاتر از کشته شدن در راه خدا، خیر و نیکی نیست.

[با شهیدان عشق است]

امیرالمومنین علی (ع): نَسَأُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَمُعَايِشَةَ السُّعَدَاءِ وَمُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ (نهج البلاغه، خطبه ۲۳)؛ از خداوند جایگاه شهیدان و زندگی با سعادتمندان و همراهی با پیامبران را طلب می‌کنم.

[شهادت یا در رکاب امام عادل است یا در دفاع از جان و مال و ناموس]

امام رضا (ع) در نامه خود به مأمون نوشت: وَالْجِهَادُ وَاجِبٌ مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ وَمَنْ قَاتَلَ فَقُتِلَ دُونَ مَالِهِ وَرَحْلِهِ وَنَفْسِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۵، حدیث ۱۰)؛ جهاد همراه امام عادل واجب است و هر کس پیکار کند و در راه دفاع از مال و ره توشه و جان خویش کشته شود، شهید است.

پیامبر اکرم ﷺ: مَنْ قُتِلَ دُونَ عِيَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹۱)؛ هر کس در راه دفاع از بستگان خود کشته شود شهید است.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

رفیعی، علی، ایثار و شهادت از نگاه قرآن کریم و تأثیر آن‌ها بر فرد و جامعه، زنجان: نشر دانش زنجان، ۱۳۹۳.

سعیدی، علی‌مراد، جهاد و شهادت از منظر قرآن، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۹۸.

قاسمی، مرضیه، بررسی شهید و شهادت از دیدگاه قرآن و حدیث، تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۷.

موضوع: جهاد تبیین در مقابله با جنگ رسانه‌ای دشمن

پیام: واجب فوری بودن جهاد تبیین

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- مردم عادی چه نقشی در جهاد تبیین می‌توانند داشته باشند؟ وظیفه مسئولان چیست؟!

تبیین موضوع و پیام:

امام خامنه‌ای شهید

در این جهادی که وجود دارد، در این جنگ بی‌امانی که وجود دارد بین اسلام و کفر، بین حق و باطل، بین روایت دروغ و حقیقت – این جنگی است بین این‌ها – ما در کجای این جبهه قرار داریم و حضور داریم؟ (۱۴۰۰/۰۳/۱۱)

جهاد تبیین یعنی ایستادن آگاهانه و مسئولانه در برابر موجی از دروغ، تحریف و القائاتی که دشمن از راه رسانه‌ها و فضای مجازی علیه حقیقت به راه انداخته است. به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) امروز جنگ اصلی، جنگ گلوله و تانک نیست؛ جنگ روایت‌هاست. دشمن تلاش می‌کند با پخش اخبار جهت‌دار، بزرگ‌نمایی ضعف‌ها، پنهان کردن واقعیت‌ها و ناامیدسازی مردم، نگاه جامعه را نسبت به انقلاب اسلامی و آینده آن تغییر دهد. در چنین شرایطی، تبیین درست واقعیت‌ها به یک وظیفه همگانی تبدیل می‌شود.

جهاد تبیین فقط مخصوص مسئولان، رسانه‌ها یا نخبگان نیست؛ هرکسی که می‌تواند حقیقتی را بفهمد و درست منتقل کند، در این میدان مسئول است. هر گفت‌وگوی خانوادگی، هر حضور در فضای مجازی و هر تعامل اجتماعی می‌تواند به صحنه‌ای برای روشنگری یا برعکس، میدان اثرگذاری دشمن تبدیل شود. به همین دلیل رهبر انقلاب تأکید می‌کنند که جهاد تبیین یک فریضه فوری است؛ یعنی نمی‌توان آن را به آینده موکول کرد یا از کنار آن بی‌تفاوت گذشت.

دشمن در جنگ رسانه‌ای به دنبال این است که ذهن‌ها را تسخیر کند، نه سرزمین‌ها را. وقتی افکار عمومی دچار تردید، بی‌اعتمادی و سردرگمی شود، تصمیم‌ها و رفتارها هم تحت تأثیر قرار می‌گیرد. جهاد تبیین دقیقاً برای خنثی کردن همین هدف طراحی شده است؛ یعنی روشن کردن حقیقت، پاسخ‌دادن به سؤال‌ها، برطرف کردن ابهام‌ها و جلوگیری از جافتادن روایت‌های دروغین به عنوان واقعیت.

از نگاه دینی، جهاد تبیین نوعی جهاد متناسب با شرایط امروز است. همان‌طور که در دوره‌ای دفاع نظامی یا تلاش اقتصادی اولویت داشته، امروز دفاع از حقیقت و جلوگیری از تحریف آن، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. این جهاد یعنی اجازه ندهیم دشمن برای ما فکر کند، قضاوت بسازد و مسیر را تعیین کند. استقلال فکری و رسانه‌ای، بخش مهمی از ایستادگی در برابر دشمن است. جهاد تبیین

یعنی هرکدام از ما، به اندازه توان خود، نگذاریم حقیقت گم شود؛ یعنی در برابر شایعه سکوت نکنیم، در برابر دروغ بی‌تفاوت نباشیم و در برابر شبهه، روشنگری کنیم. اگر این کار با عقلانیت، اخلاق و صداقت انجام شود، می‌تواند مهم‌ترین سد در برابر جنگ رسانه‌ای دشمن باشد.

در این میان، جوانان نقش ویژه‌ای دارند. آشنایی بیشتر آن‌ها با فضای مجازی، زبان رسانه و ابزارهای نو، می‌تواند به انتقال درست و جذاب پیام‌ها کمک کند. البته این کار نیازمند صبر، برنامه‌ریزی، خلاقیت و انگیزه است؛ نه واکنش‌های احساسی و مقطعی.

مستندات:

سوره مبارکه حجرات/ ۶: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ

سوره مبارکه فرقان/ ۵۲: فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا

سوره مبارکه حج/ ۷۸: وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ

امیرالمؤمنین علی (ع): إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَأَحْكَامُ تُبْتَدَعُ، يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ وَتَوَلَّىٰ عَلَيْهَا رَجَالٌ رَجَالًا عَلَىٰ غَيْرِ دِينِ اللَّهِ. فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخَفَ عَلَى الْمُتَرَدِّينَ، وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ لَاقْطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ، وَلَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ وَمِنْ هَذَا ضِغْثٌ فَيُمَزَّجَانِ، فَهَنَالِكَ يَسْتَوِلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ وَيَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى (نهج البلاغه، خطبه ۵۰)؛ همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها، هواپرستی و بدعت‌گذاری در احکام آسمانی است، نوآوری‌هایی که قرآن با آن مخالف است و گروهی «با دو انحراف یادشده» بر گروه دیگر سلطه و ولایت یابند، که برخلاف دین خداست. پس اگر باطل با حق مخلوط نمی‌شد، بر طالبان حق پوشیده نمی‌ماند و اگر حق از باطل جدا و خالص می‌گشت، زبان دشمنان قطع می‌گردید. اما قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند، آنجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می‌گردد و تنها آنان که مشمول لطف

و رحمت پروردگارند نجات خواهند یافت.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ وَاسْتَجَلَبَ خَيْلَهُ وَرَجِلَهُ، وَإِنَّ مَعِيَ لَبَصِيرَتِي مَا لَبَسْتُ عَلَى نَفْسِي وَلَا لُبْسَ عَلَيَّ. وَإِنَّمَا اللَّهُ لَا فِرْطَنَ لَهُمْ حَوْضًا أَنَا مَا تَحُهُ لَا يَصُدُّوْنَ عَنْهُ وَلَا يَعُوْدُونَ إِلَيْهِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۰)؛ آگاه باشید که شیطان حزب خود را گرد آورده و سواران و پیادگانش را بسیج کرده است. همان بصیرت دیرین هنوز هم با من است. چنان نیستم که چهره حقیقت را نبینم و حقیقت نیز بر من پوشیده نبوده است. به خدا سوگند، بر ایشان گودالی پر آب کنم، که چون در آن افتند بیرون شدن نتوانند و چون بیرون آیند، هرگز، هوس نکنند که بار دیگر در آن افتند.

امام صادق (علیه السلام) را رسم این بود که پیش از موسم حج در چادر کوچکی که در کوه کنار حرم برپا میکردند، چند روزی اقامت می‌کرد، چون همه در مجلس جا گرفتیم، امام سر از چادر خود بیرون کرد و چشمش به شترانی افتاد که دو میزدند، فرمود: به پروردگار کعبه این هشام است، گوید: به گمان ما هشام نامی از خاندان عقیل را که بسیار دوست میداشت را نام برد. گوید: هشام بن حکم رسید و او در سنی بود که تازه خط عذارش روئیده بود و همه ماها از او سالخورده‌تر بودیم، امام صادق (علیه السلام) او را نزد خود جا داد و فرمود: «نَاصِرُنَا بِقُلُوبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدَيْهِ؛ او به دل و زبان و دستش یاور ما است.» (الکافی، ج ۱، باب الإضطرار الي الحجّة، ح ۴)

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

[امام] خامنه‌ای، سیدعلی، جهاد تبیین، سعید صلح میرزایی (گردآورنده)، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰.

